

# پرسش‌های کامل پاسخ‌های کامل

گفتگوهایی میان

آ.چ. بهاکتی ودانتا سوامی پرابهوپاد

و

باب کوهن، کارمند شرکت پیس کُرس در هندوستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پرسش‌های کامل، پاسخ‌های کامل

گفتگویی میان

حضرت آ.چ. بهاکتی ودانتا سوامی پرابهوپاد

و

باب کوهن، کارمند شرکت پیس گُریس در هندوستان



اثر حاضر ترجمه‌ای است از کتاب  
Perfect Questions, Perfect Answers  
که جهت استفاده‌ی پژوهشی و تحقیقاتی علاقه‌مندان فلسفه  
ودایی در سال ۱۳۸۹ در تعداد نسخ محدودی تکثیر گردیده است.

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱- کریشنا، جذاب کل	
۲۷ فوریه ۱۹۷۲	۴
۲- فرهنگ ودایی: وارنا آشراما دارما	
۲۸ فوریه ۱۹۷۲	۱۶
۳- هدف حقیقی زندگی	
۲۸ فوریه ۱۹۷۲ (ادامه)	۲۲
۴- سه گونه‌ی طبیعت	
۲۸ فوریه ۱۹۷۲	۳۳
۵- پاک شدن	
۲۹ فوریه ۱۹۷۲	۳۸
۶- عابد کامل	
۲۹ فوریه ۱۹۷۲، غروب	۴۹
۷- عمل در دانش به کریشنا	
۲۹ فوریه ۱۹۷۲ (ادامه، شب)	۶۶
۸- پیشرفت در کریشنا آگاهی	
(تبادل نامه)	۸۰
۹- تصمیم‌گیری برای آینده	
نیویورک، ۴ جولای ۱۹۷۲	۸۳
کلام آخر	۹۳
درباره‌ی نویسنده	۹۵



## مقدمه

پیش از آنکه شریلا پرابهوپاد را ملاقات کنم، **خداوند** و **زندگی روحانی** برایم مفهیمی مبهم بودند. همیشه به مذهب علاقه داشتم؛ اما پیش از آنکه عابدین کریشناآگاه را ملاقات کنم، بینش لازم جهت پرس و جوی سودمند درباره‌ی زندگی روحانی را نداشتم. عقل سلیم حکم می‌کرد که خالقی وجود دارد؛ اما خداوند کیست؟ من کیستم؟ من به مدرسه‌ی یهودیان می‌رفتم و فلسفه‌ی شرق را مطالعه کرده بودم، اما هرگز پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای برای پرسش‌های خود نیافته بودم.

نخستین بار ماترای هاره کریشنا را در اواخر سال ۱۹۸۶ در گرینویچ ویلیج<sup>۱</sup>، نیویورک شنیدم.

هاره کریشنا هاره کریشنا

کریشنا کریشنا هاره هاره

هاره راما هاره راما

راما راما هاره هاره

ذکر شیفته‌کننده بود و حس بسیار خوبی به من داد. ذکر در ذهنم ماند و کمی بعد، از اینکه هیچ مجله‌ای از عابدین نگرفته بودم، پشیمان شدم. همان‌طور که بعدها به من توضیح داده شد، بذر روحانی که می‌توانست سرانجام به عشق الهی تبدیل شود، کاشته شده بود. چند ماه بعد، کارتی به دستم رسید که ماترای هاره کریشنا روی آن نوشته شده بود. آن کارت متعهد شده بود که "این نام‌های خداوند را ذکر کنید و زندگی شما متعالی خواهد شد!" گاه‌گاهی ذکر می‌کردم و دریافته بودم که این ذکر واقعاً به من آرامش ذهنی می‌دهد. پس از فارغ‌التحصیلی در رشته‌ی شیمی، در سال ۱۹۷۱ به پیس کُریس<sup>۲</sup> پیوستم و به عنوان معلم علوم به هندوستان رفتم. در هندوستان درباره‌ی جنبش هاره کریشنا جويا شدم. من جذب ذکر و شیفته‌ی فلسفه شده بودم و می‌خواستم درباره‌ی اعتبار این جنبش تحقیق

---

<sup>1</sup> Greenwich village

<sup>۲</sup> Peace Corps: آژانس آمریکایی که در سراسر جهان در امور توسعه‌ای فعال است.



کنم. معبد کریشنا را در نیویورک بارها پیش از رفتن به هند دیده بودم، اما زندگی به ظاهر دشوار عابدین را برای خودم نمی‌پسندیدم.

نخستین بار در هندوستان یک عابد کریشنا‌آگاه را در جشنی که در اکتبر ۱۹۷۱ در کلکته برگزار نموده بودند، ملاقات کردم. آن عابد درباره‌ی هدف یوگا و لزوم پرس و جو درباره‌ی زندگی روحانی به من توضیحاتی داد. احساس کردم آیین‌ها و مراسم آنها یک التزام احساسی و احمقانه نیست، بلکه راه واقعی و عاقلانه‌ی زندگی است.

به هر حال در آغاز، درک فلسفه‌ی کریشنا آگاهی برای من بسیار دشوار بود. بزرگ شدن من در غرب از راه‌هایی لطیف، مانع از دیدن چیزهایی می‌شد که وضوح آنها مانند بینی روی صورت‌م بود! خوشبختانه عابدین مرا قانع کردند که تمرین برخی ریاضت‌های سبک لازم است و بدین ترتیب بینش‌هایی به زندگی روحانی پیدا کردم. اکنون می‌توانم به یاد آورم که تصورات من تا چه حد از حیات روحانی و معنوی فاصله داشت. در آن زمان - نوامبر ۱۹۷۱ - برای زمان کوتاهی شریلا پرابهوپاد را ملاقات کردم و کمی بعد تصمیم به گیاه‌خوار شدن گرفتم (به گیاه‌خوار بودن خود غره بودم اما بعدها شریلا پرابهوپاد به من یادآوری کردند که حتی کبوترها نیز گیاه‌خوارند).

در فوریه‌ی ۱۹۷۱ چند عابد را در کلکته ملاقات کردم و آنها مرا به جشنی در مایاپور (جزیره‌ای مقدس در نود مایلی شمال) دعوت نمودند. جشن برای پرشکوه نمودن خداوند چیتانیا که ظهور خود کریشناست، برگزار می‌شد. پیش از آن برنامه‌ریزی کرده بودم که به نیال بروم، اما پیس کرپس اجازه‌ی خروج از هند را به من نداد و بنابراین به مایاپور رفتم. برای دو روز اقامت به مایاپور رفتم، اما یک هفته آن‌جا ماندم. من تنها غربی غیرعابد آن‌جا بودم و از آن‌جایی که با عابدین زندگی می‌کردم، فرصت منحصر به فردی داشتم تا درباره‌ی کریشنا آگاهی بیاموزم.

در روز سوم جشن دعوت شدم تا شریلا پرابهوپاد را ملاقات کنم. ایشان در کلبه‌ی کوچک نیمه خشتی و نیمه کاهگلی با دو یا سه تکه مبلمان ساده زندگی می‌کردند. شریلا پرابهوپاد از من خواستند که بنشینم و بعد از احوالپرسی از من پرسیدند که آیا سؤالی دارم. عابدین به من توضیح داده بودند که شریلا پرابهوپاد می‌توانند به پرسش‌های من پاسخ گویند زیرا ایشان نماینده‌ی سلسله‌ی پیران روحانی هستند. با خود اندیشیدم شاید شریلا پرابهوپاد واقعاً بدانند چه در جهان می‌گذرد. در هر حال عابدین ایشان این‌طور ادعا می‌کردند و من آنها را می‌ستودم و به آنها احترام می‌گذاشتم. با این ذهنیت شروع به پرسیدن سؤالاتم نمودم.

بدون آنکه بدانم به یک پیر روحانی یا گورو روی آورده بودم، به همان طریقی که توصیه شده است: پرسش متواضعانه در مورد زندگی روحانی.

به نظر می‌آمد شریلا پرابهوپاد از من خشنود بودند و در روزهای بعد به پرسش‌های من پاسخ می‌دادند. من اکثراً از دیدگاه آکادمیک سؤال می‌پرسیدم اما ایشان همیشه پاسخ‌های شخصی به من می‌دادند تا بتوانم زندگی خود را روحانی کنم. پاسخ‌های ایشان منطقی، علمی، قانع‌کننده و به طور شگفت‌آوری واضح بود. پیش از آنکه شریلا پرابهوپاد و مریدان ایشان را ملاقات کنم، زندگی روحانی همواره برایم تاریک و محو بود؛ اما گفتگوهای من با شریلا پرابهوپاد منطقی، واضح و هیجان‌انگیز بود! شریلا پرابهوپاد صبورانه تلاش می‌کردند به من کمک کنند تا درک کنم که کریشنا، خداوند، لذت‌برنده‌ی متعال، دوست متعال و مالک متعال است. من برای قبول اصلی بدیهی، موانع بسیار به وجود می‌آوردم: اینکه من باید درباره خداگاهی و درک خداوند جدی باشم. اما شریلا پرابهوپاد با لطف بی‌وقفه خود مرا ترغیب می‌نمودند. با آنکه توانایی کمی در بیان منظور خود داشتم، شریلا پرابهوپاد همه‌ی سؤالات مرا می‌فهمیدند و به صورت کامل پاسخ می‌دادند.

باب کوهن

۱۴ آگوست ۱۹۷۴

## کریشنا، جذاب کل

۲۷ فوریه ۱۹۷۲

**باب:** یک دانشمند چه کسی است؟

**شریلا پرابهوپاد:** کسی که چیزها را همان گونه که هستند می‌داند.

**باب:** او می‌پندارد که چیزها را همان گونه که هستند می‌داند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله؟

**باب:** او امیدوار است چیزها را همان گونه که هست بداند.

**شریلا پرابهوپاد:** خیر، قرار است که بداند. ما نزد دانشمند می‌رویم زیرا قرار است او

چیزها را به درستی بداند. دانشمند یعنی کسی که همه‌ی چیزها را همان گونه که هستند می‌داند. کریشنا یعنی "جذاب کل".

**باب:** جذاب کل.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، اگر خداوند جذاب کل نباشد چگونه می‌تواند خدا باشد؟ انسان

زمانی مهم است که جذاب باشد. این طور نیست؟

**باب:** بله همین طور است.

**شریلا پرابهوپاد:** بنابراین، خداوند باید جذاب باشد برای همه جذاب باشد. بنابراین اگر

خداوند نامی داشته باشد یا اگر بخواهید نامی بدهید، کریشنا تنها نامی است که می‌توان به او داد.

**باب:** ولی چرا فقط کریشنا؟

**شریلا پرابهوپاد:** زیرا او جذاب کل است. کریشنا یعنی جذاب کل.

**باب:** اوه، متوجه‌ام.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، خداوند هیچ نامی ندارد. اما ما به واسطه‌ی کیفیتش به او نام می‌دهیم. اگر شخصی خیلی زیبا باشد، او را "زیبا" خطاب می‌کنیم. اگر شخصی خیلی باهوش باشد، او را "خردمند" خطاب می‌کنیم. بنابراین نام به کیفیت داده می‌شود. از آنجایی که خداوند جذاب کل است، نام کریشنا تنها در مورد او می‌تواند به کار برده شود. کریشنا یعنی "جذاب کل" و همه چیز را شامل می‌شود.

**باب:** اما نامی که به معنای "قدرتمند کل" است چطور؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله... اگر قدرتمند نباشی چطور می‌توانی جذاب کل باشی؟

**شیاماسوندار:** [یک عابد آمریکایی، منشی شریلا پرابهوپاد]: این همه چیز را شامل می‌شود.

**شریلا پرابهوپاد:** همه چیز، او باید بسیار زیبا، بسیار خردمند، بسیار قدرتمند، بسیار مشهور... باشد.

**باب:** آیا کریشنا برای افراد شرور نیز جذاب است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله! او خودش شرورترین نیز بوده است.

**باب:** چطور؟

**شریلا پرابهوپاد:** [با خنده] زیرا او همیشه گویی‌ها را آزار می‌داد.

**شیاماسوندار:** آزار؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، گاهی که رادهارانی بیرون می‌رفت کریشنا به او حمله می‌کرد و هنگامی که او به زمین می‌افتاد - "کریشنا، این گونه مرا عذاب نده" - آنها به زمین می‌افتادند و کریشنا از فرصت استفاده می‌کرد و او را می‌بوسید. [با خنده] رادهارانی بسیار راضی بود، اما ظاهراً کریشنا شرورترین بود. چنانچه شرارت در کریشنا وجود نداشته باشد چطور ممکن است در جهان وجود داشته باشد؟ فرمول ما برای خداوند این است که او منشاء همه چیز است. اگر شرارت در کریشنا وجود نداشته باشد، چطور می‌تواند تجلی پیدا کند... زیرا او منشاء همه چیز است. اما شرارت او آن قدر زیباست که همگان آن را می‌پرستند.

**باب:** شرورانی که خیلی هم خوب نیستند، چطور؟

**شریلا پرابهوپاد:** نه، شرارت خوب نیست، اما کریشنا مطلق است. او خداوند است.

بنابراین شرارت او نیز خوب می‌باشد. کریشنا خوب مطلق است. خداوند خوب است.

**باب: بله.**

**شریلا پرابهوپاد:** از این رو زمانی که شرور می‌شود نیز باز خوب است. او کریشنا است. شرارت نیز خوب نیست. اما زمانی که کریشنا شرارت می‌کند، از آن جایی که او مطلقاً خوب است، آن شرارت نیز خوب است. این نکته باید درک شود.

**باب:** آیا کسانی هم هستند که کریشنا را جذاب نمی‌یابند؟

**شریلا پرابهوپاد:** خیر، همه او را جذاب خواهند یافت. چه کسی جذب نشده است؟ تنها یک مثال بزن که "این فرد یا این موجود زنده جذب کریشنا نشده است". فقط چنین فردی را پیدا کن.

**باب:** کسی که آرزوی انجام کارهایی را در زندگی دارد حس می‌کند اشتباه هستند، اما می‌خواهد به قدرت یا وجهه یا ثروت دست یابد.

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** او ممکن است خداوند را جذاب نیابد، زیرا خداوند به او حس گناه می‌دهد.

**شریلا پرابهوپاد:** نه، نه خداوند قدرتمند شدن برای او جذابیت دارد. انسان می‌خواهد قدرتمند یا ثروتمند شود، این طور نیست؟ اما هیچ‌کس ثروتمندتر از کریشنا نیست. بنابراین کریشنا برای او جذاب است.

**باب:** آیا اگر شخصی که می‌خواهد ثروتمند شود به کریشنا دعا کند، ثروتمند می‌شود؟

**شریلا پرابهوپاد:** اوه بله!

**باب:** آیا او از این راه می‌تواند ثروتمند شود؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. زیرا کریشنا قدرتمند کل است. اگر به کریشنا دعا کنید که ثروتمند شوید، کریشنا شما را ثروتمند خواهد کرد.

**باب:** اگر فردی زندگی شیطانی داشته باشد ولی دعا کند که ثروتمند شود، باز هم ممکن است ثروتمند شود؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، دعا کردن به کریشنا شیطانی نیست.

**باب:** اوه، بله.

**شریلا پرابهوپاد:** [لبخند] به هر حال او به کریشنا دعا می‌کند. پس نمی‌توانید بگویید

او شیطان است.

**باب: بله.**

**شریلا پرابهوپاد:** کریشنا در بهاگاواد-گیتا می گوید: "آپی چت سودوراچارو بهاجاته مام آنانیا- بهاک" <sup>۱</sup>. آن را خوانده ای؟

**باب: بله.** من سانسکریت نمی دانم ولی انگلیسی آن را می دانم.

**شریلا پرابهوپاد:** آهان.

**باب: حتی** اگر شیطانی ترین شخص به من دعا کند ...

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** "او ارتقاء خواهد یافت..."

**شریلا پرابهوپاد:** همین که دعا کردن به کریشنا را آغاز کند، دیگر شیطانی نخواهد بود. بنابراین او جذاب کل است. در وداها گفته شده است که حقیقت مطلق یا شخصیت متعال خداوند، مخزن تمامی لذتهاست. "راسو وای ساها" <sup>۲</sup>. هر شخصی در اشتیاق فرد دیگری است زیرا که در او مزه ای می یابد.

**باب: ببخشید؟**

**شریلا پرابهوپاد:** لذت مردی را درنظر بگیر که در حال نوشیدن است. چرا او می نوشد؟ لذتی در آن نوشیدن است. مردی در اشتیاق پول است زیرا لذتی در پول داشتن می یابد.

**باب: لذت یعنی چه؟**

**شریلا پرابهوپاد:** [به شیاماسوندار] لذت را چگونه تعریف می کنید؟

**شیاماسوندار:** مزه، لذت.

**باب: بله.**

**شریلا پرابهوپاد:** مزه ای لذت بخش؛ بنابراین وداها می گویند: راسو وای ساها. ترجمه ی دقیق لذت راسا است. [مالاتی، همسر شیاماسوندار با سینی غذا وارد می شود] آن چیست؟

**مالاتی:** بادمجان سرخ شده.

**شریلا پرابهوپاد:** اوه! جذاب کل! جذاب کل! [خنده]

**شیاماسوندار:** چطور کریشنا بزرگ ترین دانشمند است؟

<sup>1</sup> *api cet sudurācāro bhajate mām ananya-bhāk* [Bg. 9.30]

<sup>2</sup> *raso vai saḥ* (Taittirīya Upaniṣad 2.7.1)

**شریلا پرابهوپاد:** زیرا او همه چیز را می‌داند. یک دانشمند کسی است که موضوعی را به طور کامل می‌داند. او یک دانشمند است. کریشنا- او همه چیز را می‌داند.

**باب:** من در حال حاضر معلم علوم هستم.

**شریلا پرابهوپاد:** بله تدریس. اما بدون داشتن دانش کامل، چگونه می‌توانی تدریس کنی؟ این سؤال ما است.

**باب:** به هر جهت، بدون داشتن دانش کامل، می‌توان تدریس نمود.

**شریلا پرابهوپاد:** این تقلب است، تدریس نیست. این تقلب است. درست مانند دانشمندان که می‌گویند، چرم بزرگی وجود داشته است ... و خلقت پدید آمد. ممکن است. شاید... " این چیست؟ فقط تقلب! این تدریس نیست. این تقلب است.

**باب:** اجازه دهید آنچه را که امروز صبح گفتید تکرار کنم. جالب بود. من در مورد معجزه پرسیدم، و شما گفتید فقط یک نادان معجزات را باور دارد، زیرا فرض کنید که شما یک کودک هستید و یک شخص بزرگ‌تر این میز را بلند می‌کند. این یک معجزه است. یا شما یک شیمیدان هستید و اسید و باز را با هم ترکیب، و دود تولید می‌کنید، یک انفجار یا هر چی. برای یک فرد ناآگاه، این یک معجزه است. اما برای هر چیزی روندی وجود دارد. زمانی که شما یک معجزه می‌بینید، این تنها ناآگاهی شما از روند است. بنابراین تنها یک نادان معجزات را باور دارد و ... اگر اشتباه می‌گوییم شما مرا اصلاح کنید....

**شیاماسوندار:** بله، بله.

**باب:** شما گفتید زمانی که حضرت مسیح آمد، مردم در ناآگاهی بیشتری به سر می‌بردند و به معجزات به عنوان کمک نیاز داشتند. مطمئن نبودم آیا این دقیقاً همان چیزی است که شما گفتید؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، بله. معجزات برای نادان‌هاست.

**باب:** من این را در مورد همه مردانی که معجزه می‌کنند و در هند در مورد آنها بسیار می‌شنویم پرسیدم.

**شریلا پرابهوپاد:** کریشنا بزرگ‌ترین معجزه‌گر است.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** این توسط کونتی بیان شده است....

**باب:** بدون داشتن دانش کامل، آیا نمی‌توانم چیزهایی درس دهم؟ برای مثال ممکن است من...

**شریلا پرابهوپاد:** تا جایی می‌توانی آموزش دهی که می‌دانی.

**باب:** بله، اما نباید بیشتر از آنچه می‌دانم ادعای آموزش کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، آن تقلب است.

**شیاماسوندار:** به عبارت دیگر، او قادر نیست با دانش جزئی خود، حقیقت را آموزش

دهد.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. این برای هیچ انسانی امکان‌پذیر نیست. حواس انسان ناقص

است. پس چگونه می‌تواند دانش کامل را آموزش دهد. فرض کنید خورشید را مانند یک

دیسک می‌بینید. هیچ وسیله‌ای برای رسیدن به خورشید ندارید. اگر بگویید ما می‌توانیم

خورشید را با تلسکوپ یا با این یا با آن ببینیم، آنها نیز توسط شما ساخته شده است و شما

ناقص هستید. چگونه دستگاه شما می‌تواند کامل باشد؟ بنابراین دانش شما در مورد خورشید

ناقص است. پس بدون داشتن دانش کامل در مورد خورشید آموزش ندهید.

**باب:** اما در مورد آموزش اینکه تصور می‌شود خورشید در فاصله‌ی ۹۳۰۰۰۰۰۰ مایلی

ماست چگونه؟

**شریلا پرابهوپاد:** همین که بگویید "تصور می‌شود"، دیگر علمی نیست.

**باب:** پس فکر می‌کنم تقریباً هیچ یک از علوم، علمی نیستند.

**شریلا پرابهوپاد:** نکته همین است.

**باب:** تمام علم بر اساس و فرضیاتی در مورد این یا آن است.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. آنها ناقص آموزش می‌دهند. همان‌طور که بسیار زیاد در مورد ماه

تبلیغ می‌کنند. آیا فکر می‌کنی دانش آنها کامل است؟

**باب:** خیر.

**شریلا پرابهوپاد:** پس؟

**باب:** وظیفه‌ی صحیح یک معلم در جامعه چیست؟ بگذارید بگوییم معلم علوم. او باید در

کلاس چه کار کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** کلاس؟ باید به سادگی در مورد کریشنا آموزش دهی.



**باب:** او نباید در مورد...

**شریلا پرابهوپاد:** نه، این کار شامل همه چیز می‌شود. هدف او باید این باشد که کریشنا را بشناسد.

**باب:** آیا یک دانشمند می‌تواند علم ترکیب اسید و آلكالین، و از این دست علوم را، با موضوع کریشنا آموزش دهد؟

**شریلا پرابهوپاد:** چطور می‌شود؟

**باب:** اگر شما زمانی که فردی علم می‌آموزد، گرایشات رایج در طبیعت را در می‌یابد، و این گرایشات رایج در طبیعت به یک نیروی کنترل‌کننده اشاره می‌کنند.

**شریلا پرابهوپاد:** این موضوع را یک روز توضیح دادم. از یک شیمیدان پرسیدم با توجه به فرمول‌های شیمیائی، هیدروژن و اکسیژن به هم متصل شده، می‌شود آب. این‌طور نیست؟

**باب:** درست است.

**شریلا پرابهوپاد:** حال، حجم بسیار زیادی از آب در اقیانوس اطلس و آرام وجود دارد [برای تولید آن] چه مقدار مواد شیمیایی نیاز بوده است؟

**باب:** چقدر؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، چند تن؟

**باب:** خیلی!

**شریلا پرابهوپاد:** چه کسی آن را تأمین کرد؟

**باب:** توسط خداوند تأمین شد.

**شریلا پرابهوپاد:** باید کسی آن را تأمین کرده باشد.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** این دانش است. می‌توانی همین‌طور آموزش دهی.

**باب:** آیا نباید به آموزش اینکه ترکیب اسید و باز، خنثی می‌شوند اهمیت داد؟

**شریلا پرابهوپاد:** مشابه همان است. مواد گازدار بسیاری وجود دارند. کی این کار را

انجام می‌دهد؟ چه کسی اسید و باز را تأمین می‌کند؟ [مکت طولانی].

**باب:** پس این از همان منشائی می‌آید که آب می‌آید.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. نمی‌توانی بدون داشتن اکسیژن و هیدروژن آب تولید کنی. بنابراین این‌جا به وسعت نه تنها اقیانوس اطلس و آرام دیگر وجود دارد. چه کسی این آب را با هیدروژن و اکسیژن ساخته است و چطور تأمین شده است؟ سؤال ما این است. کسی باید آن را تأمین کرده باشد. در غیر این صورت چگونه به وجود آمده است؟

**باب:** اما آیا اینکه چطور از اکسیژن و هیدروژن آب ساخته می‌شود هم باید آموزش داده شود. فرآیند مشتعل کردن اکسیژن و هیدروژن در کنار هم. آیا این هم باید آموزش داده شود؟ این‌طور است که هیدروژن و اکسیژن را با هم مشتعل کنید... .

**شریلا پرابهوپاد:** این در مرحله دوم است. خیلی سخت نیست. همان‌طور که مالاتی (همسر شیاما سوندار) این پوری [نوعی نان] را درست کرد. آرد و گی (کره‌ی تصفیه شده) وجود دارد و او پوری درست کرد. اما بدون وجود آرد و گی، چه شانس برای درست کردن پوری وجود دارد؟ در بهاگاود-گیتا این جمله وجود دارد. "آب، خاک، هوا، آتش، اینها انرژی‌های من هستند." بدن تو چیست؟ این بدن خارجی - این انرژی توست. می‌دانی؟ بدنت از انرژی تو ساخته شده است. برای مثال، من دارم می‌خورم.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** پس دارم مقداری انرژی خلق می‌کنم، و بنابراین از بدنم نگهداری می‌شود.

**باب:** می‌فهمم.

**شریلا پرابهوپاد:** بنابراین بدنت از انرژی تو ساخته شده است.

**باب:** اما وقتی شما غذایی خرید از خورشید در آن انرژی وجود دارد.

**شریلا پرابهوپاد:** من یک مثال می‌زنم. من با هضم غذا مقداری انرژی تولید می‌کنم و آن از بدنم نگهداری می‌کند. اما اگر تأمین انرژی شما مناسب نباشد، آنگاه بدنتان ضعیف یا ناسالم می‌شود. بدنت از انرژی خود تو ساخته شده است. مشابهاً این بدن کیهانی عظیم - کائنات - نیز از انرژی کریشنا ساخته شده است. چطور می‌توانی این را نفی کنی. همان‌طور که بدن تو از انرژی تو ساخته شده است، مشابهاً بدن جهانی نیز باید از انرژی کسی ساخته شده باشد. او کریشنا است. [یک وقفه‌ی طولانی]

**باب:** باید درباره‌اش فکر کنم تا آن را بفهمم.

**شریلا پرابهوپاد:** چه چیز را باید بفهمی. این یک واقعیت است [پرابهوپاد می‌خندد] موهای تو هر روز رشد می‌کند. چرا؟ زیرا تو مقداری انرژی داری.

**باب:** انرژی‌ای که از غذا کسب می‌کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** به هر حال تو به نوعی انرژی کسب می‌کنی! و از طریق این انرژی موهای تو رشد می‌کند. پس اگر بدن تو به وسیله‌ی انرژی تو تولید شده است، مشابهاً تمامی تجلیات عظیم کیهانی از انرژی خداوند ساخته شده‌اند. این یک واقعیت است! انرژی تو نیست.

**باب:** اوه بله. می‌فهمم.

**یک عابد:** درست مانند: آیا سیارات این جهان انرژی خورشید - محصولی از انرژی خورشید نیستند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، اما چه کسی خورشید را تولید کرد؟ آن انرژی کریشنا است. زیرا آن گرماست، و کریشنا می‌فرماید: "بهومیر آپونالو وایوهو"<sup>۱</sup>: "گرما، انرژی من است." نمی‌توانی بگویی خورشید توسط من درست شده است. اما کسی باید آن را درست کرده باشد و کریشنا می‌گوید که او درست کرده است. پس ما کریشنا را باور می‌کنیم. بنابراین ما کریشنایی هستیم.

**باب:** کریشنایی؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. دانش ما کامل است. اگر من بگویم گرما انرژی کریشناست، نمی‌توانی منکر آن شوی؛ زیرا انرژی تو نیست. در بدن تو مقدار مشخصی گرما وجود دارد مشابهاً گرما انرژی کسی است. و او کیست؟ کریشنا می‌گوید "بله، انرژی من است." پس دانش من کامل است. چون من از تفسیر بزرگ‌ترین دانشمند استفاده می‌کنم، بزرگ‌ترین دانشمند هستم. ممکن است من شخصاً یک نادان باشم، اما چون دانش را از بزرگ‌ترین دانشمند می‌گیرم، بزرگ‌ترین دانشمند هستم. من هیچ مشکلی ندارم.

**باب:** ببخشید؟

**شریلا پرابهوپاد:** من هیچ مشکلی برای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین دانشمند ندارم، چون دانش را از بزرگ‌ترین دانشمند کسب می‌کنم. [وقفه‌ی بلند] "خاک، آب، آتش، هوا، اتر، ذهن، شعور و منیت، اینها هشت انرژی جدا شده‌ی من هستند."

<sup>1</sup> bhūmir āpo 'nalo vāyuh: [Bg. 7.4]

**باب:** آنها انرژی "جدا شده" هستند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله درست مانند این شیر. این شیر چیست؟ انرژی جدا شده‌ی گاو [شیاماسوندار و باب، حیرت‌زده، با فهم مطلب می‌خندند] این طور نیست؟ این تجلی انرژی جدا شده‌ی گاو است.

**شیاماسوندار:** این مانند یک محصول تولیدی است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** خوب، اهمیت این انرژی‌هایی که از کریشنا جدا می‌شوند چیست؟

**شریلا پرابهوپاد:** "جدا" یعنی این از بدن گاو درست شده است، اما گاو نیست. این جدایی است.

**باب:** پس این زمین و همه چیز از کریشنا درست شده‌اند، اما کریشنا نیستند؟

**شریلا پرابهوپاد:** کریشنا نیست، یا می‌توانی بگویی به طور همزمان، هم کریشناست و هم کریشنا نیست. این فلسفه‌ی ماست. یکی و در عین حال متفاوت. نمی‌توانی بگویی اینها با کریشنا تفاوت دارند زیرا بدون کریشنا وجود ندارند، و همزمان نمی‌توانی بگویی "پس بگذار آب را پرستش کنم. چرا کریشنا؟" وحدت وجودی‌ها می‌گویند چون همه چیز خداوند است، هر کاری که انجام دهیم پرستش خداست. این فلسفه‌ی مایاوا دی است - چون همه چیز از خداوند ساخته شده است، بنابراین همه چیز خداست. اما فلسفه‌ی ما این‌گونه است که همه چیز خداوند است، اما در عین حال خدا نیست.

**باب:** پس بالاخره خداوند چیست؟ آیا بالاخره چیزی هم هست که خدا باشد.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، چون همه چیز از انرژی خداوند ساخته شده است. اما این بدان معنی نیست که با پرستش هر چیزی خدا را پرستش می‌کنی.

**باب:** پس بالاخره چیزی که مایا [توهم] نباشد چیست؟ این ...

**شریلا پرابهوپاد:** مایا یعنی "انرژی".

**باب:** یعنی انرژی؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، مایا - و معنی دیگر آن "توهم" است. افراد نادان انرژی را به عنوان دارنده‌ی انرژی می‌پذیرند. این مایاست. درست مانند آفتاب، نور خورشید وارد اتاق می‌شود. نور خورشید انرژی خورشید است، اما به خاطر اینکه نور خورشید وارد اتاق می‌شود،

نمی‌توان بگویی خورشید وارد شد. اگر خورشید وارد اتاق تو شود بعد اتاقت و خودت - همه چیز - فوراً نابود می‌شود. حتی مجال آن را نخواهی داشت که بفهمی خورشید وارد شده است. این طور نیست؟

**باب:** همین طور است.

**شریلا پرابهوپاد:** اما نمی‌توانی بگویی نور خورشید، خورشید نیست. بدون خورشید، نور خورشیدی هم نخواهد بود. پس نمی‌توانی بگویی نور خورشید، خورشید نیست. به طور همزمان خورشید نیست. خورشید هست و خورشید نیست - هر دو. این فلسفه‌ی ماست. "آچیتیا - بهداآبهدا"<sup>۱</sup> - غیرقابل درک. در معنای مادی، نمی‌توانی درک کنی که یک چیز به طور همزمان هم مثبت و هم منفی باشد. نمی‌توانی به آن فکر کنی. این انرژی غیر قابل درک است. و چون همه چیز انرژی کریشناست، کریشنا می‌تواند خود را از طریق هر یک از انرژی‌ها متجلی کند. بنابراین وقتی ما کریشنا را در فرم ساخته از چیزی - از خاک، آب یا چیزی مانند آن - پرستش می‌کنیم، آن کریشناست. نمی‌توانی بگویی کریشنا نیست. وقتی ما این فرم کریشنا را که از فلز است پرستش می‌کنیم [فرم دیتی در معبد] این کریشناست. این یک واقعیت است. چون فلز هم یکی از انرژی‌های کریشناست بنابراین با کریشنا متفاوت نیست؛ و کریشنا بسیار قدرتمند است به طوری که او می‌تواند خود را در انرژی به طور کامل نشان دهد. بنابراین پرستش دیتی کفر نیست. در واقع این پرستش خداوند است، به شرط آنکه روند آن را بدانی.

**باب:** اگر روند را بدانی، دیتی به کریشنا تبدیل می‌شود؟

**شریلا پرابهوپاد:** تبدیل نمی‌شود. کریشنا هست.

**باب:** دیتی کریشنا است، اما تنها اگر روند را بدانی؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. درست مانند این سیم برق. این برق است. اگر کسی روند را

بداند، می‌تواند از آن برق بگیرد.

**شیاماسوندار:** در غیر این صورت فقط سیم است.

**شریلا پرابهوپاد:** فقط سیم.

**باب:** پس اگر من مجسمه‌ی کریشنا را بسازم، کریشنا نیست مگر آنکه... .

<sup>1</sup> Acintya-bhedābheda

**شریلا پرابهوپاد:** کریشناست. اما تو باید روند فهمیدن اینکه آن کریشناست را بدانی. آن کریشناست.

**باب:** فقط خاک و گل نیست.

**شریلا پرابهوپاد:** خیر. خاک بدون کریشنا هیچ وجود جداگانه‌ای ندارد. کریشنا می‌گوید "انرژی من". نمی‌توانی انرژی را از دارنده‌ی انرژی جدا کنی. این ممکن نیست. نمی‌توانی گرما را از آتش جدا کنی. اما آتش با گرما متفاوت است و گرما متفاوت از آتش است. تو گرما می‌گیری، اما به این معنی نیست که آتش را لمس می‌کنی. آتش علی‌رغم ساطع کردن گرما، هویت خود را حفظ می‌کند. مشابهاً اگرچه کریشنا همه چیز را توسط انرژی‌هایش خلق می‌کند، کریشنا باقی می‌ماند. فلاسفه‌ی مایاوادی فکر می‌کنند اگر کریشنا همه چیز است، پس هویت جداشده‌ی کریشنا از میان رفته است. این تفکر مادی است. برای مثال، با نوشیدن این شیر، کم کم وقتی آن را می‌نوشیم دیگر شیری نیست. آن به شکم من رفته است. کریشنا این طور نیست. او قادر مطلق است. ما انرژی او را مرتباً به کار می‌بریم. اما او هنوز آن‌جاست. حاضر است. درست مانند یک فرد که فرزندان نامحدودی ایجاد می‌کند، اما خود هنوز وجود دارد. یک مثال زمخت. این طور نیست که چون او صدها فرزند تولید می‌کند، تمام می‌شود. پس مشابهاً، خداوند یا کریشنا، علی‌رغم تعداد نامحدود فرزندانش، همچنان وجود دارد.

*pūrṇasya pūrṇam ādāya  
pūrṇam evāvaśiṣyate  
[Īśo Invocation]*

از آن جایی که او کل کامل است، اگرچه بسیاری از واحدهای کامل از او ساطع می‌شوند، او همچنان در تعادل کامل باقی می‌ماند. این کریشنا آگاهی است. کریشنا هرگز تمام نمی‌شود. کریشنا بسیار قدرتمند است. بنابراین او جذاب کل است. این یک سوی نمایش انرژی کریشنا است. مشابهاً او انرژی‌های نامحدودی دارد. مطالعه‌ی انرژی کریشنا تنها یک سو یا یک جزء است؛ و اگر کریشنا را با این روش مورد مطالعه قرار دهی، کریشنا آگاهی است. یک چیز ساختگی مانند "شاید" و "شاید نه" نیست. قطعاً همین است!

**شیاماسوندار:** و خود مطالعه نیز هیچ‌گاه پایان نمی‌یابد.

**شریلا پرابهوپاد:** نه. چگونه می‌شود؟ کریشنا انرژی‌های نامحدود دارد.

## فرهنگ ودایی: وارنا آشراما دارما

۲۸ فوریه ۱۹۷۲

**باب:** من از عابدین درباره احساسشان به رابطه‌ی جنسی سؤال کردم و متوجه شدم آنها چگونه با این موضوع روبرو می‌شوند. اما نمی‌توانم این‌گونه رفتار را در خود ببینم. ببینید من اواخر تابستان ازدواج خواهم کرد.

**شریلا پرابهوپاد:** هههم؟

**باب:** اواخر این تابستان ازدواج خواهم کرد؛ در سپتامبر یا آگوست. زمانی که از آمریکا بازگردم. و عابدین می‌گویند که متأهلان تنها برای بچه‌دار شدن رابطه‌ی جنسی دارند؛ و من به هیچ‌وجه نمی‌توانم خود را در چنین موقعیتی مجسم کنم. فردی که در دنیای مادی زندگی می‌کند چه نوع زندگی جنسی را می‌تواند پیش گیرد؟

**شریلا پرابهوپاد:** اصول ودایی این است که فرد باید از رابطه‌ی جنسی کاملاً اجتناب کند. تمام اصول ودایی جهت رهایی از قیود مادی است. وابستگی‌های مختلفی به لذات مادی وجود دارد و رابطه‌ی جنسی بالاترین لذت است. در بهاگواتام آمده است که این دنیای مادی...

*pumsaḥ striyā mithunī-bhāvam etam*

[ش.ب. ۸/۵/۵]

مرد به زن وابسته است و زن به مرد. نه تنها در جامعه‌ی بشری که در جامعه‌ی حیوانی نیز همین‌گونه است. این وابستگی اصل پایه‌ی زندگی مادی است. زن در اشتیاق یا به دنبال همشینی با یک مرد، و مرد در اشتیاق یا به دنبال همشینی با یک زن است. تمامی

زمان‌های تخیلی، درام‌ها، سینما و حتی تبلیغات روزمره‌ای که مشاهده می‌کنی، وابستگی بین زن و مرد را نمایش می‌دهند. حتی در ویتترین مغازه‌ی خیاطی چند زن و چند مرد می‌بینی.

*pravṛttir eṣā bhūtānām  
nivṛttis tu mahāphalām*

[مانو اسمریتی، ۵/۵۶]

پس این وابستگی از قبل وجود دارد.

**باب: وابستگی بین زن و مرد؟**

**شریلا پرابهوپاد:** زن و مرد. پس اگر می‌خواهی از این دنیای مادی رهایی یابی، این وابستگی باید به صفر کاهش یابد. در غیر این صورت به راحتی وابستگی‌های بیشتر اتفاق می‌افتد - باید دوباره متولد شوی، به عنوان یک انسان یا یک فرشته یا یک حیوان، یک مار، یک پرنده، یا یک چهارپا. باید متولد شوی. این اصل پایه‌ی افزایش وابستگی، اشتغال ما نیست. اگر چه یک تمایل عمومی است. "گریها، کشترا، سوتا"<sup>۱</sup> [خانه، زمین، فرزند] اما اگر کسی آن را کاهش دهد و متوقف کند، درجه یک خواهد بود. بنابراین نظام ودایی ما این است که ابتدا یک پسر را به عنوان یک برهماچاری - بدون زندگی جنسی تربیت کند. قاعده‌ی ودایی کاهش وابستگی است، نه افزایش آن. بنابراین کل نظام، "وارناشراما - دارما"<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. نظام هندی وارنا و آشرام گفته می‌شود - چهار طبقه‌ی اجتماعی و چهار طبقه‌ی روحانی. برهماچاری [زندگی شاگردی مجرد]، گریه‌هاستا [زندگی تاهل] و اناپراستا [زندگی بازنشستگی] و سانایسی [زندگی انقطاع]. اینها طبقات زندگی روحانی است. و طبقات اجتماعی شامل برهماناها [خردمندان]، کشاتریاها [مدیران]، وایشیها [کشاورزان و بازرگانان]، و شودراها [کارگران معمولی] می‌شود. طبق این نظام، قوانین تنظیم‌کننده بسیار مطلوب هستند، به طوری که حتی اگر فردی به لذت بردن از زندگی مادی گرایش دارد، به صورت بسیار مطلوبی بار می‌آید که در نهایت به رهایی دست یابد. و به خانه - به منزلگاه خداوند - باز گردد. روند این است. پس رابطه‌ی جنسی لازم نیست، اما چون ما به آن وابسته هستیم، بنابراین اصول تنظیم‌کننده‌ی وجود دارد که طبق آن روابط خود را برقرار می‌کنیم.

<sup>1</sup> *Gr̥ha, kṣetra, suta*

<sup>2</sup> *varṇāśrama-dharma*



[در اطراف صدای ذکر کردن با ضربه‌های عجیبی به مردانگا در میان صدای خنده و صدای بلند بوق شروع می‌شود]  
در شریما-بهاگاواتام گفته شده است:

*pumsaḥ striyā mithunī-bhāvam etaṁ  
tayor mitho hṛdaya-granthim āhuḥ  
ato gr̥ha-kṣetra-sutāpta-vittair  
janasya moho 'yam ahaṁ mameti*

[ش.ب. ۸/۵/۵]

زندگی جنسی اصل اساسی زندگی مادی است - وابستگی برای مرد یا زن. و هنگامی که آنها وصلت می‌کنند، این وابستگی افزایش می‌یابد و فرد را وادار به جمع‌آوری گریها (خانه)، کشترا (زمین)، سوتا (فرزندان)، آپتا (دوستی یا اجتماع) و ویتا (پول) می‌کند. بدین ترتیب - گریها، کشترا، سوتا، آپتا، ویتا - او گرفتار می‌شود. "جاناسیا موهویام". این توهم است. و با این توهم او فکر می‌کند: "آهام مامتی"<sup>۲</sup> یعنی "من این بدن هستم"، و هر چیزی که مربوط به این بدن باشد، مال من است.

**باب:** و این یعنی چه؟

**شریلا پرابهویاد:** این وابستگی افزایش می‌یابد. وابستگی مادی شامل فکر کردن می‌شود: "من این بدن هستم و چون این بدن را در مکان به‌خصوصی دارم، آن کشور من است." و این امر ادامه پیدا می‌کند: "من آمریکایی هستم. من هندی هستم. من آلمانی هستم. من این هستم. من آن هستم. این بدن، این کشور من است. من باید همه چیز را برای کشورم و جامعه‌ام قربانی کنم." بدین ترتیب توهم افزایش می‌یابد و با این توهم وقتی او می‌میرد بدن دیگری می‌گیرد. بدن بعدی ممکن است با توجه به کارمای او بدن برتر یا پست‌تر باشد. اگر بدنی برتر هم بگیرد آن نیز گرفتاری است، حتی اگر به سیارات بهشتی برود. اما اگر به سگ یا گربه تبدیل شود زندگی او از دست رفته است. یا یک درخت؛ هر چیزی ممکن است. این علم در دنیا شناخته‌شده نیست که چگونه روح از یک بدن به بدنی دیگر منتقل می‌شود و چگونه در بدن‌های مختلف به بند کشیده می‌شود. این علم ناشناخته است.

<sup>1</sup> janasya moho 'yam

<sup>2</sup> ahaṁ mameti: [SB 5.5.8]

بنابراین وقتی آرجونا می‌گفت - "اگر برادرم را بکشم، اگر پدر بزرگم را در جبهه‌ی مخالف بکشم..."، او بر پایه‌ی ادراک مادی از زندگی صحبت می‌کرد. اما وقتی مشکلاتش حل نشدند به کریشنا تسلیم شد و او را به عنوان پیر روحانی پذیرفت. و هنگامی که کریشنا پیر روحانی او شد، آرجونا را در آغاز ملامت کرد:

*aśocyān anvaśocas tvam  
prajñā-vādāmś ca bhāṣase  
gatāsūn agatāsūmś ca  
nānuśocanti paṇḍitāḥ*

"همچون خردمندان سخن می‌گویی، اما تو نادانی درجه‌ی یک هستی چون در مورد ادراک بدنی زندگی صحبت می‌کنی." بنابراین زندگی جنسی دیدگاه بدنی از زندگی را افزایش می‌دهد. پس کل روند این است که آن را به صفر کاهش دهیم.

**باب:** طی مراحل مختلف زندگی کاهش دهی؟

**شریلا پرابهوپادا:** بله کاهش دهی. یک پسر بچه به عنوان یک شاگرد تا بیست و پنج سالگی در زندگی جنسی محدود تربیت می‌شود. برهماچاری بعضی از پسرها نایشیتیکا- برهماچاری<sup>۱</sup> (سانسکریت) باقی می‌مانند [زندگی مجرد]. زیرا به آنها آموزش داده می‌شود و در دانش روحانی متبحر می‌شوند و نمی‌خواهند که ازدواج کنند. این نیز محدود است - نمی‌تواند بدون اینکه ازدواج کند زندگی جنسی داشته باشد. بنابراین در جامعه‌ی بشری ازدواج وجود دارد، نه در جامعه‌ی حیوانی.

اما مردم به تدریج از جامعه‌ی انسانی به جامعه‌ی حیوانی تنزل می‌کنند. آنها ازدواج را فراموش می‌کنند. این در شاسترا نیز پیش‌گویی شده است. دامپاتیه بهیروچیر هتو<sup>۲</sup>: در عصر کالی [عصر حاضر نزاع] سرانجام هیچ مراسم ازدواجی صورت نمی‌گیرد؛ دختر و پسر فقط تفاهم می‌کنند که با هم زندگی کنند و رابطه‌ی آنها بر اساس قدرت جنسی استوار است. اگر مرد یا زن در زندگی جنسی کمبود داشته باشد، آن‌گاه از هم جدا می‌شوند. در مورد این فلسفه، فلاسفه‌ی غربی بسیاری مانند فروید و دیگران وجود دارند که کتاب‌های فراوانی نوشته‌اند. اما طبق فرهنگ ودایی، ما فقط برای بچه‌دار شدن جذب رابطه‌ی جنسی می‌شویم، همین و بس.

<sup>1</sup> naiṣṭhika-brahmacārī

<sup>2</sup> Dāmpatyē 'bhīrucir hetuḥ

نه اینکه به تحصیل روان‌شناسی زندگی جنسی بپردازیم؛ از قبل فلسفه‌ی طبیعی برای آن وجود دارد. حتی اگر فردی هیچ فلسفه‌ای را مطالعه نکرده باشد، او به موضوعات جنسی تمایل دارد. هیچ کس آن را در مدرسه یا دانشگاه فرا نگرفته است. همه از عقل خودشان می‌دانند چطور آن را انجام دهند (همراه خنده). این گرایش طبیعی است. باید برای متوقف کردن آن آموزش داده شود. این آموزش واقعی است [یک وقفه‌ی بلند، که با صدای بوق دوچرخه، بازی بچه‌ها و ازدحام جمعیت که همدیگر را صدا می‌زنند، پر می‌شود].

**باب:** در حال حاضر در آمریکا این یک دیدگاه ریشه‌ای است.

**شریلا پرابهوپاد:** خوب، در آمریکا خیلی از چیزها هست که نیاز به اصلاحات دارد. جنبش کریشنا آگاهی آن را برآورده می‌کند. من به کشور شما رفتم و دیدم که پسرها و دخترها مانند دوست با هم زندگی می‌کنند. و به شاگردانم گفتم "شما نمی‌توانید به عنوان دوست با هم زندگی کنید. باید ازدواج کنید."

**باب:** بسیاری از مردم فکر می‌کنند حتی ازدواج هم مقدس نیست و هیچ علاقه‌ای به ازدواج ندارند. زیرا مردم ازدواج می‌کنند و بعد اگر شرایط مساعد نبود به راحتی از هم جدا می‌شوند.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، این هم هست.

**باب:** برای همین بعضی‌ها فکر می‌کنند که ازدواج بی‌معنی است.

**شریلا پرابهوپاد:** خیر، تفکر آنها این است که ازدواج برای فحشاء قانونی است. آنها این طور فکر می‌کنند. اما این ازدواج نیست، حتی آن مقاله مسیح چه بود؟  
**شیاماسوندار:** برج نگهبان.

**شریلا پرابهوپاد:** برج نگهبان، از یک کشیش که اجازه‌ی ازدواج بین دو مرد را داده بود، انتقاد کرد - همجنس‌گرایی. بنابراین این چیزها همین طور پیش می‌روند. آنها این ازدواج را فقط برای فحشا در نظر می‌گیرند. فقط همین - بنابراین مردم فکر می‌کنند: "چه نیازی به نگهداری منظم یک فاحشه با این مخارج سنگین وجود دارد. بهتر است آن را نداشته باشی."

**شیاماسوندار:** شما از مثال گاو و مغازه استفاده می‌کنید.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، وقتی که شیر در مغازه موجود است، چه نیازی به نگهداری گاو است؟ [همگی می‌خندند]. این وضعیت بسیار ناپسندی در کشورهای غربی است - من آن را

به چشم خود دیده‌ام. این‌جا در هند هم، تقریباً دارد رواج پیدا می‌کند. بنابراین ما این جنبش کریشنا آگاهی را آغاز کردیم تا به مردم اصول واقعی زندگی روحانی را آموزش دهیم. این یک جنبش مذهبی فرقه‌گرایانه نیست. این یک جنبش فرهنگی برای منفعت همگان است.

## هدف حقیقی زندگی

۲۸ فوریه ۱۹۷۲ (ادامه)

**شریلا پرابهوپاد:** این جنبش به ویژه برای آنست که انسان را قادر سازد تا به هدف واقعی زندگی دست یابد.

**باب:** هدف حقیقی...؟

**شریلا پرابهوپاد:** هدف حقیقی زندگی.

**باب:** آیا هدف حقیقی زندگی شناخت خداوند است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، بازگشت به خانه، بازگشت به منزلگاه خداوند. این هدف حقیقی زندگی است. آبی که از دریا می‌آید ابرها را شکل می‌دهد، ابرها به صورت باران می‌بارند و هدف واقعی ریختن به رودخانه و دوباره بازگشت به دریاست. پس ما از خداوند آمده‌ایم و حالا توسط زندگی مادی آشفته شده‌ایم. بنابراین هدف ما باید خارج شدن از این موقعیت عذاب‌آور بازگشت به خانه، بازگشت به منزلگاه خداوند باشد. این هدف حقیقی زندگی است.

*mām upetya punar janma  
duḥkhālayam aśāsvatam  
nāpnuvanti mahātmanaḥ  
samsiddhiṁ paramām gatāḥ*

[پس از رسیدن به من، ارواح بزرگ، که یوگی‌هایی در عشق هستند، هیچ گاه به این دنیای موقتی که پر از رنج است، باز نمی‌گردند. چرا که آنها به بالاترین کمال دست یافته‌اند].  
[ب.گ. ۸/۱۵] این دیدگاه به‌گاواد-گیتاست. اگر کسی پیش من بیاید - مام اوپتیا<sup>۱</sup>: او هرگز باز نمی‌گردد. به کجا؟ به این مکان - دوکها لایام آشواتام<sup>۲</sup>. این مکان قلمروی رنج‌هاست.

<sup>1</sup> mām upetya

<sup>2</sup> duḥkhālayam aśāsvatam

همه می‌دانند. اما توسط به اصطلاح رهبران گمراه شده‌اند. زندگی مادی زندگی رنج‌آور است. کریشنا می‌گوید، خداوند می‌گوید، که این مکان دوکھالایام<sup>۱</sup> است. این جا مکان رنج است و همین طور آشاشواتام<sup>۲</sup>. تو نمی‌توانی مصالحه کنی: "بسیار خوب، بگذار رنج آور باشد. من باید عنوان یک آمریکایی یا هندی در این جا باقی می‌مانم". نه. این کار را نیز نمی‌توانی انجام دهی. نمی‌توانی یک آمریکایی باقی بمانی. ممکن است فکر کنی چون در آمریکا متولد شده‌ای خیلی خوشبخت هستی. اما نمی‌توانی برای مدت زیادی آمریکایی بمانی. بالاخره باید از این مکان خارج شوی. ودر مورد زندگی بعدیت نمی‌دانی! بنابراین این دنیا دوکھالایام آشاشواتام است [ب.گ. ۸/۱۵] رنج آور و موقتی. این فلسفه‌ی ماست.

**باب:** اما وقتی مقداری دانش در مورد خداوند داری، دیگر زندگی خیلی رنج‌آور نیست؟  
**شریلا پرابھوپادا:** نه! مقداری دانش این کار را انجام نمی‌دهد. باید دانش کامل داشته باشی.

*janma karma ca me divyam  
evam yo vetti tattvataḥ*

[ب.گ. ۹/۴]

تاتواتاها<sup>۳</sup> یعنی "به طور کامل". دانش کامل در بهاگاواد-گیتا آموزش داده می‌شود. و ما به هرکس در جامعه‌ی بشری این شانس را می‌دهیم تا بهاگاواد-گیتا را همان گونه که هست بیاموزد و زندگی خود را به کمال رساند. این جنبش کریشنا آگاهی است. علم شما در مورد انتقال روح چی می‌گوید؟

**باب:** فکر می‌کنم ... آن علم ... نمی‌تواند آن را نقض کند یا قبول کند. علم آن را نمی‌داند.

**شریلا پرابھوپادا:** بنابراین من می‌گویم آن علم ناقص است.

**باب:** اگرچه ممکن است علم چیزی بگوید. در علم گفته شده است که انرژی هیچ گاه نابود نمی‌شود. تغییر می‌کند.

<sup>1</sup> *duḥkhālayam*

<sup>2</sup> *aśāsvatam*

<sup>3</sup> *Tattvataḥ*

**شریلا پرابهوپاد:** بسیار خوب. اما انرژی در آینده چطور عمل خواهد کرد - علم نمی‌داند. انرژی چطور تغییر مسیر می‌دهد. چطور با دستکاری‌های مختلف، انرژی متفاوت عمل می‌کند؟ برای مثال، انرژی برق با به کارگیری‌های مختلف بخاری را به کار می‌اندازد و یخچال را هم به کار می‌اندازد. آنها درست مخالف هم هستند. اما انرژی برق یکی است. مشابهاً این انرژی - انرژی حیات - چطور هدایت می‌شود؟ به کدام سمت می‌رود؟ چطور در زندگی بعد بارور می‌شود. آنها این را نمی‌دانند. اما در بهاگاود-گیتا به سادگی بیان شده است.

*vāsāmsi jīṛṇāni yathā vihāya*

[ب.گ. ۲۲/۲]

شما، یک لباس پوشیده شده‌اید، یک پیراهن. وقتی این پیراهن غیرقابل استفاده شود آن را عوض می‌کنید. مشابهاً این بدن نیز درست مانند پیراهن یا کت می‌باشد. وقتی دیگر کارایی نداشته باشد، ما مجبوریم آن را عوض کنیم.

**باب:** این "ما" که باید عوض کند چیست؟ چه چیزی ثابت است؟

**شریلا پرابهوپاد:** آن روح است.

باب: از یک زندگی به زندگی بعدی؟

**شریلا پرابهوپاد:** آن روح است - من. چه "تو"یی دارد صحبت می‌کند؟ چه "من"ی

دارد صحبت می‌کند؟ هویت: آتما<sup>۱</sup> یا روح.

**باب:** روح من با روح شما متفاوت است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. تو یک روح فردی هستی و من یک روح فردی جدا هستم.

**باب:** شما خودتان را از تأثیرات کارما رها کرده‌اید. اگر من هم خودم را از تأثیرات کارما

رها می‌کردم، آیا روح‌های ما یکی می‌شوند یا متفاوت؟

**شریلا پرابهوپاد:** کیفیت روح در همه یکی است. تو در حال حاضر دارای درک

مشخص از زندگی هستی و این هموطنان تو [عابدین کریشنا آگاهی] در درک مشخصی از زندگی بوده‌اند. اما آنها با آموزش درک دیگری از زندگی پیدا کردند. آموزش نهایی این است که چطور می‌توان کریشنا آگاه شد. این کمال است.

**باب:** اگر دو نفر کریشنا آگاه باشند آیا روح آنها یکسان است؟

<sup>1</sup> ātmā

**شریلا پرابهوپاد:** روح همیشه یکسان است.

**باب:** در هر انسانی؟ در هر انسانی یکسان است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** [با اشاره به دو عابد] اگر این دو فر کریشناآگاه باشند، روح آنها یکسان است؟

**شریلا پرابهوپاد:** روح یکسان است. اما همواره منحصر به فرد است، حتی اگر

کریشناآگاه نباشد. برای مثال شما یک انسان هستید، و من هم یک انسان هستم. حتی اگر

من مسیحی باشم و تو هم هندو باشی، همچنان هردوی ما انسان هستیم. مشابهاً روح

ممکن است کریشناآگاه نباشد یا باشد - فرقی نمی‌کند. اما روح، روح است.

**باب:** می‌توانید در این مورد بیشتر توضیح دهید؟

**شریلا پرابهوپاد:** روح - به عنوان روح خالص<sup>۱</sup>، همه‌ی ارواح با هم مساوی هستند.

حتی در یک حیوان. بنابراین گفته شده است: پاندیتا ساما-دارشینا<sup>۲</sup> [ب.گ. ۱۸/۵]. آنها‌یی که

واقعاً دانا هستند پوشش بیرونی را نمی‌بینند، خواه در انسان خواه در حیوان.

**باب:** می‌توانم سؤال دیگری در این مورد بپرسم؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** من تا حدی روح را به صورت قسمتی از خداوند در نظر گرفته‌ام. فکر می‌کنم بعضی

اوقات خدا را حس می‌کنم. من این‌جا هستم، و شما ممکن است بگویید خدا این‌جا است. پس

اگر روح درون من است، می‌توانم قادر باشم خدا را در درونم احساس کنم؟ نه همه‌ی خداوند

را، منظورم ...

**شریلا پرابهوپاد:** قسمتی از خداوند

**باب:** اما من خدا را درون خودم احساس نمی‌کنم، اما ممکن است خدا این‌جا باشد. جدا،

جدای از من. اما از آن‌جایی که روح من قسمتی از خداوند است، آیا من باید قادر باشم خدا را

درون خودم احساس کنم؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله خداوند در درون هم هست. خدا همه جا هست. خدا درون و

بیرون است. این باید دانسته شود.

<sup>1</sup> pure spirit

<sup>2</sup> paṇḍitāḥ sama-darśināḥ



**باب:** شما خدا را چگونه درون خود احساس می‌کنید؟

**شریلا پرابهوپاد:** در ابتدا نه، اما باید از شاسترا [متون الهی]، از اطلاعات ودایی بدانی. برای مثال در بهاگاود-گیتا گفته شده است: ایشوارا ساروا-بهوتانام هرید-دِشه آرچونا تیشتھاتی<sup>۱</sup> [ب.گ. ۶/۱۸] خدا در قلب همه هست. پارامانو-چایانتارا-استھام<sup>۲</sup>: خدا همچنین میان هر اتم هست. پس این اولین اطلاعات است. و بعد، با روند یوگا، باید آن را درک کنی.

**باب:** روند یوگا؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** ذکر کردن هاره کریشنا یک چنین روند یوگایی است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله این هم روند یوگایی است.

**باب:** چه نوع روند یوگایی را باید انجام دهم. تا این اطلاعات را احساس کنم - که روح را درونم احساس کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. روندهای یوگایی مختلفی وجود دارد، اما برای این عصر، این روند بسیار مناسب است.

**باب:** ذکر کردن.

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** از این طریق نه تنها می‌توانم خدا را در بیرون، بلکه در درون هم احساس کنم؟

**شریلا پرابهوپاد:** همه چیز را در مورد خدا می‌فهمی - چگونه او در درون است، چگونه او در بیرون است، او چگونه عمل می‌کند. همه چیز آشکار می‌شود. با این روحیه‌ی خدمت، خداوند خود را آشکار می‌کند. نمی‌توانی خدا را با تلاش شخصی خودت درک کنی. فقط به شرطی می‌توانی او را درک کنی که خدا خود را آشکار کند. برای مثال هنگامی که خورشید در سمت تو نیست نمی‌توانی آن را با چراغ قوه‌ی خود ببینی، یا هر نوری. اما در صبح خود به خود می‌توانی خورشید را ببینی، بدون هیچ چراغ قوه‌ای. مشابهاً باید شرایطی ایجاد کنی - باید خودت را در شرایطی قرار دهی - که در آن خداوند آشکار خواهد شد. این طور نیست که با روش‌هایی می‌توانی از خدا بخواهی "لطفاً بیا من تورا ببینم". نه خداوند فرمانبردار تو نیست.

<sup>1</sup> Īśvaraḥ sarva-bhūtānām hṛd-deśe 'rjuna tiṣṭhati

<sup>2</sup> Paramāṇu-cayāntara-stham

**باب:** تو باید خداوند را راضی کنی تا او خود را به تو آشکار کند. درست است؟  
**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**شیاماسوندار:** چطور می‌توانیم بفهمیم که چه وقت خدا را راضی ساخته‌ایم؟  
**شریلا پرابهوپاد:** وقتی او را ببینیم. آن وقت متوجه می‌شوی. درست مانند وقتی که غذا می‌خوری، نیازی نداری از کسی بپرسی که احساس قوت کرده‌ای یا گرسنگی ات برطرف شده است. اگر بخوری خواهی فهمید که احساس گرفتن انرژی می‌کنی. نیازی نداری از کسی بپرسی. مشابهاً اگر واقعاً به خداوند خدمت کنی، آن وقت خودت می‌فهمی، خداوند به من امر می‌کند. خدا آن جاست. من خدا را می‌بینم.

**یک عابد:** یا نماینده‌ی خداوند.

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**یک عابد:** این آسان‌تر است.

**شریلا پرابهوپاد:** باید از طریق نماینده‌ی خداوند عمل کنی:

*yasya prasādāḥ bhagavat-prasādāḥ*

"از طریق لطف پیر روحانی شخص از لطف کریشنا بهره‌مند می‌شود." اگر نماینده‌ی خدا را راضی کنی، خود به خود خداوند راضی می‌شود. و از این طریق می‌توانی به طور مستقیم اورابینی

**یک آقای هندی:** چطور باید نماینده‌ی خدا را راضی ساخت؟

**شریلا پرابهوپاد:** باید دستورات او را انجام دهی، همین. نماینده‌ی خداوند "گورو"<sup>۱</sup> است. او از تو می‌خواهد این کار را انجام دهی، آن کار را انجام دهی. اگر انجام دهی رضایت او حاصل می‌شود.

*yasyāprasādān na gatiḥ kuto 'pi*

بدون رحمت پیر روحانی شخص نمی‌تواند هیچ پیشرفتی انجام دهد. اگر او را ناراضی کنی، آن وقت تو در "هیچ کجا" هستی. بنابراین ما پیر روحانی را پرستش می‌کنیم.

*sākṣād-dharitvena samasta-śāstrair*

<sup>1</sup> guru

*uktas tathā bhāvya eva sadbhiḥ  
kintu prabhō yaḥ priya eva tasya  
vande guroḥ śrī-caraṇāravindam*

پیر روحانی باید به همان اندازه‌ی خداوند متعال مورد احترام قرار گیرد. زیرا او محرم‌ترین خدمتگزار خداوند است. این دانشی است که توسط تمامی متون الهی عرضه شده است، و تمامی مراجع از آن پیروی می‌کنند. بنابراین من سجده‌های محترمانه‌ی خود را به قدوم نیلوفرین چنین پیر روحانی تقدیم می‌کنم، که نماینده‌ی شایسته‌ای برای خداوند کریشنا است<sup>۱</sup> گورو باید مانند خداوند پذیرفته شود. این حکم تمامی کتب مقدس است.

**باب:** گورو باید به عنوان نماینده‌ی خداوند پذیرفته شود؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، گورو نماینده‌ی خدا است. گورو تجلی بیرونی خداوند است.

**باب:** اما با ظهوری که کریشنا می‌کند تفاوت است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** چطور تجلی بیرونی گورو با تجلی بیرونی، بگذارید بگویم، کریشنا یا چیتانیا در

زمانی که آنها به زمین می‌آیند متفاوت است؟

**شریلا پرابهوپاد:** گورو نماینده‌ی کریشنا است. و نشانه‌هایی وجود دارد که چه کسی

گوروست. نشانه‌های معمول در وداها توضیح داده شده است.

*tad-vijñānārtham sa gurum evābhigacchet  
samiṭ-pāṇiḥ śrotriyaṁ brahma-niṣṭham*

یک گورو باید در سلسله‌ی پیران باشد و او باید در مورد وداها به طور کامل از پیر

روحانی‌اش شنیده باشد. معمولاً نشانه‌ی گورو این است که او یک عابد کامل خداوند است،

همین. و از طریق پخش پیام او به کریشنا خدمت می‌کند.

**باب:** خداوند چیتانیا - او گورویی متفاوت با شماست؟

**شریلا پرابهوپاد:** نه - نه، گورو نمی‌تواند از نوع دیگری باشد. همه‌ی گوروها از یک

نوع هستند.

**باب:** اما آیا او همزمان ظهور خداوند هم بوده است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، او خود کریشنا است، ولی نقش گورو را ایفا می‌کند.

**باب:** بله ... می‌فهمم.

شریلا پرابهوپاد: بله.

باب: و بعد ...

شریلا پرابهوپاد: از آن جایی که کریشنا خدا بود، او درخواست کرد

*sarva-dharmān parityajya  
mām ekam śaraṇam vraja*  
[ب.گ. ۶۶/۱۸]

"همه‌ی انواع مذاهب را رها کن و فقط به من تسلیم شو." اما مردم او را درک نکردند. بنابراین کریشنا دوباره به عنوان گورو آمد و به مردم آموزش داد که چگونه به کریشنا تسلیم شوند.

شیاماسوندار: آیا او در بهاگاواد-گیتا نمی‌گوید "من پیر روحانی هستم"؟

شریلا پرابهوپاد: بله، او پیر روحانی اصلی است. زیرا او توسط أرجونا به عنوان پیر روحانی قبول شد. و مشکل چیست؟ شیشیام ته هام شاده‌ی مام توأم پراپانام<sup>۱</sup> [ب.گ. ۲/۷]. أرجونا به خداوند گفت: "من شاگرد و یک روح تسلیم‌شده به تو هستم. لطفاً به من آموزش بده." پس بدون اینکه پیر روحانی باشد چطور أرجونا می‌تواند شاگرد او شود؟ او پیر روحانی اصلی است. تنه برهما هریدا یا آدی-کاوايه<sup>۲</sup> [ش.ب. ۱/۱/۱]. "اوست که برای اولین بار دانش ودایی را به قلب برهما، اولین موجود زنده الهام نمود." بنابراین او پیر روحانی اصلی است.

باب: کریشنا.

شریلا پرابهوپاد: بله. او گوروی اصلی است. سپس شاگرد او برهما گورو است، بعد شاگرد او نارادا، گوروست. سپس شاگرد او ویاسا گوروست - بدین طریق سلسله‌ی پیران به وجود می‌آید. [سلسله‌ی شاگردی گوروها]. دانش روحانی از طریق زنجیره‌ی شاگردی به دست می‌آید.

باب: پس یک گورو دانش خود را از طریق سلسله‌ی شاگردی بدست می‌آورد نه مستقیماً از کریشنا؟ آیا شما از کریشنا مستقیماً پیامی دریافت می‌کنید؟

شریلا پرابهوپاد: بله آموزش‌های مستقیم کریشنا آن جاست: بهاگاواد-گیتا.

<sup>1</sup> Śiṣyas te 'ham śādhi mām tvām prapannam

<sup>2</sup> Tene brahma hr̥dā ya ādi-kavaye

**باب:** می‌فهمم، ولی ...

**شریلا پرابهوپاد:** ولی باید از طریق سلسله‌ی پیران آن را آموزش ببینی، در غیر این صورت دچار سوءتفاهم می‌شوی.

**باب:** اما در حال حاضر شما از طرف کریشنا مستقیماً اطلاعاتی دریافت نمی‌کنید؟ از طریق زنجیره‌ی شاگردی از کتاب‌ها می‌آید؟

**شریلا پرابهوپاد:** تفاوتی نمی‌کند، فرض کن من می‌گویم این یک مداد است. اگر تو به او بگویی "این یک مداد است" و او به کس دیگری بگوید "این یک مداد است"، آن وقت چه تفاوتی بین آموزش من و آموزش او وجود دارد؟

**باب:** لطف کریشنا این اجازه را به شما می‌دهد که الان این را بدانید؟

**شریلا پرابهوپاد:** تو هم می‌توانی لطف کریشنا را بگیری، مشروط به اینکه همان گونه که هست به تو رسیده باشد. همان طور که ما بهاگاواد-گیتا را آموزش می‌دهیم. در بهاگاواد-گیتا کریشنا می‌گوید:

*sarva-dharmān parityajya  
mām ekaṁ śaraṇam vraja*  
[ب.گ. ۶۶/۱۸]

"همه‌ی انواع مذاهب را رها کن و فقط به من تسلیم شو." حالا ما می‌گوییم تو باید همه چیز را رها کنی و به کریشنا تسلیم شوی. بنابراین هیچ تفاوتی بین آموزش‌های ما و آموزش‌های کریشنا وجود ندارد. هیچ انحرافی وجود ندارد. اگر دانش را از این راه کامل به دست آوری به خوبی این است که مستقیماً از کریشنا به دست آوری. اما ما هیچ چیزی را عوض نمی‌کنیم.

**باب:** وقتی من مؤدبانه و با ایمان دعا می‌کنم، آیا کریشنا من را می‌شنود؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** از من به او؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، زیرا او درون قلب توست. او همیشه تو را می‌شنود چه دعا کنی چه دعا نکنی. وقتی کار بی‌معنی انجام می‌دهی آن موقع هم تو را می‌شنود. وقتی دعا می‌کنی بسیار خوشایند است.

**باب:** به گوش خداوند صدای دعا از صدای چرندیات بلندتر است؟

**شریلا پرابهوپاد:** خیر، او کامل است. او می‌تواند همه چیز را بشنود. حتی اگر صحبت نکنی. و فقط فکر کنی "من باید آن را انجام دهم" او تو را می‌شنود. سارواسیا چاهام هریدی سانیویشتاها<sup>۱</sup>. او در قلب همگان نشسته است.

**باب:** اما فرد باید دعا کند... همین طور است؟

**شریلا پرابهوپاد:** این وظیفه‌ی اوست - دعا کردن.

**باب:** کار چه کسی؟

**شریلا پرابهوپاد:** هر موجود زنده‌ای. این تنها کار است. اِکو باهونام یو ویدادهاتی

کامان<sup>۲</sup> [کاتها اوپانیشاد ۱۳/۲/۲]. این جمله‌ی وداهاست.

**باب:** یعنی چه؟

**شریلا پرابهوپاد:** او برای همه، همه چیز فراهم می‌کند. او برای همه غذا فراهم

می‌کند. پس او پدر است. پس چرا نباید دعا کنی، "پدر این را به من بده"؟ همان طور که در انجیل مسیح آمده است: "پدر، نان روزانه‌ی ما را بده." این خوب است - آنها پدر متعال را قبول می‌کنند. اما فرزندان بالغ نباید از پدر درخواست کنند. بلکه باید آماده شوند تا به پدر کمک کنند. این بهاکتی [عبودیت] است.

**باب:** شما سؤالات من را به زیبایی حل کردید [همه تحت تأثیر قرار می‌گیرند و

می‌خندند].

**شریلا پرابهوپاد:** خیلی ممنون.

**باب:** خوب، حالا می‌شود سؤال دیگری از شما بپرسم؟

**شریلا پرابهوپاد:** اوه. بله، بله!

<sup>1</sup> Sarvasya cāham hṛdi sanniviṣṭaḥ

<sup>2</sup> Eko bahūnām yo vidadhāti kāmān

## سه گونه‌ی طبیعت

۲۸ فوریه ۱۹۷۲

**باب:** من خوانده‌ام که در زندگی سه گونه<sup>۱</sup> وجود دارد - شهوت، جهل و نیکی - امیدوار بودم شما در این مورد تا حدی برایم توضیح دهید. به خصوص در مورد گونه‌ی جهل و گونه‌ی نیکی.

**شریلا پرابهوپاد:** در نیکی می‌توانی موضوعات را درک کنی - دانش. می‌توانی درک کنی که خداوند وجود دارد. و این دنیا توسط او خلق شده است، و بسیاری چیزها، چیزهای واقعی - خورشید این است، ماه این است - دانش کامل. اگر فردی دانشی دارد، حتی اگر کامل هم نباشد، این نیکی است. و در شهوت شخص با بدن مادی خود را می‌شناسد و سعی می‌کند حواس خود را ارضاء کند. این شهوت است. و جهل، زندگی حیوانی است - در جهل، شخص نمی‌داند خداوند کیست، چگونه باید شاد شد، چرا ما در این دنیا هستیم. برای مثال، اگر شما یک حیوان را به کشتارگاه ببرید، می‌رود. این جهل است. اما یک انسان مقاومت می‌کند. اگر یک بزغاله قرار است پس از پنج دقیقه کشته شود اما شما به او اندکی علف دهید، خوشحال می‌شود چون دارد می‌خورد. درست مثل یک بچه - حتی اگر قصد داشته باشید او را بکشید باز هم خوشحال است و می‌خندد، زیرا او متوجه نمی‌شود. این جهل است.

**باب:** بودن در این گونه‌ها تعیین‌کننده‌ی کارهای شماست. درست است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. بر اساس همنشینی با گونه‌های طبیعت، فعالیت‌های شما آلوده می‌شود.

*kāraṇam guṇa-saṅgo 'sya  
sad-asad-yoni-janmasu*

[ب.گ. ۲۲/۱۳]

<sup>1</sup> guṇas

فرد بر اساس همنشینی با سه گونه‌ی طبیعت تولدی برتر یا پست‌تر خواهد داشت.

**باب:** فریب دادن و مانند آن - در چه گونه‌ای است؟

**شریلا پرابهوپاد:** فریب دادن تلفیق جهل و شهوت است. فرض کنید شخصی کسی را

فریب می‌دهد. یعنی او می‌خواهد چیزی به دست آورد. او حرص می‌زند. اما اگر او مرتکب جنایت شود، نمی‌داند که باید برای آن کار رنج بکشد، پس این تلفیق جهل و شهوت است.

**باب:** و زمانی که فردی به دیگری کمک می‌کند چطور؟

**شریلا پرابهوپاد:** این نیکی است.

**باب:** چرا این نیکی است؟ این چه نوع شعوری است؟ منظورم این است که این نمایانگر

چه دانشی است؟ شما گفتید نیکی هنگامی است که دانش دارید.

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** شعور.

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** پس کمک کردن به دیگران؟

**شریلا پرابهوپاد:** این بدان معناست که او گمراه است و شما می‌خواهید او را روشن سازید.

**باب:** پس دادن آگاهی ...

**شریلا پرابهوپاد:** بله، این نیکی است.

**باب:** فقط کمک کردن چطور؟

**شریلا پرابهوپاد:** این هم نیکی است.

**باب:** اگر گدایی هیچ نداشته باشد و شما به او خیرات دهید ...

**شریلا پرابهوپاد:** آن نیز می‌تواند در گونه‌ی نیکی باشد اما در خیابان باوری<sup>۱</sup> آنها صدقه

می‌دهند، و او بلافاصله یک شیشه مشروب می‌خرد و می‌نوشد و تخت می‌خوابد [همه می‌خندند]. این صدقه است. اما در گونه‌ی نیکی نیست. این جهل است.

**باب:** صدقه جهل است؟

**شریلا پرابهوپاد:** سه نوع صدقه وجود دارد. نیک - شهوانی و جاهلانه. نیکی یعنی

صدقه دادن در جایی که باید صدقه داده شود. درست مانند این جنبش کریشنا آگاهی - اگر

<sup>1</sup> Bowery Street



کسی به این‌جا صدقه دهد این نیکی است، زیرا خدا آگاهی، کریشنا آگاهی را توسعه می‌دهد. این نیکی است. و اگر کسی برای یک پاداش در عوض صدقه دهد این شهوت است. و اگر کسی در زمان و مکان نامناسب بدون ملاحظه به شخصی نالایق صدقه دهد، این جهل است. درست مانند مردم باوری. اما کریشنا می‌گوید:

*yat karoṣi yad aśnāsi  
yaj juhoṣi dadāsi yat*

[ب.گ. ۲۷/۹]

"تمام کارهایی که انجام می‌دهی، تمام چیزهایی که می‌خوری، تمام آنچه تقدیم می‌کنی و می‌بخشی، همچون تمام ریاضت‌هایی که متحمل می‌شوی، باید به عنوان پیشکش به من انجام شود." اگر کریشنا بپذیرد، آن کمال صدقه است. یا هرکسی که نماینده‌ی کریشناست - اگر او قبول کند، این کمال است.

**باب:** زمانی که به گرسنه‌ای غذا می‌دهی این چه نوع صدقه‌ای است؟

**شریلا پرابهوپاد:** خوب، این بستگی به شرایط دارد. برای مثال، دکتری بیمارش را از خوردن غذاهای جامد منع می‌کند. و اگر او درخواست کند: "به من غذای جامد بدهید" و شما به او غذای جامد بدهید، کار نیکی برای او انجام نمی‌دهید. این جهل است.

**باب:** آیا عابدین در ورای جمع کردن کارما هستند؟ این عابدین - آیا آنها هم کارما را

حس می‌کنند؟ آیا آنها در این گونه‌ها عمل می‌کنند؟ آیا آنها در گونه‌ی نیکی هستند؟

**شریلا پرابهوپاد:** آنها در ورای نیکی قرار دارند! شودها-ساتوا<sup>۱</sup>. عابدین در این دنیای

مادی نیستند. آنها در دنیای روحانی قرار دارند. این موضوع در بهاگاود-گیتا بیان شده است:

*mām ca yo 'vyabhicāreṇa  
bhakti-yogena sevate  
sa guṇān samatīyātān  
brahma-bhūyāya kalpate*

[ب.گ. ۲۶/۱۴]

[کسی که کاملاً به خدمت عاشقانه مشغول است و در هیچ شرایطی سقوط نمی‌کند، بلافاصله به ورای گونه‌های طبیعت مادی ارتقا می‌یابد. بدین‌سان به مرحله‌ی برهمن نائل

<sup>1</sup> *Śuddha-sattva*

می‌آید<sup>۱</sup>. عابدین نه در نیکی هستند، نه در شهوت و نه در جهل. آنها ورای تمام این کیفیات هستند.

**باب:** عابدی که بسیار با ایمان است به این درجه می‌رسد؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، عابد ... تو هم می‌توانی عابد شوی. همان طور که آنها عابد شدند. دشوار نیست. فقط باید به سادگی خود را مشغول خدمت عاشقانه‌ی متعال خداوند کنی. همین.

**باب:** آرزو می‌کنم دانش بیشتری در مورد خداوند کسب کنم و قادر باشم حضور او را بیشتر احساس کنم. به این دلیل که حس می‌کنم زندگی بدون آن بی‌معنی است.

**شریلا پرابهوپاد:** بله! اگر فرم انسانی زندگی را از دست بدهی این زیان بزرگی است. این فرصت بزرگی است که به موجود زنده داده شده است تا از اسارت موجودیت مادی بیرون آید.

**باب:** شکرگزارم که توانستم این سؤالات را بپرسم.

**شریلا پرابهوپاد:** بله تو می‌توانی بیشتر و بیشتر بدانی.

**باب:** اما من هنوز رابطه در خانه دارم. ازدواج ... من نامزد دارم.

**شریلا پرابهوپاد:** نه، نه. ازدواج‌های بسیاری وجود دارد. [او به شیاماسوندارا اشاره می‌کند] او متأهل است. ازدواج مانع نیست. من به شما گفتم که چهار طبقه‌ی زندگی روحانی وجود دارد. براهماچاری، گریه‌استا، واناپراستا، سانیا سی. پس از زندگی براهماچاری فرد می‌تواند ازدواج کند. این الزامی نیست. فرد ممکن است در تمام زندگی خود نایشیتیکا براهماچاری<sup>۱</sup> باقی بماند. اما براهماچاری می‌تواند ازدواج کند. و پس از ازدواج، زندگی واناپراستاست. این بدان معناست که فرد تا حدی از زندگی خانوادگی رها شده است. زن و شوهر جداگانه زندگی می‌کنند. در آن دوره رابطه‌ی جنسی وجود نخواهد داشت. سپس کاملاً از زندگی خانوادگی انقطاع حاصل می‌کند و سانیا سی می‌شود.

**باب:** آیا در آن هنگام فرد همسرش را کاملاً فراموش می‌کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. فراموش کردن خیلی دشوار نیست، اگر تلاش کنید که فراموش کنید. هر آنکه از دیده رفت از دل برود. [همه می‌خندند] درست مثل من که من همسر داشتم،

<sup>1</sup> naiṣṭhika-brahmacārī

فرزند و نوه داشتم. همه چیز. اما هر آنکه از دیده رفت از دل برود. همین. برای همین واناپراستا و سانیناس وجود دارد. همه چیز در سیستم ودایی به خوبی منظم شده است.

## ۵

### پاک شدن

۲۹ فوریه ۱۹۷۲

**باب:** از اینکه به من اجازه می‌دهید تا سؤالاتم را بپرسم، بسیار ممنونم.

**شریلا پرابهوپاد:** این رسالت من است. انسان‌ها باید دانش خداوند را درک کنند.

چنانچه با خداوند متعال همکاری نکنیم، زندگیمان بی‌نتیجه خواهد بود. این مثال را بارها مطرح کرده‌ام که یک پیچ که از ماشین جدا شده است، هیچ ارزشی ندارد. اما همان پیچ هنگامی که دوباره به ماشین متصل شود، ارزش خود را باز می‌یابد. ما نیز قسمت و ذره‌ای از خداوند هستیم. پس بدون خداوند ما چه ارزشی داریم؟ هیچ ارزشی. باید به موقعیت خود - وابستگی به خداوند - بازگردیم، آنگاه ارزش خواهیم داشت.

**باب:** امروز فردی را دیدم که بعد از ظهر از شهر آمده بود. ممکن است به نظرتان

خنه‌دار بیاید، اما چون شنیده بود هیپی‌ها در مایاپور<sup>۱</sup> هستند، به این‌جا آمده بود.

**شریلا پرابهوپاد:** چی؟

**باب:** او شنیده بود که هیپی‌ها در مایاپور هستند. ابتدا من و سپس برخی از عابدین با او

صحبت کردند. او چیزی به من گفت که نتوانستم هیچ جوابی برای آن بیابم. و گفت فردا باز می‌گردد تا برخی از عابدین را ببینید. حال اجازه دهید بگویم او چه گفت. کمی پیچیده است. زمانی که جوان بوده است ...

**شریلا پرابهوپاد:** او هندی بود؟

**باب:** بله هندی بود. ساکن همین نزدیکی بود و انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کرد.

زمانی که جوان بوده است کالی<sup>۲</sup> (یک خداوندگار محبوب) را هر روز و با جدیت پرستش می‌کرده است. تا زمانی که سیل می‌آید. با آمدن سیل مردم با سختی مواجه شدند و حالا او

<sup>1</sup> Māyāpur

<sup>2</sup> Kālī

هیچ مذهبی ندارد و می‌گفت خرسندی خود را در تلاش برای گسترش عشق بین مردم یافته است. به ذهنم نرسید چی به او بگویم که خداوند و مذهب را نیز به زندگی او بیافزاید. او می‌گفت: "پس از مرگ ممکن است ذره‌ای از خداوند شوم یا نشوم"، اما در حال حاضر نمی‌توانم نگران آن باشم. او می‌گفت این تجربیات مذهبی را آزموده است، اما آنها کارگر نیستند. یکی از دلایلی که این سؤال را می‌پرسم این است که زمانی که به آمریکا بازگردم، بسیاری از انسان‌هایی که با آنها مواجه خواهم شد، همین طور هستند. آنها دیده‌اند که مذهب، مثل پرستش کالی یا هر مذهب دیگری، کارگر نبوده است. و من نمی‌دانم چی به آنها بگویم که بپذیرند ارزش آزمودن را دارد.

**شریلا پرابهوپاد:** در حال حاضر تلاشی نکن. تو تلاش کن خودت قانع شوی.

**باب:** بله من از او خواستم که با عابدین ملاقات کند. اما بعد از آن در راه بازگشت او را دوباره دیدم و به او گفتم بازگرد. ولی ...

**شریلا پرابهوپاد:** اول از همه خودت متقاعد شو، سپس دیگران را متقاعد کن. آموزش چیتانیا ماهاپرابهو این است که زمانی می‌توانید زندگی دیگران را بهبود بخشید که خودتان زندگی موفق داشته باشید:

*bhārata-bhūmite haila manuṣya-jaṇma yāra  
jaṇma sārthaka kari' kara para-upakāra  
[Cc. Ādi 9. 41]*

ابتدا زندگی خودت را کامل کن. سپس تلاش کن به دیگران بیاموزی.

**باب:** عابدین به من گفته‌اند که بدون آگاهی به کریشنا، نمی‌توان در همه لحظات شاد بود. اما من گاهی حس شادی می‌کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** گاهی. نه همیشه.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** اما اگر کریشنا آگاه شوی، همیشه شاد خواهی بود.

**باب:** اما منظور آنها این بود که بدون کریشنا آگاهی نمی‌توانی حس شادی کنی.

**شریلا پرابهوپاد:** این حقیقت است. برای مثال اگر تو یک حیوان خاکی باشی و در آب انداخته شوی، در هیچ شرایطی در آب نمی‌توانی شاد باشی. زمانی که دوباره به خاک بازگردی، آنگاه شاد خواهی بود. به طور مشابه ما نیز ذرات و قسمتی از کریشنا هستیم. ما

بدون اینکه ذره و قسمتی از کریشنا باشیم، نمی‌توانیم شاد باشیم. همان مثال مشابه: قسمتی از یک ماشین، بدون ماشین ارزشی ندارد، اما زمانی که دوباره در ماشین کار گذاشته شود، ارزش خواهد داشت. ما بخشی از کریشنا هستیم ما باید به او ببینیم. و شما می‌توانید با آگاهی خود بی‌درنگ به کریشنا ببینید. تنها با فکر کردن به اینکه "من متعلق به کریشنا هستم، کریشنا متعلق به من است." همین.

**باب: چی؟ کریشنا ...**

**شریلا پرابهوپاد:** کریشنا متعلق به من است.

**باب: متعلق به من؟**

**شریلا پرابهوپاد:** بله. متعلق به من. کریشنای من.

**باب: آه.**

**شریلا پرابهوپاد:** کریشنا متعلق به من است. کریشنا متعلق به من است.

**باب: بله.**

**شریلا پرابهوپاد:** و من متعلق به کریشنا هستم. این موقعیت واقعی ماست.

**باب: ما قسمتی از کریشنا هستیم.**

**شریلا پرابهوپاد:** بله. همه چیز قسمت و ذره‌ای از کریشناست. برای اینکه همه چیز از

انرژی‌های کریشنا به وجود آمده است و همه چیز انرژی کریشناست.

**یک مرد هندی:** شریلا پرابهوپاد، من یک سؤال دارم. موقعیت خدمت بدون عبودیت

چیست؟

**شریلا پرابهوپاد:** هوم؟ این خدمت نیست، تجارت است. [همه می‌خندند] برای مثال ما

این‌جا در مایاپور یک پیمانکار استخدام کرده‌ایم. این خدمت نیست، بلکه تجارت است. این

طور نیست؟ گاه آنها تبلیغ می‌کنند: "مشتریان ما اربابان ما هستند." این طور نیست؟ اما

علی‌رغم زبان چاپلوسانه‌ی "مشتریان ما اربابان ما هستند"، این یک تجارت است، زیرا هیچ

مشتری تا زمانی که هزینه را پرداخت نکند، لایق نیست. اما خدمت این گونه نیست. خدمت.

چیتانیا ماهاپرابهو به کریشنا دعا فرمود:

*yathā tathā vā vidadhātu lampāṭo  
mat-prāṇa-nāthas tu sa eva nāparaḥ  
[Cc. Antya 20. 47]*

"تو هر کاری که بخواهی انجام می‌دهی، اما همواره پروردگار پرستیدنی من باقی خواهی ماند." این خدمت است. "من هیچ پاداشی از تو نمی‌خواهم." این خدمت است. زمانی که انتظار پاداش دارید تجارت می‌کنید.

**باب:** از شما می‌خواهم به من بگویید چگونه به خداوند نزدیک‌تر شوم. من شما را به زودی ترک خواهم کرد. و من ...

**شریلا پرابهوپاد:** باید پاک شوی.

**باب:** گاه به معبد می‌آیم، و بعد می‌روم و مطمئن نیستم چقدر با خود می‌برم.

**شریلا پرابهوپاد:** زمان زیادی نخواهد برد. در مدت شش ماه متوجه پیشرفت خود خواهی شد. اما باید از اصول تنظیم‌کننده پیروی کنی. آنگاه همه‌چیز درست خواهد شد. همان‌طور که این دخترها و پسرها در حال حاضر عمل می‌کنند.

**باب:** بله می‌بینم.

**شریلا پرابهوپاد:** آنها تمایلی به رفتن به سینما یا هتل ندارند. نه. آنها همه‌ی آثارها، همه چیزهای غیرلازم، را متوقف کرده‌اند.

**باب:** من، من حس می‌کنم زمانی که بازگردم، آنها...

**شریلا پرابهوپاد:** زندگی انسانی برای پاک شدن است.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:**

*tapo divyam putrakā yena sattvam  
śuddhyed yasmād brahma-saukhyam tv anantam*

[ش.ب. ۱/۵/۵]

ساتوا به معنای موجودیت است. بنابراین چنانچه موجودیت خود را پاک نکنید، ناچار خواهید بود بدن خود را تعویض کنید؛ از این بدن به بدن دیگر. گاه ممکن است این بدن والاتر و یا گاه پست‌تر باشد. برای مثال، اگر شما بیماری را درمان نکنید، ممکن است از راه‌های بسیار دیگری شما را دچار مشکل کند. به طور مشابه، چنانچه موجودیت خود را پاک نکنید، آنگاه ناچارید از یک بدن به بدن دیگر نقل مکان کنید. قوانین طبیعت بسیار ظریف

<sup>1</sup> anarthas

هستند. هیچ تضمینی وجود ندارد که شما یک بدن راحت یا آمریکایی خواهید گرفت. به همین دلیل ضروری است که انسان موجودیت خود را پاک کند. اگر وجود خود را پاک نکنید، آرزوی شادی را دارید اما همیشه شاد نخواهید بود.

**باب:** امیدوارم تا زمانی که به کارم در نیویورک باز می‌گردم، پاک بشوم، اما مطمئن هستم که به اندازه عابدین شما پاک نخواهم نشد. من - من این را در خود نمی‌بینم.

**شریلا پرابهوپاد:** تو نیز می‌توانی مانند آنها عمل کنی. آنها در آغاز پاک نبودند، اکنون پاک هستند. تو نیز به همین صورت می‌توانی پاک شوی. مثلاً در زمان کودکی تو باسواد نبودی، اما حالا هستی.

**باب:** خوب من چه کارهایی باید انجام دهم؟ وقتی بازگردم باید.

**شریلا پرابهوپاد:** کی باز می‌گرددی؟

**باب:** به چایباسا<sup>۱</sup> خواهم رفت تا کارم را انجام دهم و ...

**شریلا پرابهوپاد:** در چایباسا چه خبر است؟

**باب:** آن‌جا تدریس و زندگی می‌کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** بهتر است تدریس نکنی، چون نمی‌دانی چه تدریس کنی.

**باب:** [با خنده] می‌روم، این تدریس را خیلی دوست ندارم و در ماه می به آمریکا باز

می‌گردم، اما تا زمانی که این‌جا هستم، این قرارداد من است برای ماندن در هند.

**شریلا پرابهوپاد:** اگر جدی باشی هر جایی می‌توانی خود را پاک نگاه داری. تفاوتی

نمی‌کند که در آمریکا یا در هندوستان زندگی کنی. اما باید بدانی چگونه خود را پاک نگاه داری. همین.

**باب:** منظورتان با دنبال نمودن این اصول است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. مثلاً من به آمریکا رفتم، اما چه در آمریکا چه در هند من یک

نفر هستم.

**باب:** من، من از اولین باری که شما را دیدم (ملاقاتی کوتاه در کلکته) تا حدی تلاش

کردم.

**شریلا پرابهوپاد:** اما دنبال کن. اگر جدی باشی باید اکیداً رعایت کنی.

<sup>1</sup> Chaibasa



**باب:** شاید- باشه. شاید- خوب چیزی که الان می‌خواهم بگویم احمقانه‌ترین حرفی است که تاکنون زده‌ام، اما اجازه دهید احساس خود را به شما بگویم.

**شریلا پرابهوپاد:** نه، نه، احمقانه نیست. من نمی‌گویم احمقانه، اما ناقص است.

**باب:** باشه [او می‌خندد] ناقص. اما اجازه دهید به شما بگویم. من حس می‌کنم ... در حال حاضر عابدین شما را تحسین می‌کنم و به آنها احترام می‌گذارم، اما حس نمی‌کنم من جزئی از آنها هستم یا حتی خواسته‌ی شدیدی دارم که جزو آنها باشم. حس می‌کنم فقط می‌خواهم، فقط می‌خواهم آنچه را که درست است انجام دهم، به خداوند نزدیک‌تر شوم، و اگر فقط در زندگی بعدی خود زندگی بهتری داشته باشم راضی خواهم بود.

**شریلا پرابهوپاد:** خیلی خوب است.

**باب:** حدس می‌زنم این تنها تمایل مادی است اما...

**شریلا پرابهوپاد:** پس تو تنها ردپای آنها را دنبال کن و آنگاه خواسته‌هایت برآورده خواهد شد. ما داریم به آنها آموزش می‌دهیم چگونه پاک و شاد شوند. این رسالت ماست. ما می‌خواهیم همه را شاد ببینیم. سارو سوکھینو بهاوانتو<sup>۱</sup>. انسان‌ها نمی‌دانند چگونه شاد شوند. آنها مسیر درست برای شاد شدن را در پیش نمی‌گیرند. آنها راه‌های خود را اختراع می‌کنند. مشکل این‌جاست. به همین دلیل ریشابهادوا<sup>۲</sup> به پسران خود توصیه کرد: "پسران عزیزم، تنها برای درک حقیقت روحانی ریاضت بکشید." همه ریاضت می‌کشند. من پسری را می‌شناسم که مجبور بود برای تحصیل در رشته‌ی مدیریت بازرگانی به یک کشور خارجی برود. حال او موقعیت خوبی دارد. به این صورت. هر فردی باید برای زندگی آینده‌ی خود ریاضت بکشد. پس چرا برای شادی جاودان ریاضت نکشند؟ شما باید ذهن و بدن خود را پاک کنید. هر بار که بدن مادی بگیرید باید آن را تغییر دهید. اما همین که بدن روحانی بگیرید دیگر حرفی از تغییر نخواهد بود. شما همین الان نیز بدن روحانی دارید. اما اکنون به دلیل آلودگی‌های مادی خود بدن مادی گرفته‌ایم. اما چنانچه با زندگی روحانی معاشرت کنیم، آنگاه می‌توانیم بدن روحانی ایجاد کنیم. مثالی که تاکنون بارها مطرح کرده‌ام این است که چنانچه یک میله‌ی آهنی را در آتش بگذارید آن نیز مانند آتش می‌شود. این طور نیست؟

**باب:** میله‌ی آهنی را در آتش بگذاریم؟

<sup>1</sup> Sarve sukhino bhavantu

<sup>2</sup> R̥ṣabhadeva

**شریلا پرابهوپاد:** بله و آن مانند آتش می‌شود.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** حتی آهن.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** به همین صورت چنانچه خود را همیشه در روحانیت مشغول دارید بدن شما نیز با اینکه مادی است، روحانی عمل می‌کند. مثال مشابه: زمانی که آهن داغ قرمز می‌شود به هر جای آن که دست بزنید می‌سوزاند؛ آهن همان کیفیات آتش را به خود گرفته است. به همین صورت، اگر همیشه خود را در کریشنا آگاهی نگاه دارید، آنگاه روحانی خواهید شد. روحانی عمل می‌کنید. خواسته‌ای مادی باقی نمی‌ماند.

**باب:** چطور این کار را انجام دهم؟

**شریلا پرابهوپاد:** همین روند. اینها در حال انجام این کار هستند. تو این پسرها را دیده‌ای، شش پسری که امروز تشرف گرفتند. خیلی ساده است. باید چهار اصل را رعایت کنی و با این تسبیح‌ها ذکر بگویی. خیلی ساده.

**باب:** خوب، ولی، ببینید - زمانی که به بیهار<sup>۱</sup> بازگردم و روش زندگی خود را دنبال کنم، اگر این اصول را رعایت کنم. برخی از آنها اکنون نیز رعایت می‌کنم، اما نه همه را.

**شریلا پرابهوپاد:** برخی یعنی ... ؟

**باب:** برخی؟

**شریلا پرابهوپاد:** فقط چهار اصل وجود دارد. برخی یعنی دو یا سه؟

**باب:** دو یا سه.

**شریلا پرابهوپاد:** خوب، چرا آن دیگری نه؟

**باب:** نه، نه. منظورم یک یا دو بود. یک یا دو تا را الان دنبال می‌کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** [می‌خندد] چرا سه تای دیگر نه؟ مشکل چیست؟ کدام یک را دنبال

می‌کنی؟

**باب:** کدام یک را دنبال می‌کنم؟ خوب، من تقریباً گیاهخوارم، اما تخم‌مرغ می‌خورم.

**شریلا پرابهوپاد:** پس این نیز کامل نیست.

<sup>1</sup> Bihar

**باب:** نه، نه حتی کامل. از بار قبل [نوامبر] گیاهخوار شدم، ولی ...  
**شریلا پرابهوپاد:** گیاهخواری یک ویژگی متعالی نیست.

**باب:** نه خیلی.

**شریلا پرابهوپاد:** کبوتر نیز گیاهخوار است. میمون نیز گیاهخوار است. اغلب مخلوقات  
 پست ...

**باب:** خوب ...

**شریلا پرابهوپاد:** میمون گیاهخوار است. سانایاس عریانی که در جنگل زندگی می‌کند  
 ...

**باب:** من، من حس می‌کردم این کمی پیشرفت است چون ابتدا دشوار بود، بعد آسان شد  
 و بازگشته بودم به.

**شریلا پرابهوپاد:** نه، تو می‌توانی به همه‌ی اصول پایبند باشی، آنها تو را آماده می‌کنند  
 تا روند کریشنا آگاهی را پیش گیری. در غیر این صورت ممکن نیست.

**باب:** بله، همین است. من، وقتی به بهار بازگردم و موم ... دوستانم ممکن است بگویند  
 ... شب هنگام دور هم می‌نشینیم و هیچ کاری جز جنگیدن با مگس‌ها نداریم و آنها  
 می‌گویند: "چطور است ماریجوانا بکشیم؟" و من می‌گویم: "حتماً، کار دیگری برای انجام دادن  
 نیست." و آنگاه می‌نشینیم و تمام شب را با خودم کیف می‌کنم. اکنون ما این کار را انجام  
 می‌دهیم. ما این کار را هر روز انجام می‌دادیم تا زمانی که متوجه شدیم داریم به خودمان  
 آسیب می‌رسانیم و آن را متوقف کردیم. اما هنوز به مناسبت‌هایی ...

**شریلا پرابهوپاد:** تو باید با ما زندگی کنی. آنگاه دوستانت ازت نخواهند پرسید:  
 "ماریجوانا چطور؟" [باب می‌خندد] با عابدین معاشرت کن. ما مراکز باز می‌کنیم تا به  
 انسان‌ها این امکان را دهیم که با ما معاشرت کنند. چرا ما این همه زمین در مایاپور  
 گرفته‌ایم؟ کسانی که جداً می‌خواهند، می‌آیند و با ما زندگی می‌کنند. معاشرت بسیار تأثیرگذار  
 است. اگر با انسان‌های مست معاشرت کنی، خود نیز مست خواهی شد. چنانچه با سادهو<sup>۱</sup>  
 (قدیس) معاشرت کنی، خود نیز سادهو خواهی شد.

**شیاماسوندارا:** او می‌تواند بیاید و با شما در بمبئی بماند.

<sup>1</sup> sādhu

**شریلا پرابهوپاد:** بله، می‌توانی در بمبئی با ما زندگی کنی. اما او دوستانی با ماریجوانا می‌خواهد. مشکل این‌جاست.

**باب:** اجازه دهید درباره‌ی چیز دیگری از شما سؤال کنم، آنگاه ممکن است به همین موضوع بازگردم. من متوجه شده‌ام که به خودم خیلی فکر می‌کنم و به این دلیل نمی‌توانم خیلی به خداوند فکر کنم. در جاهای بسیاری به خود فکر می‌کنم. چطور می‌توانم خود را فراموش کنم تا بتوانم به چیزهای دیگر، چیزهای مهم‌تر تمرکز کنم؟

**شریلا پرابهوپاد:** همان‌طور که این عابدین این کار را انجام دادند.

**باب:** [می‌خندد] شما دارید به من می‌گویید که راه من - من فکر می‌کنم چیزی که شما دارید به من می‌گویید این است که راه پاک شدن این است که عابد شوم.

**شریلا پرابهوپاد:** تو شک داری؟

**باب:** خوب، من ...

**شریلا پرابهوپاد:** آیا عابد شدن خیلی سخت است؟

**باب:** برای من، بله. من، من این خواسته را خیلی حس نمی‌کنم. اول اینکه عابدین به من گفتند آنها زندگی مادی را رها کرده‌اند. این چهار اصلی که آنها برای من توضیح دادند به معنای رها کردن زندگی مادی است و من این را می‌بینم. و به جای این، آنها ...

**شریلا پرابهوپاد:** منظورت از زندگی مادی چیست؟ [باب ساکت است] من روی این تخت نشسته‌ام. این تخت مادی است یا روحانی؟

**باب:** مادی.

**شریلا پرابهوپاد:** پس چطور ما زندگی مادی را رها کرده‌ایم؟

**باب:** فکر می‌کنم من این را اینگونه تفسیر کردم: "خواسته‌ی خود را برای دستاوردهای مادی."

**شریلا پرابهوپاد:** مادی چیست؟

**باب:** کار برای دستاوردهای مادی و نه رها کردن همه مادیات.

**شریلا پرابهوپاد:** زندگی مادی یعنی زمانی که شما می‌خواهید حواس خود را راضی کنید. این زندگی مادی است. و زمانی که می‌خواهید به خداوند خدمت کنید، زندگی روحانی است. این تفاوت بین زندگی مادی و روحانی است. اکنون ما در تلاشیم تا به حواس خود

خدمت کنیم. اما زمانی که به جای ارضای حواس خود به خداوند خدمت کنیم این زندگی روحانی است. چه تفاوتی بین فعالیت‌های ما و فعالیت‌های سایرین است؟ ما از همه چیز، از میز، صندلی، تخت، ضبط صوت، ماشین تایپ استفاده می‌کنیم. پس تفاوت چیست؟ تفاوت این است که ما از همه چیز برای کریشنا استفاده می‌کنیم.

**باب:** عابدین گفتند که لذت‌های حواس آنها با لذت‌های روحانی جایگزین شده است. اما، ببینید، من این را حس نمی‌کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** لذت روحانی زمانی می‌آید که شما تلاش کنید کریشنا را راضی کنید. این لذت روحانی است. مثلاً یک مادر با غذا دادن به پسرش بیشتر لذت می‌برد. خودش نمی‌خورد، اما زمانی که می‌بیند پسرش به خوبی می‌خورد، لذت می‌برد.

**باب:** هوم. پس لذت روحانی یعنی راضی نمودن کریشنا.

**شریلا پرابهوپاد:** لذت روحانی یعنی لذت کریشنا.

**باب:** لذت کریشنا.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، لذت مادی یعنی لذت حواس. همین. تفاوت در این است. زمانی که به سادگی تلاش می‌کنی تا کریشنا را راضی کنی، این لذت روحانی است.

**باب:** من این را این طور می‌دیدم - فکر من درباره راضی نمودن خداوند این بود که ...

**شریلا پرابهوپاد:** راه‌های خود را برای راضی نمودن کریشنا اختراع نکنید. اختراع نکنید. فرض کن من می‌خواهم شما را راضی کنم. آنگاه باید از شما بپرسم: "چطور می‌توانم به شما خدمت کنم؟" نه اینکه از خودم خدمتی را اختراع کنم. این راضی‌کننده نیست. فرض کنید من یک لیوان آب بخواهم. اگر شما با خود فکر کنید: "سوامی جی راضی‌تر خواهد شد اگر به او یک لیوان شیر دهم، یک لیوان شیر گرم"، این مرا راضی نمی‌کند. اگر شما می‌خواهید مرا راضی کنید باید از من بپرسید: "چطور می‌توانم به شما خدمت کنم؟" و اگر آنچه را که من دستور می‌دهم انجام دهید، آن خدمت مرا راضی خواهد کرد.

**باب:** و راضی نمودن کریشنا این است که عابد شویم.

**شریلا پرابهوپاد:** عابد فردی است که همیشه کریشنا را راضی می‌کند. او کار دیگری ندارد. این یعنی یک عابد.

**باب:** آیا می‌توانید بیشتر درباره ذکر هاره کریشنا به من توضیح دهید؟ من مدتی است که ذکر می‌کنم، البته نه مرتب. گه‌گاهی این‌جا و آن‌جا. به تازگی تسبیح گرفته‌ام. بعضی مواقع با

ذکر کردن حس خوبی دارم و بعضی مواقع اصلاً حس خوبی ندارم. شاید درست ذکر نمی‌کنم.  
نمی‌دانم.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، هر چیزی یک روندی دارد. تو باید این روند را طی کنی.

**باب:** عابدین درباره شعی که هنگام ذکر کردن دارند به من گفته‌اند.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، هرچه پاک‌تر شوی، شمع بیشتری حس خواهی کرد. این روند

ذکر کردن، روند پاک سازی است.

## عابد کامل

۲۹ فوریه ۱۹۷۲، غروب

**شیاماسوندارا:** شریلا پرابهوپاد، ما امروز بعد از ظهر درباره‌ی ریاضت کشیدن صحبت می‌کردیم.

**شریلا پرابهوپاد:** امم؟

**شیاماسوندارا:** چنانچه برخی ریاضت‌ها را به میل خود متحمل نشویم، ناچار از تحمل برخی سختی‌های دیگر خواهیم شد.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، زیر نظر یک پیر روحانی فرد باید ... . ذهن شما قادر به درک ریاضت نیست، اما زمانی که یک پیر روحانی را می‌پذیرید، باید دستورات او را اجرا کنید. این ریاضت است.

**شیاماسوندارا:** حتی اگر نخواهید ریاضت بکشید بازهم ناچارید.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. ناچارید. زیرا تسلیم پیر روحانی خود شده‌اید. دستور او کلام نهایی است. پس حتی اگر آن را دوست نداشته باشید، باید انجامش دهید. برای اینکه مرا خوشحال کنید.

**شیاماسوندارا:** آه.

**شریلا پرابهوپاد:** ولی شما دوست ندارید... [پرابهوپاد می‌خندند]. هیچ کس دوست ندارد روزه بگیرد، اما پیر روحانی می‌گوید: "امروز روزه می‌گیریم." چه کار می‌شود کرد؟ [شیاماسوندارا می‌خندد]. مرید یعنی فردی که داوطلبانه پذیرفته است توسط پیر روحانی خود تأدیب شود. این ریاضت است.

**شیاماسوندارا:** می‌شود گفت بسیاری از انسان‌ها در دنیای مادی، مانند والدین ما که کاملاً شیفته حیات مادی شده‌اند، با آنکه نمی‌خواهند متحمل سختی یا درد بدنی شوند اما به اجبار متحمل این سختی‌ها می‌شوند. طبیعت آنها را ناگزیر از تحمل ریاضت‌ها می‌کند.

**شریلا پرابهوپاد:** این ریاضت اجباری است و مطلوب نمی‌باشد. ریاضت داوطلبانه است که به شما کمک می‌کند.

**شیاماسوندارا:** اگر داوطلبانه ریاضت نکشیم، آنگاه ناگزیر از تحمل دشواری‌ها خواهیم شد.

**شریلا پرابهوپاد:** این تفاوت انسان و حیوان است. حیوان نمی‌تواند ریاضت را بپذیرد، اما انسان می‌تواند. خوردنی‌های خوشمزه‌ای در قنادی است، انسانی مایل است از آنها بخورد، اما زمانی که می‌فهمد به قدر کافی پول همراه ندارد، از آنها نمی‌خورد. اما چنانچه یک گاو وارد شود، بلافاصله دهانش را جلو می‌آورد. شما ممکن است او را با چوب بزنید، ولی او تحمل می‌کند. او این کار را می‌کند. پس حیوان نمی‌تواند ریاضت بکشد. ریاضت ما بسیار زیباست. ما هاره کریشنا ذکر می‌کنیم، می‌رقصیم و کریشنا برای ما غذاهای بسیار خوشمزه می‌فرستد و ما می‌خوریم. همین! چرا شما انسان‌ها با این ریاضت‌ها موافق نیستید. ذکر، رقص و به خوبی خوردن؟

**باب:** یعنی چه؟

**شریلا پرابهوپاد:** از آن جایی که ما ریاضت می‌کشیم، کریشنا برای ما چیزهای خوب می‌فرستد. پس ما بازنده نیستیم. زمانی که کریشناییزه<sup>۱</sup> شوید، راحت‌تر از حال خواهید بودید. این یک حقیقت است. من در بیست سال گذشته تنها زندگی کرده‌ام، اما هیچ مشکلی نداشته‌ام. پیش از آنکه سانیاسی شوم، در دهلی زندگی می‌کردم. و با اینکه تنها بودم هیچ سختی نداشتم.

**شیاماسوندارا:** اگر شما نظام روحانی را نمی‌پذیرفتید، آنگاه طبیعت مصیبت‌های بسیار بر شما وارد می‌کرد.

**شریلا پرابهوپاد:** آه بله این در بهاگاواد-گیتا آمده است:

*daivī hy eṣā guṇa-mayī  
mama māyā duratyayā  
mām eva ye prapadyante  
māyām etām taranti te*

[ب.گ. ۱۴/۷]

<sup>1</sup> Kṛṣṇa-ized



"غلبه کردن بر این انرژی الهی من که از سه گونه‌ی طبیعت مادی تشکیل شده، دشوار است. اما کسانی که به من تسلیم شده‌اند قادرند به آسانی از آن عبور کنند." مایا سختی‌های بسیاری تحمیل می‌کند. اما همین که به کریشنا تسلیم شوید، دیگر هیچ تحمیلی نخواهد بود. **شیاماسوندارا:** ما بسیار احمق بودیم که همواره فکر می‌کردیم: "در آینده خوش خواهیم بود".

**شریلا پرابهوپاد:** بله، این مایا است. توهم. مانند یک خر. شما پشت یک خر می‌نشینید و فقط کمی علف می‌خورید. خر با خود فکرمی کند "کمی جلوتر بروم می‌توانم علف بخورم." [باب می‌خندد] اما همیشه یک قدم فاصله است. این خریت است. [همه می‌خندند] همه فکر می‌کنند اگر کمی جلوتر بروم آن را به دست می‌آورم و آنگاه خوش خواهم بود.

**باب:** من... من خیلی از شما متشکرم ...

**شریلا پرابهوپاد:** هوم؟

**باب:** فردا باید شما را ترک کنم و ...

**شریلا پرابهوپاد:** درباره ترک کردن صحبت نکن، درباره‌ی زندگی صحبت کن.<sup>۱</sup>

**باب:** دیگر نمی‌توانم. اما الان داشتم به بازگشت به شهر خود فکر می‌کردم. اما ...

**شریلا پرابهوپاد:** بازنگرد.

**باب:** باید فردا این جا باشم، فردا؟

**شریلا پرابهوپاد:** این جا بمان.

**باب:** شما به من گفتید که ... می‌مانم.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، تو پسر خیلی خوبی هستی. [مکث طولانی. بسیار ساکت‌تر]

بسیار ساده است. زمانی که موجودات زنده کریشنا را فراموش می‌کنند، در این دنیای مادی هستند. کریشنا یعنی نامش، فرمش، منزلگاهش، بازی‌های متعالش.<sup>۲</sup> همه چیز.

**باب:** آخری چی بود؟

**شریلا پرابهوپاد:** آه؟ بازی‌های متعال.

<sup>1</sup> māyā

<sup>۲</sup> پرابهوپاد از تشابه آوایی دو کلمه‌ی *leave* (ترک کردن) و *live* (زندگی کردن) در زبان انگلیسی استفاده کرده‌اند.

<sup>3</sup> pastimes

**باب: بازی‌های متعال.**

**شریلا پرابهوپاد:** زمانی که درباره یک پادشاه صحبت می‌کنیم، منظورمان دولت شاه، قصر شاه، ملکه شاه، فرزندان شاه، منشیان شاه، قدرت نظامی و همه چیز. این طور نیست؟

**باب: بله.**

**شریلا پرابهوپاد:** در مورد کریشنا، شخصیت متعال خداوند نیز همین طور است. همین که به کریشنا فکر کنیم یعنی همه‌ی انرژی‌های او، و این با گفتن رادها - کریشنا کامل می‌شود. رادها نماینده‌ی تمام انرژی‌های کریشناست و کریشنا خداوند متعال است. پس زمانی که درباره‌ی کریشنا صحبت می‌کنیم، موجودات زنده را هم شامل می‌شود، زیرا موجودات زنده انرژی هستند، انرژی‌های مختلف کریشنا (انرژی برتر). موجودیت مادی یعنی زمانی که این انرژی به منشأ انرژی خدمت نمی‌کند. هیچ یک از جهانیان به کریشنا خدمت نمی‌کنند. آنها به نوع دیگری به کریشنا خدمت می‌کنند. آنها غیرمستقیم خدمت می‌کنند. درست مانند شهروندان نافرمان که به طور غیرمستقیم به دولت خدمت می‌کنند. زندانیان به دلیل نافرمانیشان از قوانین کشور به زندان می‌افتند. به همین ترتیب، تمام موجودات زنده در این جا بی‌خدا هستند، یا از روی چهل یا به انتخاب خودشان. آنها نمی‌خواهند برتر بودن خداوند را بپذیرند. دیوصفت هستند. پس ما در تلاشیم تا آنها را به موقعیت اصلی خود بازگردانیم. این جنبش کریشنا آگاهی است.

**باب: من می‌خواهم از شما سؤالی بپرسم. با عابدین درباره‌ی دارو صحبت می‌کردم. امروز با برخی عابدین تا کنار رودخانه پیاده‌روی کردم. من سرما خورده بودم و گفتم نباید وارد آب شوم. برخی گفتند که باید بروم چون این آب گنگ است. برخی گفتند چون سرما خوردم نباید بروم و ما در همین مورد صحبت می‌کردیم و من متوجه نشدم. آیا ما به دلیل اعمال بد خود در گذشته بیمار می‌شویم؟**

**شریلا پرابهوپاد:** بله. این واقعیت است.

**باب: اما زمانی که فردی ...**

**شریلا پرابهوپاد:** هر نوع دردی به دلیل اعمال ناپرهیزکارانه‌ی ما در گذشته است.

**باب: اما زمانی که فردی از تأثیر کارما پاک می‌شود ...**

**شریلا پرابهوپاد:** خوب؟

**باب: ... آیا باز هم بیمار می‌شود؟**

**شریلا پرابهوپاد:** نه. حتی اگر بیمار شود، بسیار موقتی خواهد بود. برای مثال این پنکه دارد می‌چرخد. اگر شما برق آن را قطع کنید، برای لحظه‌ای باز هم می‌چرخد. این چرخش به دلیل جریان برق نیست. این نیروی - چی به آن می‌گویند - فیزیکی، این نیروی؟

**شیاماسوندارا:** نیروی محرک؟

**شریلا پرابهوپاد:** نیروی محرک. به محضی که متوقف شود دیگر حرکتی نیست. به همین ترتیب، اگر عابدی که به کریشنا تسلیم شده است از پیامدهای مادی در رنج است، موقتی است. برای همین عابد هیچ یک از مصیبت‌های مادی را مصیبت به شمار نمی‌آورد. او آنها را به عنوان لطف خداوند، کریشنا می‌پذیرد.

**باب:** یک روح کامل، یک عابد، یک عابد پاک ...

**شریلا پرابهوپاد:** روح کامل کسی است که بیست و چهار ساعت در روز مشغول کریشنا آگاهی است. کمال این است. این موقعیت متعالی است. کمال یعنی در آگاهی اصلی خود مجذوب شدن. این کمال است. در بهاگاواد-گیتا آمده است:

*sve sve karmany abhirataḥ*

*samsiddhim labhate narah*

[ب.گ. ۴۵/۱۸]

"با دنبال نمودن کیفیات عمل، هر فردی می‌تواند کامل شود." کمال کامل. سامسیدهی<sup>۱</sup>. سیدهی<sup>۲</sup> یعنی کمال. یعنی درک برهن<sup>۳</sup>، درک روحانی. و سامسیدهی یعنی عبودیتی که پس از درک برهن حاصل می‌شود.

**باب:** می‌شود لطفاً آخری را دوباره بگویید.

**شریلا پرابهوپاد:** سامسیدهی.

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** سام یعنی کامل.

**باب:** بله.

<sup>1</sup> Samsiddhi

<sup>2</sup> Siddhi

<sup>3</sup> Brahman

**شریلا پرابهوپاد:** و سیدهی یعنی کمال. در بهاگاواد-گیتا آمده است کسی که به خانه باز می‌گردد، به منزلگاه خداوند باز می‌گردد، به کمال کامل دست یافته است. پس کمال زمانی حاصل می‌آید که فرد درک کند که این بدن نبوده و بلکه روح است. براهما-بهوتا<sup>۱</sup> [ش.ب. ۲۰/۳۰/۴] یعنی درک برهمن. این کمال است. و سامسیدهی پس از درک برهمن حاصل می‌شود. زمانی که فرد به خدمت عابدانه می‌پردازد، می‌توان فهمید که درک برهمن حاصل شده است. برای همین سامسیدهی نامیده می‌شود.

**باب:** این سؤال خود را بسیار متواضعانه مطرح می‌کنم، آیا شما بیمار می‌شوید؟

**شریلا پرابهوپاد:** هوم؟

**باب:** شما شخصاً بیمار می‌شوید؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** آیا این نتیجه‌ی کارماهای گذشته شماست؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** پس فرد در این دنیای مادی هرگز کاملاً از کارمای خود رها نمی‌شود؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. رها می‌شود. برای عابد دیگر کارمایی باقی نمی‌ماند. هیچ بازتاب

عملی وجود نخواهد داشت.

**باب:** اما شما باید بهترین عابد باشید.

**شریلا پرابهوپاد:** امم ... خیر. من خود را بهترین عابد به شمار نمی‌آورم. من

پایین‌ترینم.

**باب:** نه!

**شریلا پرابهوپاد:** تو بهترین عابد هستی.

**باب:** [می‌خندد] نه، نه، نه! ولی، ببینید، شما می‌گویید، چیزی که شما می‌گویید ...

همیشه درست به نظر می‌رسد.

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باب:** پس شما باید بهترین عابد باشید.

<sup>1</sup> Brahma-bhūta

**شریلا پرابهوپاد:** موضوع این جاست که حتی بهترین عابد زمانی که موعظه کند، به سطح عابدین درجه‌ی دوم نزول می‌کند.

**باب:** بهترین عابد چه می‌کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بهترین عابد موعظه نمی‌کند.

**باب:** او چه می‌کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** او نیازی به موعظه نمی‌بیند. برای او همه عابد هستند. [باب به شدت می‌خندد] بله، او غیرعابد نمی‌بیند. همه عابد هستند. او اوتاما-آدهیکاری<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. اما زمانی که من دارم موعظه می‌کنم چگونه می‌توانم بگویم بهترین عابد هستم؟ درست مثل رادهارانی. او هیچ کس را غیرعابد نمی‌داند. برای همین ما تلاش می‌کنیم به رادهارانی نزدیک شویم.

**باب:** او کیست؟

**شریلا پرابهوپاد:** رادهارانی؟ معاشر کریشنا.

**باب:** آه.

**شریلا پرابهوپاد:** اگر کسی به رادهارانی روی آورد، او به کریشنا توصیه می‌کند: "این بهترین عابد است. او از من بهتر است." و کریشنا نمی‌تواند او را نپذیرد. او بهترین عابد است. اما نباید از او تقلید کرد: "من بهترین عابد شده‌ام."

*īsvare tad-adhīneṣu  
bālīṣeṣu dviṣatsu ca  
prema-maitrī-kṛpopekṣā  
yaḥ karoti sa madhyamaḥ*

[ش.ب. ۴۶/۲/۱۱]

دیدگاه عابد درجه‌ی دوم گاه در حسادت به خداوند است، اما دیدگاه بهترین عابد این گونه نیست. بهترین عابد این گونه می‌بیند: "هیچ کس به خداوند حسادت نمی‌ورزد. همه از من برترند." درست مانند کریشناداس کاویراج<sup>۲</sup>، نویسنده‌ی چیتانیا چاریتامریتا<sup>۱</sup>. "من از کرم درون ادرار ناچیزترم."

<sup>1</sup> *uttama-adhikārī*

<sup>2</sup> *Kṛṣṇadāsa Kavirāja*

**باب:** چه کسی این را گفته است؟

**شریلا پرابهوپاد:** کریشناداسا کاویراجا، نویسنده‌ی چیتانیا چاریتامریتا.

*purīṣera kīṭa haite muñi se laghiṣṭha [Cc. Ādi 5. 205]*

او نمایش نمی‌دهد، این گونه حس می‌کند. "من کمترینم. همه بهترینند، اما من پایین‌ترینم. همه به خدمت کریشنا مشغولند. من مشغول نیستم." چیتانیا ماهاپرابهو می‌فرماید: "من از اندک عبودیتی به کریشنا بی‌بهره‌ام. گریه‌های من نمایشی بیش نیست. چنانچه من عابد کریشنا بودم، مدت‌ها پیش می‌مردم. اما من زنده هستم و این اثباتی است برای اینکه من عاشق کریشنا نیستم." این دیدگاه بهترین عابد است. او آنقدر مجذوب عشق کریشناست که می‌گوید: "همه چیز در گذر است، اما من حقیرترینم. و بدین سبب قادر به دیدن خداوند نمی‌باشم."

**باب:** پس یک عابد باید برای رهایی همه تلاش کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. یک عابد باید تحت نظارت یک پیر روحانی مجرب کار کند، نه

اینکه از بهترین عابدین تقلید کند.

**باب:** بیخشید؟

**شریلا پرابهوپاد:** فرد نباید از بهترین عابد تقلید کند.

**باب:** تقلید. او. که این طور!

**شیاماسوندارا:** یک بار شما گفتید گاهی به دلیل اعمال گناه‌آلود عابدیتنان حس

بیماری یا درد می‌کنید. آیا ممکن است گاهی بیماری به این دلیل باشد؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، کریشنا می‌فرماید:

*aham tvām sarva-pāpebhyo*

*mokṣayisyāmi mā śucaḥ*

[ب.گ. ۶۶/۱۸]

"من تو را از تمام بازتاب‌های گناه‌آلود نجات خواهم داد. نترس." پس کریشنا بسیار قدرتمند است به طوری که می‌تواند همه گناهان دیگران را بگیرد و بلافاصله آنها را به نیکی

<sup>1</sup> Caitanya-caritāmṛta

تبدیل کند. ولی زمانی که یک موجود زنده نقشی را از جانب کریشنا بازی می‌کند، او نیز مسئولیت اعمال گناه‌آلود عابدینش را می‌پذیرد. برای همین پیر روحانی شدن کار ساده‌ای نیست. می‌بینید؟ او باید همه زهرها را بگیرد و آنها را جذب کند. و گاه به این دلیل که او کریشنا نیست، مشکلاتی پیش می‌آید. به همین دلیل چیتانیا ماهاپرابهو ممنوع کردند: "شیشیاس<sup>۱</sup>، شاگردان بسیار نپذیرید." اما برای موعظه ما ناچاریم شاگردان بسیار بپذیریم - برای گسترش موعظه - حتی اگر رنج بریم. این حقیقت است. پیر روحانی باید مسئولیت تمام اعمال گناه‌آلود شاگردانش را بپذیرد. بنابراین، اگر فرد قادر به جذب تمام گناهان نباشد، پذیرش شاگردان بسیار خطرناک است.

*vāñchā-kalpa-tarubhyaś ca  
kṛpā-sindhubhya eva ca  
patitānām pāvanebhyo  
vaiṣṇavebhyo namo namaḥ*

"سجده‌های محترمانه خود را به تمام عابدین وایشناو خداوند تقدیم می‌کنم. آنها همانند درختان آرزو هستند که قادرند تمام خواسته‌های همگان را برآورده سازند و آنها سرشار از حس شفقت برای ارواح فروافتاده می‌باشند." او مسئولیت تمام ارواح فروافتاده را بر دوش می‌گیرد. این ایده در انجیل نیز وجود دارد. عیسی مسیح تمام بازتاب‌های گناه‌آلود مردم را بر عهده گرفت و عمر خود را قربانی کرد. این مسئولیت پیر روحانی است. چون کریشنا کریشناست، او آپا-ویدها<sup>۲</sup> است، او مورد حمله‌ی بازتاب‌های گناه‌آلود قرار نمی‌گیرد. اما موجود زنده گاه تحت تأثیرات آنها قرار می‌گیرد، چون او بسیار کوچک است. آتش بزرگ، آتش کوچک، چنانچه چیز بزرگی را در آتش کوچکی بیاندازید خود آتش ممکن است خاموش شود. اما در آتش بزرگ هرچه بیاندازید اتفاقی نمی‌افتد. آتش بزرگ همه چیز را می‌خورد.

**باب:** رنج‌های مسیح از این نوع بودند؟

**شریلا پرابهوپاد:** هوم؟

**باب:** آیا رنج‌های مسیح -

<sup>1</sup> śiṣyas

<sup>2</sup> apāpa-viddha

**شریلا پرابهوپاد:** این را توضیح دادم. او بازتاب‌های گناه‌آلود همه‌ی انسان‌ها را پذیرفت و برای آن رنج کشید.  
**باب:** که اینطور.

**شریلا پرابهوپاد:** او گفته است - این در انجیل آمده است - او بازتاب همه‌ی اعمال گناه‌آلود انسان‌ها را پذیرفته و زندگی خود را قربانی کرده است. اما این مسیحی‌ها این را تبدیل کرده‌اند به یک قانون برای مسیح، که او رنج برد در حالی که آنها به انجام تمام اعمال مهم‌ی می‌پردازند. [باب خنده کوتاهی می‌کند] چه احمق‌های بزرگی! آنها می‌گذارند عیسی مسیح قرارداد ببندد که گناهان آنها را بگیرد تا آنها به انجام همه‌ی اعمال مهم‌ی بپردازند. این مذهب آنان است. عیسی مسیح بسیار بزرگوار بود که گناهان آنها را گرفته و خود رنج کشید، اما این آنها را وادار نکرد که به گناهان خود را پایان دهند. آنها به این نتیجه نرسیدند. بلکه آن را بسیار ساده تلقی کردند: "عیسی مسیح رنج می‌کشد و ما به انجام کارهای مهم‌ی می‌پردازیم." این طور نیست؟  
**باب:** همین طور است.

**شریلا پرابهوپاد:** آنها باید خجالت‌زده باشند: "عیسی مسیح به خاطر ما رنج کشید، ولی ما به اعمال گناه‌آلود خود ادامه می‌دهیم." او به همه گفت: "شما نباید بکشید." ولی آنها به کشتن مشغولند و فکر می‌کنند عیسی مسیح شفاعت آنها را می‌کند و تمام بازتاب‌های گناه‌آلود آنها را می‌گیرد. این است آنچه که امروز روی می‌دهد. ما باید بسیار دقت کنیم. برای اعمال گناه‌آلود من پیر روحانی من رنج خواهد کشید، پس من حتی کوچک‌ترین عمل گناه‌آلودی انجام نخواهم داد. این وظیفه‌ی شاگرد است. پس از تشرف تمام بازتاب‌های گناه‌آلود تمام خواهند شد. حال اگر او دوباره عمل گناه انجام دهد، پیر روحانی او رنج خواهد کشید. شاگرد باید همدردی کند و این امر را در نظر گیرد. برای اعمال گناه‌آلود من پیر روحانیم رنج خواهد کشید. اگر پیرروحانی بیمار شود به دلیل اعمال گناه‌آلود سایرین است. "شاگردان بسیار نپذیرید." اما ما این کار را می‌کنیم، چون داریم موعظه می‌کنیم. عیبی ندارد ما رنج خواهیم کشید، ولی باید آنها را بپذیریم. بنابراین سؤال تو درباره‌ی اینکه وقتی من رنج می‌کشم، آیا به خاطر اعمال گذشته من است؟ آیا نیست؟ این اشتباه من است که شاگردان احمقی را پذیرفته‌ام. این اشتباه من است.

**باب:** آیا این اغلب اتفاق می‌افتد؟



**شریلا پرابهوپاد:** بله. این قطعاً اتفاق می‌افتد. چون ما داریم انسان‌های بسیاری را می‌پذیریم. این وظیفه‌ی شاگرد است که دقت کند. پیر روحانی من را نجات داده است، من نباید دوباره سبب رنج او شوم. زمانی که پیر روحانی در رنج است کریشنا او را نجات می‌دهد. کریشنا می‌پندارد: "اوه، او مسئولیت بسیاری برای رهایی ارواح فروافتاده پذیرفته است." پس کریشنا آن جاست.

*kaunteya pratijānīhi  
na me bhaktaḥ pranaśyati*

[ب.گ. ۳۱/۹]

"ای پسر کونتیی، شجاعانه اعلام کن که عابدین من نابود نخواهند شد." زیرا پیر روحانی با تکیه به کریشنا خطر را می‌پذیرد.

**باب:** رنج‌های شما از نوع این دردها نیست؟

**شریلا پرابهوپاد:** نه. اینها به دلیل کارما نیست. درد گاهی هست، پس شاگردان

می‌توانند بفهمند که به دلیل اعمال گناه‌آلود آنان پیر روحانشان رنج می‌کشد.

**باب:** شما در حال حاضر خیلی سرحال به نظر می‌آیید.

**شریلا پرابهوپاد:** من همیشه خوب هستم ... به این معنی که حتی اگر رنج باشد،

می‌دانم که کریشنا از من محافظت می‌کند. ولی این رنج به دلیل اعمال گناه‌آلود من نیست.

**باب:** اما اجازه دهید این طور بگوییم - در شهری که من زندگی می‌کنم، من از آب

جوشیده استفاده می‌کنم چون برخی از آب‌ها بیماری دارند. چرا باید آب جوش بخورم اگر

آنقدر خوب بوده‌ام که بیمار نشوم؟ پس می‌توانم هر آبی بخورم. و اگر به درستی عمل نکنم،

در هر حال بیمار می‌شوم.

**شریلا پرابهوپاد:** تا زمانی که در دنیای مادی به سر می‌بری، نمی‌توانی قوانین فیزیک

را رد کنی. فرض کن به یک جنگل بروی و در آن جا یک ببر باشد. معلوم است که او به تو

حمله می‌کند. پس چرا باید داوطلبانه جلو بروی و مورد حمله قرار بگیری؟ این طور نیست که

عابد باید خطرات جسمانی را تا زمانی که بدن مادی دارد بپذیرد. این یک مبارزه با قوانین

فیزیکی نیست: "من یک عابد شده‌ام. همه چیز را به مبارزه می‌طلبم." این حماقت است.

*anāsaktasya viṣayān  
yathārham upayun̄jataḥ*

*nirbandhaḥ kṛṣṇa-sambandhe  
yuktaṁ vairāgyam ucyate*

[بهاکتی-راسامریتا-سیندهو ۲/۱/۲۵۵]

به عابد توصیه شده است که نیازهای زندگی را بدون دلبستگی بپذیرد. او آب جوشانده می‌نوشد، ولی اگر آب جوشانده موجود نباشد آیا دیگر آب نمی‌نوشد؟ اگر نباشد آب معمولی خواهد نوشید. ما پراساد کریشنا را می‌خوریم، ولی در حین سفر، گاه ناچار می‌شویم در هتل غذا بخوریم. آیا چون فردی عابد است باید با خود بیاندیشد که "من هیچ چیزی در هتل نمی‌خورم و گرسنگی می‌کشم؟" اگر من گرسنگی بکشم بعد ضعیف می‌شوم و قادر به موعظه نخواهم بود.

**باب:** آیا عابد بخشی از شخصیت خود را از دست می‌دهد که -

**شریلا پرابهوپادا:** نه، او فردیت کامل خود را برای ارضای کریشنا دارد. کریشنا فرموده است: "شما به من تسلیم شوید." پس او داوطلبانه تسلیم می‌شود. به این معنا نیست که فردیت خود را از دست می‌دهد. او فردیت خویش را نگاه می‌دارد. درست مانند آرجونا در آغاز، او می‌خواست به دلیل شخصیت خود از جنگ اجتناب کند. اما زمانی که کریشنا را به عنوان پیر روحانی خود پذیرفت، شیشیا (شاگرد) شد. آنگاه هر آنچه کریشنا فرمود، او پذیرفت. این بدان معنی نیست که او فردیت خود را از دست داد. او داوطلبانه پذیرفت که "هرچه کریشنا بگوید من باید بپذیرم." درست مثل همه شاگردان من آنها فردیت خود را از دست نداده‌اند، اما فردیت خود را تسلیم نموده‌اند. این لازم است. مثلاً مردی را در نظر بگیرید که سکس ندارد. این بدان معنا نیست که او ناتوان است. اگر بخواهد می‌تواند هزار بار رابطه‌ی جنسی داشته باشد، اما او به میل خود از آن اجتناب می‌کند. پارام دریشتوا نیوارتاته<sup>۱</sup> (ب.گ. ۵۹/۹): او مزه‌ی بالاتری را چشیده است. ما گاه روزه می‌گیریم، ولی این بدان معنی نیست که بیمار هستیم. به این معنی هم نیست که من نمی‌توانم غذا بخورم یا گرسنه نیستم. بلکه ما به میل خود روزه می‌گیریم.

**باب:** آیا عابدی که تسلیم می‌شود سلیقه‌ی فردی خود را حفظ می‌کند؟

**شریلا پرابهوپادا:** آه، به طور کامل.

**باب:** سلیقه برای چیزهای مختلف؟

<sup>1</sup> *Param dr̥ṣṭvā nivartate*

**شریلا پرابهوپاد: ها؟**

**باب:** آیا او علایق فردی خود را حفظ می‌کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، او همه چیز را حفظ می‌کند. اما ارجحیت را به کریشنا می‌دهد.

فرض کن من این را دوست دارم، اما کریشنا گفته است: "نه، تو نمی‌توانی از آن بهره ببری." آنگاه نباید از آن استفاده کنم. این برای کریشناست.

*nirbandhaḥ kṛṣṇa-sambandhe  
yuktaṁ vairāgyam ucyate*

کریشنا فرموده است: "من اینها را دوست دارم." پس، ما باید آنچه را که کریشنا دوست دارد به او تقدیم کنیم و بعد خود پراساد بخوریم. کریشنا رادهارانی را دوست دارد. به همین دلیل همه گویی‌ها سعی می‌کنند رادهارانی را به کریشنا نزدیک کنند.<sup>۱</sup> کریشنا این گویی<sup>۱</sup> را دوست دارد، پس او را به سمت کریشنا هدایت کنید." این کریشنا آگاهی است. برای ارضای حواس کریشنا، نه ارضای حواس خودم. این بهاکتی است. این پرما گفته می‌شود، عشق به کریشنا. "آه، کریشنا این را دوست دارد، من باید این را به او بدهم."

**باب:** مقداری پراساد هست. تقدیم شده است و بعد ما می‌خوریم و می‌خوریم، پراسادهای

مختلفی سرو می‌شود. برخی را من دوست دارم، برخی مطابق سلیقه‌ی من نیست.

**شریلا پرابهوپاد:** نباید این کار را بکنی. کمال این است که هرآنچه به کریشنا تقدیم

شده است بپذیری. این کمال است. تو نمی‌توانی بگویی: "من این را دوست دارم، این را دوست ندارم." تا زمانی که چنین تفاوتی قائل شوی، به این معناست که پراساد را تحسین نمی‌کنی.

**یک عابد:** اگر کسی درباره‌ی دوست داشتن و دوست نداشتن صحبت کند چه؟ مثلاً در

حین تهیه پراساد.

**شریلا پرابهوپاد:** نه ... ، نه ... هرچه کریشنا دوست دارد خوب است.

**یک عابد:** بله. ولی فردی دارد یک غذایی آماده می‌کند، مقداری پراساد برای کریشنا،

اما آن را خیلی خوب درست نمی‌کند و آن.

<sup>1</sup> gopī

**شریلا پرابهوپاد:** نه، اگر صادقانه و با عبودیت آماده شود کریشنا آن را دوست دارد. مانند ویدورا<sup>۱</sup>. ویدورا به کریشنا موز می‌داد اما آنقدر جذب شده بود که موزها را می‌انداخت دور و پوست موز را می‌داد به کریشنا و کریشنا آنها را می‌خورد. [همه می‌خندند] کریشنا می‌دانست که او با عبودیت موز را اهدا می‌کند و کریشنا هر چیزی را که با عشق آماده شده باشد می‌تواند بخورد. مهم نیست که آیا از نظر مادی خوشمزه است یا نه. به همین صورت عابد پراساد کریشنا را چه از نظر مادی خوشمزه باشد یا نباشد، می‌خورد. ما باید همه چیز را بپذیریم.

**یک عابد:** اما اگر عبودیت نباشد، مثل هند ...

**شریلا پرابهوپاد:** اگر عشق نباشد، او هیچ غذایی را چه خوشمزه و چه بدمزه دوست ندارد. او آن را نمی‌پذیرد.

**یک عابد:** در هند ... یک نفر.

**شریلا پرابهوپاد:** اوه، هند، هند. از هند صحبت نکنید. از فلسفه صحبت کنید. اگر عبودیت نباشد، کریشنا هیچ چیز را نمی‌پذیرد چه در هند، چه در کشور شما. خداوند کریشنا مجبور نیست چیزی را بپذیرد چون فقط خوشمزه است. کریشنا غذاهای بسیار خوشمزه‌ای در وایکوتها<sup>۲</sup> دارد. او به دنبال غذای شما نیست. او عشق شما، بهاکتی را می‌پذیرد. امر مهم عشق است، نه غذا. کریشنا هیچ غذایی از این دنیای مادی را نمی‌پذیرد. او فقط عشق را می‌پذیرد.

*patraṁ puṣpaṁ phalaṁ toyam  
yo me bhaktyā prayacchati  
tad ahaṁ bhakty-upahṛtam  
aśnāmi prayatātmanah*

[ب.گ. ۲۶/۹]

[چنانچه فردی یک برگ، گل، میوه یا آب را با عشق به من تقدیم کند، من آن را می‌پذیرم.] "چون از روی عشق و عبودیت به من تقدیم شده است آن را می‌پذیرم." این لازم است. برای همین ما به کسی که عابد نشده است اجازه نمی‌دهیم آشپزی کند. چرا خداوند

<sup>1</sup> Vidura

<sup>2</sup> Vaikuṅṭha

باید بپذیرد؟ او گرسنه نیست، او به غذا احتیاج ندارد. او تنها عبودیت را می‌پذیرد. همین نکته‌ی مهم این است. پس فرد باید عابد شود نه آشپز خوب. اما اگر عابد باشد، آنگاه آشپز خوبی نیز خواهد شد. برای همین فرد فقط باید یک عابد خوب شود، آنگاه همه‌ی ویژگی‌های خوب نیز خود به خود در او ظاهر می‌شوند. و اگر عابد نباشد هیچ ویژگی خوبی هیچ ارزشی ندارد. او در سطح ذهن است و بنابراین هیچ ویژگی خوبی ندارد. [مکت طولانی]

**شریلا پرابهوپاد:** ساعت چند است؟

**شیاماسوندر:** ۶.

**شریلا پرابهوپاد:** سؤال و جواب لازم است. برای همه مفید خواهد بود.

**باب:** من هنوز سؤالی درباره‌ی پراساد دارم.

*munayah sādhu pṛṣṭo 'haṁ  
bhavadbhir loka-maṅgalam  
yat kṛtaḥ kṛṣṇa-sampraśno  
yenātmā suprasīdati*

[ش.ب. ۵/۲/۱]

[“ای قدیسی، شما به درستی پرسش‌های مناسبی را از من پرسیدید. پرسش‌های شما با اهمیت هستند، چون در رابطه با خداوند کریشنا می‌باشند و بنابراین به نفع همه جهان است. تنها این گونه پرسش‌ها قادرند روح را راضی کنند.”] کریشنا-سامپراشنا<sup>۱</sup>، این بسیار خوب است. زمانی که شما صحبت می‌کنید و می‌شنوید، آن لوکا-مانگالام<sup>۲</sup> است و برای همه مقدس است. هم سؤال‌ها و هم جواب‌ها.

**باب:** من هنوز خیلی درباره‌ی پراساد نمی‌فهمم. اما اگر بخواهید می‌توانم به آن فکر کنم

و فردا بپرسم.

**شریلا پرابهوپاد:** پراساد، همیشه پراساد است. اما چون ما به حد کافی والا نیستیم

برخی پراسادها را دوست نداریم.

**باب:** فهمیدم چی می‌خواهم بگویم، برخی خیلی تند هستند و به مزاج من سازگار نیستند.

<sup>1</sup> Kṛṣṇa-sampraśnaḥ

<sup>2</sup> loka-maṅgalam

**شریلا پرابهوپاد:** این نیز به این دلیل است که پراساد را تحسین نمی‌کنی، ولی آشپزها باید نکاتی را در نظر بگیرند. بهترین غذا باید به کریشنا تقدیم شود. پس اگر فردی بدترین غذاها را تقدیم کند، وظیفه‌ی خود را انجام نداده است. اما کریشنا می‌تواند هر چیزی را که توسط عابد اهدا می‌شود بپذیرد و عابد نیز می‌تواند هر پراسادی را حتی اگر تند باشد بپذیرد. هیرانیاکاشیپو<sup>۱</sup> به پسرش سم داد و پسرش آن را به کریشنا تقدیم کرد و سپس آن را همچون شهد نوشید. پس پراساد حتی اگر برای دیگران خیلی تند باشد، برای عابد بسیار خوشمزه خواهد بود. تند بودن که مسئله‌ای نیست، او زهر را تقدیم کرد، زهر واقعی. و پوتانای دیو<sup>۲</sup> نیز به کریشنا زهر تقدیم کرد. اما کریشنا آنقدر مهربان بود که با خود اندیشید: "او مرا مانند مادرم گرفت." پس زهر را از او گرفت و او را رستگار کرد. کریشنا روی زشت ماجرا را ندید. انسان خوب هیچ وقت روی زشت را نمی‌بیند و تنها خوبی‌ها را می‌بیند. درست مانند یکی از برادران روحانی بزرگ من، او می‌خواست با گورو ماهاراج<sup>۳</sup> من تجارت کند، اما گورو ماهاراج روی بد را ندید. او فکر کرد: "او پیش قدم شده است که به من خدمتی کند."

**باب:** تجارت با ... کی؟

**شریلا پرابهوپاد:** درباره‌ی گورو ماهاراجم صحبت می‌کنم.

**باب:** آه بله. من یک سؤال دیگر درباره‌ی پراساد دارم اگر اشکالی ندارد. فرض کنیم یک عابد بیماری دارد و نوعی غذا را نمی‌خورد. مثلاً به دلیل مشکلات کبدی گی نمی‌خورد. آیا این عابدین باید همه پراسادها را بخورند؟

**شریلا پرابهوپاد:** نه، نه. آنهايي که عابدین کامل نیستند تفاوت قائل می‌شوند. اما برای عابد کامل تفاوتی ندارد. چرا باید تو از یک عابد کامل تقلید کنی؟ تا زمانی که تمایز قائل می‌شوی، عابد کامل نیستی. پس چرا باید به طور مصنوعی از یک عابد کامل تقلید کنی و همه چیز را بخوری؟

**باب:** اوه.

**شریلا پرابهوپاد:** نکته این است که عابد کامل هیچ تمایزی قائل نمی‌شود. هر چه به کریشنا تقدیم شده، شهد است. همین. کریشنا همه چیز را از عابد خود می‌پذیرد. "هر آنچه که

<sup>1</sup> Hiranyakaśipu

<sup>2</sup> Pūtānā Rākṣasī

<sup>3</sup> Guru Mahārāja

توسط عابدم به من تقدیم شود،" او می‌پذیرد. عین همین موضوع برای عابد نیز صادق است. متوجه نکته شدی؟ عابد کامل هیچ تمایزی قائل نمی‌شود. اما اگر من عابد کامل نیستم و هنوز تمایز بین چیزها را در نظر می‌گیرم، چرا باید از عابد کامل تقلید کنم؟ ممکن است هضم همه چیز برای من ممکن نباشد، چون عابد کامل نیستم. عابد نباید احمق باشد. گفته شده است:

*kṛṣṇa ye bhaje se baḍa catura*

پس عابد موقعیت خود را می‌شناسد، و به اندازه کافی هوش دارد تا با دیگران به طور مناسب رفتار کند.

## عمل در دانش به کریشنا

۲۹ فوریه ۱۹۷۲ (ادامه، شب)

**یک مرد هندی:** با چه نوع اعمالی می‌توان کارمای خوب به دست آورد؟  
**شریلا پرابهوپاد:** کارمای خوب یعنی آنچه که در وداها توصیه شده است. در وداها به طور مشخص توصیه شده است که فرد باید *یاگیا* انجام دهد. *یاگیا* به معنای انجام اعمالی برای رضایت ویشنو، شخصیت متعال خداوند، است. بنابراین کارمای خوب یعنی انجام *یاگیا* به گونه‌ای که در متون ودایی توصیه شده است. و هدف از انجام *یاگیا* راضی نمودن خداوند متعال است. شهروندان خوب و قانونمند کسانی هستند که با اعمال خود دولت را راضی می‌کنند. متأسفانه تمدن مدرن حتی نمی‌داند شخصیت متعال خداوند کیست، چه رسد به صحبت درباره‌ی راضی نمودن او. انسان‌ها نمی‌دانند. آنها تنها به انجام فعالیت‌های مادی مشغول می‌باشند. به همین دلیل همه‌ی آنها تنها کارمای بد تولید می‌کنند و رنج می‌برند. کوری عصاکش کوری دیگر شده است. و همه‌ی آنها به دلیل کارمای بد در رنج هستند. درک این موضوع بسیار ساده است. چنانچه مرتکب گناه شوید، رنج خواهید برد. چنانچه کار نیکی برای مملکت و انسان‌ها انجام دهید آنگاه سرشناس می‌شوید، گاه لقب نیز خواهید گرفت. کارمای خوب و بد همین است. پس کارمای خوب یعنی شما از برخی شادی‌های مادی لذت می‌برید و کارمای بد یعنی از عذاب‌های مادی رنج خواهید برد. با کارمای خوب در خانواده خوبی متولد می‌شوید، پول و ثروت کسب می‌کنید، دانشمند و تحصیل‌کرده و البته زیبا می‌شوید.

[زمانی سپری می‌شود]

**باب:** اما در مورد فردی که در مورد خدا بسیار نمی‌داند، ...



**شریلا پرابهوپاد:** او یک حیوان است. حیوان نمی‌داند چه چیز خوب است. انسانی که نمی‌داند خداوند کیست و تلاشی نیز نمی‌کند تا بفهمد خداوند کیست، حیوانی بیش نمی‌باشد. حیوانات، چهار پا دارند و این انسان‌ها حیوانات دویا هستند. و نظریه‌ی داروین این است که آنها میمون هستند. پس کسی که نمی‌داند خداوند کیست و تلاشی نیز برای شناخت او نمی‌کند، حیوانی بیش نیست.

**باب:** افراد معصوم<sup>۱</sup> چگونه؟

**شریلا پرابهوپاد:** یک حیوان بسیار معصوم است. اگر گلوی او را ببرید، اعتراضی نخواهد کرد. پس معصومیت ویژگی بسیار خوبی نیست. همه حیوانات معصوم هستند. به همین دلیل شما این شانس را دارید که گلوی آنها را ببرید. پس معصوم شدن ویژگی بسیار خوبی نیست. از نظر ما فرد باید بسیار بسیار باخرد باشد تا بتواند کربشنا را درک کند. معصوم، نادان و ساده بودن ویژگی‌های بسیار خوبی نیستند. سادگی خوب است، ولی فرد نباید بی‌خرد باشد.

**باب:** می‌شود دوباره بفرمایید خرد چیست؟

**شریلا پرابهوپاد:** خرد یعنی ... کسی که می‌داند خودش کیست، این دنیا چیست، خداوند کیست، و روابط همه‌ی اینها با هم چیست، فردی خردمند است. حیوان نمی‌داند کیست. او فکر می‌کند که این بدن است. به طور مشابه هرکسی که نداند کیست، خردمند نیست.

**باب:** فردی که تلاش می‌کند عمل خوب انجام دهد و به جای اینکه از اعمال خود ناآگاه باشد بر آنها بسیار آگاه است چه؟ مانند خادمی که به ارباب خود بسیار وفادار است ولی می‌داند که اگر وفادار نباشد اخراج خواهد شد. اگر او در هر حال وفادار بماند... چنین انسانی؟ آیا این نوعی کارمای خوب است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله صادق بودن نیز کارمای خوب است. این که چگونه انسان خوبی شویم بسیار استادانه در بهاگاواد-گیتا تشریح شده است:

*daivī sampad vimokṣāya  
nibandhāyāsūrī matā*

<sup>1</sup> innocent

[ب.گ. ۵/۱۶]

بنابراین اگر شما دارای دایوی سامپاد<sup>۱</sup> (ویژگی‌های متعال) شوید، آنگاه ویموکشایا<sup>۲</sup>، رها خواهید شد. و نیباندایاسوری<sup>۳</sup>، اگر دارای صفات شیطانی شوید بیشتر و بیشتر گرفتار خواهید شد. متأسفانه تمدن جدید معنای رهایی و گرفتاری را نمی‌داند. آنها بسیار نادان هستند. آنها نمی‌دانند. فرض کنید من از شما بپرسم منظورتان از رهایی چیست؟ آیا می‌توانید پاسخ دهید؟ [پاسخی داده نمی‌شود] و اگر از شما بپرسم منظورتان از گرفتار شدن چیست؟ آیا می‌توانید پاسخ دهید؟ [پاسخی داده نمی‌شود]. این کلمات در ادبیات ودایی آمده‌اند؛ رهایی و گرفتاری. اما در زمان حال مردم حتی نمی‌دانند رهایی چیست و گرفتاری چیست. آنها بسیار نادان و احمق هستند و با این حال به پیشرفت خود در علم بسیار غره می‌باشند. آیا تو می‌توانی بگویی رهایی چیست؟ تو یک استاد و معلم هستی اما اگر از تو بپرسم رهایی چیست، آیا می‌توانی پاسخ گویی؟

**باب:** نه قطعاً. چون اگر می‌توانستم توضیح دهم، آنگاه خیلی سریع رها می‌شدم.

**شریلا پرابهوپاد:** ولی اگر ندانی رهایی چیست آنگاه چطور رها می‌شوی؟ چه کند، چه سریع؟ [همه می‌خندند] جای بحثی در رهایی نیست. رهایی نه سریع است نه کند. ابتدا باید بدانید رهایی چیست. اگر ندانید قطار به کجا می‌رود آنگاه چه اهمیتی دارد که بپرسید یا بفهمید که آیا قطار سریع می‌رود یا کند؟ شما مقصد خود را نمی‌دانید. رهایی چیست؟

**باب:** اممم ...

**شریلا پرابهوپاد:** دارم سؤال می‌کنم. تو هر روز از من سؤال می‌کنی. حال من از تو

می‌پرسم.

**باب:** [با خنده] آه. باشه ... یک لحظه فکر کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** رهایی در شریمادبهاگواتام شرح داده شده است. لغت دقیق رهایی

در سانسکریت موکتی<sup>۴</sup> است. و بدین صورت در شریماد بهاگواتام شرح داده شده است:

*muktir hitvānyathā rūpam*

<sup>1</sup> *daivī sampad*

<sup>2</sup> *vimokṣāya*

<sup>3</sup> *nibandhāyāsūrī*

<sup>4</sup> *mukti*

## svarūpena vyavasthitih

[ش.ب. ۶/۱۰/۲]

فرد باید انجام تمام کارهای بی‌معنی را متوقف سازد و در موقعیت اصلی خود استقرار یابد. حال مشکل‌تر نیز شد. چون هیچ کس نمی‌داند موقعیت اصلی او چیست و چگونه باید عمل مناسب انجام دهد. از آن‌جایی که انسان‌ها نمی‌دانند عمل مناسب چیست، به صورت‌های مختلف عمل می‌کنند. نسل جدید نسبت به زندگی خود بسیار نادان است. این وضعیت اسفناکی است. آنها نمی‌دانند.

**باب:** می‌شود لطفاً به من بگویید چه کسی صادق است؟

**شریلا پرابهوپاد:** اگر فردی نداند صداقت چیست، چگونه می‌تواند صادق باشد؟ اما اگر بدانید صداقت چیست، آنگاه می‌توانید صادق باشید. صداقت چیست؟ قبل از هر چیز توضیح بده.

**باب:** | ... صداقت یعنی انجام آنچه که واقعاً می‌پندارید صحیح است.

**شریلا پرابهوپاد:** یک دزد با خود فکر می‌کند: "من باید دزدی کنم تا فرزندانم را سیر کنم، این کار صحیحی است." آیا این بدان معناست که او صادق است؟ همه فکر می‌کنند. قصاب فکر می‌کند: "این زندگی من است. من باید گلوی حیوانات را روزانه ببرم." درست مثل همین، آن شکارچی کی بود؟ که نارادا مونی<sup>۱</sup> او را ملاقات کرد؟

**شیاماسوندارا:** مرگاری.

**شریلا پرابهوپاد:** بله، مرگاری<sup>۲</sup>. نارادا از او پرسید: "چرا بدین‌سان می‌کشی؟" و او پاسخ داد: "اوه، این شغل من است. پدرم آن را به من آموزش داده است." پس او این کار را صادقانه انجام می‌داد. پس حس صداقت بستگی به فرهنگ شخص دارد. فرهنگ دزد متفاوت است. او فکر می‌کند دزدی صادقانه است.

**باب:** پس صداقت چیست؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. این پرسش من بود. [همه می‌خندند] صداقت واقعی یعنی شما نباید به اموال فرد دیگری دست‌اندازی کنید. این صداقت است. برای مثال این میز من است.

<sup>1</sup> Nārada Muni

<sup>2</sup> Mṛgāri

اگر شما بخواهید در حال رفتن آن را با خود ببرید، آیا این صداقت است؟ از این رو ساده‌ترین تعریف برای صداقت آن است که شما نباید به حقوق دیگری تجاوز کنید. این صداقت است.

**باب:** پس کسی که صادق است در گونه‌ی نیکی قرار دارد؟ آیا درست است؟

**شریلا پرابهوپاد:** البته، البته. برای اینکه گونه‌ی نیکی یعنی دانش. پس اگر شما بدانید

که "این میز متعلق به من نیست، بلکه متعلق به سوامی جی<sup>۱</sup> است"، تلاش نمی‌کنید که آن را با خود ببرید. از این رو فرد باید بداند، کاملاً آگاه باشد آنگاه می‌تواند صادق باشد.

**باب:** پس الان شما گفتید گونه‌ی نیکی همان دانش خداوند است، اما یک نفر ممکن

است صادق باشد، بی آنکه دانش زیادی درباره‌ی خداوند داشته باشد.

**شریلا پرابهوپاد:** هوم؟

**باب:** بدون صادق بودن - بدون اینکه فکر کنند صادق هستند چون خداوند این طور

خواسته است، فقط احساس می‌کنند که باید صادق باشند.

**شریلا پرابهوپاد:** مم. خداوند آرزو دارد که همه صادق باشند. چرا او باید طور دیگری

بخواهد؟

**باب:** پس ... پس شما ممکن است خواسته‌ی خداوند را دنبال کنید بدون آنکه بدانید

این خواسته‌ی اوست؟ مثل کسی که در گونه‌ی ...

**شریلا پرابهوپاد:** نه، دنبال کردن بدون دانستن پوچ است. شما باید دستور خداوند را

بدانید. و اگر آن را دنبال کنید آنگاه این صداقت است.

**باب:** ولی فردی نمی‌تواند بدون اینکه خداوند را بشناسد صادق باشد؟

**شریلا پرابهوپاد:** خیر چون خداوند مالک متعال است، لذت‌برنده‌ی کل است، و برترین

دوست است. این گفته‌ی بهاگاواد-گیتاست. اگر فردی این سه مورد را بداند آنگاه او دانش

کامل دارد. فقط همین سه مورد: خداوند مالک همه چیز است، خداوند دوست همگان است، و

خداوند لذت‌برنده‌ی کل است. برای مثال همه می‌دانند که در بدن شکم لذت‌برنده است، نه

دستان، نه پاها، نه چشم‌ها و نه گوش‌ها. همه‌ی آنها وجود دارند که به شکم کمک کنند.

چشم‌ها. کرکس ۷ مایل بالا می‌رود تا ببیند کجا برای شکمش غذا هست؟ درست است؟

**باب:** همین طور است.

<sup>1</sup> Swāmījī

**شریلا پرابهوپاد:** آنگاه بال‌ها به آن مکان پرواز می‌کنند، و فک‌ها غذا را می‌گیرند. همان طور که در این بدن شکم لذت‌برنده است، شخصیت مرکزی تمامی این تجلی کهکشانی - چه مادی و چه روحانی - کریشناست، خداوند است. او لذت‌برنده است. ما این را تنها با در نظر گرفتن بدن خود می‌توانیم درک کنیم. این بدن نیز مخلوق است. بدن نیز همان ماهیت سازوکاری را دارد که در همه‌ی کائنات ملاحظه می‌کنید. این نظام سازوکار در هر جای دیگر، حتی در حیوانات نیز قابل مشاهده است. در بدن انسان یا در تجلی جهان نیز همین سازوکار وجود دارد. پس می‌توانید ببینید که در این بدن، در هر بدنی، در بدن خودتان، شکم لذت‌برنده است. یک لذت‌برنده‌ی مرکزی وجود دارد. و شکم البته دوست شما نیز هست. برای اینکه اگر شما نتوانید غذا را هضم کنید، آنگاه اعضای دیگر بدن شما نیز ضعیف می‌شوند. برای همین شکم دوست شماست. غذا را هضم می‌کند و به تمام اعضای دیگر بدن نیز انرژی می‌رساند. این طور نیست؟

**باب:** همین طور است.

**شریلا پرابهوپاد:** به طور مشابه شکم مرکزی همه‌ی خلقت، خداوند یا همان کریشناست. او لذت‌برنده است، او دوست است، و به عنوان مالک کل او نگهدارنده‌ی همه چیز است. درست مثل پادشاه که می‌تواند تمام شهروندان کشور را حفظ کند، چون او مالک است. بدون اینکه فردی مالک باشد چگونه ممکن است دوست همگان باشد. پس این موارد باید درک شوند. کریشنا لذت‌برنده است، کریشنا مالک است، و کریشنا دوست است. اگر شما این سه مورد را بدانید آنگاه دانش شما کامل است و نیازی به درک هیچ چیز دیگر ندارید.

*yasmin vijñāte sarvam evaṁ vijñātaṁ bhavati*

[مونداکا اوپانیشاد ۱. ۳]

اگر شما به همین سادگی کریشنا را با این سه فرمول درک کنید، آنگاه دانش شما کامل خواهد بود. شما به هیچ دانش دیگری نیاز ندارید. اما انسان‌ها نمی‌پذیرند: "چرا کریشنا باید مالک باشد؟ هیتلر باید مالک باشد. نیکسون ...". این اتفاقی است که می‌افتد. برای همین شما در مشکل هستید. اما تنها اگر این سه مورد را درک کنیم، آنگاه دانش ما کامل است. اما شما نمی‌پذیرید. بلکه اشکالات بسیار در درک این سه مورد پیش می‌آورد و این دلیل دشواری کار ماست. اما در بهاگاواد-گیتا آشکارا بیان شده است:

*bhoktāraṁ yajña-tapasām*

*sarva-loka-maheśvaram  
suhṛdaṁ sarva-bhūtānām  
jñātva mām śāntim ṛcchati*

[ب.گ. ۲۹/۵]

"شخصی که در آگاهی کامل به من واقع شده است و مرا به عنوان بهره‌برنده‌ی غایبی از تمام قربانی‌ها و ریاضت‌ها، خداوند تمام سیارات و فرشتگان و حامی و خیرخواه تمام موجودات زنده می‌شناسد، از رنج‌های شدید مصائب مادی آسوده می‌گردد." اما این را اجرا نمی‌کنیم. ما باید مالکان دروغین بسیار، دوستان دروغین بسیار، لذت‌برندگان دروغین بسیار بسازیم تا با یکدیگر بجنگند. این موقعیت دنیاست. اگر این دانش آموزش داده شود و مردم آن را اجرا کنند، آنگاه بلافاصله صلح برقرار خواهد شد. این دانش است. و هرکس که این اصول را رعایت کند، صادق است. او ادعایی ندارد که "این مال من است." او همه چیز را می‌داند: "آه این مال کریشناست، همه چیز باید برای خدمت به کریشنا مورد استفاده قرار گیرد." این صداقت است. اگر این مداد مال من باشد ادب حکم می‌کند که شاگردانم از من بپرسند: "آیا من می‌توانم از این مداد استفاده کنم؟"، "بله می‌توانی." من نیز چنانچه بدانم که همه چیز متعلق به کریشناست، بدون اجازه او از هیچ چیز استفاده نمی‌کنم. این صداقت است. و این دانش است. کسی که نمی‌داند نادان است، احمق است. و فرد احمق جنایتکارانه عمل می‌کند. انسان به دلیل جهل قانون‌شکنی می‌کند. پس جهل، سعادت نیست. حماقت این است که درجایی که جهل سعادت به شمار می‌رود، خردمند باشیم. این دشوار است. تمام جهان از جهالت لذت می‌برد. و زمانی که شما درباره کریشنا آگاهی صحبت می‌کنید، خیلی قدر آن را نمی‌دانند. اگر من بگویم "کریشنا مالک است، شما مالک نیستید" شما خیلی راضی نخواهید بود. [همه می‌خندند] فقط بنگرید که چه گونه جهالت، سعادت به حساب می‌آید. پس این حماقت من است که حقیقت واقعی را بیان کنم. بنابراین حماقت است که درجایی که جهالت، سعادت محسوب می‌شود، خردمند باشی. پس ما داریم خطر آورده ساختن انسان‌ها را می‌پذیرم، و آنها ما را احمق می‌پندارند. اگر من به مرد ثروتمندی بگویم: "شما مالک نیستید. کریشنا مالک است، پس هر قدر پول داری آن را برای کریشنا خرج کن." او خشمگین خواهد شد.

*upadeśo hi mūrkhānām  
prakopāya na śāntaye*

"چنانچه به یک نادان آموزش دهید، او خشمگین خواهد شد." برای همین ما مثل گداها پیش می‌رویم، "خوب من می‌خواهم یک معبد بنا کنم. آیا شما می‌توانید مقداری پول به این معبد ببخشید؟" و او می‌پندارد "آه این‌جا یک گداست. کمی پول به او بدهید." [همه می‌خندند] اما اگر من بگویم "آقای محترم، شما میلیون‌ها دلار در اختیار دارید. این پول کریشناست. آن را به من بدهید. من خادم کریشنا هستم." آوه، او می‌خواهد ... [همه می‌خندند] او خیلی راضی نخواهد شد. در عوض، اگر من مثل یک گدا پیش روم، او مقداری پول به من خواهد داد. و اگر حقیقت را به او گویم، مقداری پول خرد نیز به من نخواهد داد. [همه می‌خندند] ما آنها را مانند گدایان متقاعد می‌کنیم. ما گدا نیستیم. ما خادمین کریشنا هستیم. هیچ چیز از هیچ کس نمی‌خواهیم. چون می‌دانیم کریشنا همه چیز را آماده خواهد کرد.

**باب: اوه.**

**شریلا پرابهوپاد:** این دانش است. برای مثال، یک کودک گاهی چیز مهمی را بر می‌دارد و ما ناچاریم او را فریب دهیم: "آه تو خیلی خوب هستی. لطفاً این لوزی‌ها را بگیر و این کاغذ را به من بده. آن هیچی نیست. فقط یک تیکه کاغذ است." و او می‌گوید: "اوه بله، بیا. اینها زیبا هستند." دو تیکه لوزی؟ خیلی زیبا و خوب هستند. ما هم ناچاریم همین کار را انجام دهیم. چرا؟ چون انسان‌ها با تصاحب پول‌های کریشنا می‌روند به جهنم. پس به نحوی مقداری پول از او بگیرید و او را در جنبش کریشنا آگاهی سهیم کنید.

**باب: و آنگاه او به جهنم نمی‌رود؟**

**شریلا پرابهوپاد:** بله. شما او را از رفتن به جهنم نجات می‌دهید. برای اینکه پول خردی که برای کریشنا خرج شود حساب خواهد شد: "اوه، این مرد پول خردی داده است." این آگیاتا-سوکرتی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود [عمل روحانی که فرد نادانسته انجام می‌دهد]. آنان بسیار کوتاه‌فکر هستند. به همین دلیل انسان مقدس حرکتی می‌کند تا کمی آنها را آگاه کند. تا به آنها این شانس را بدهد که به کریشنا خدمت کنند. این آموزش انسان مقدس است.

**باب: آن چیست؟**

**شریلا پرابهوپاد:** این وظیفه‌ی اوست. اما اگر او از انسان‌ها پول بگیرد و آن را صرف ارضای حواس خود کند، آنگاه به جهنم خواهد رفت. و تمام می‌شود. آنگاه او متقلب است،

<sup>1</sup> ajñāta-sukṛti

درواقع او جنایتکار است. شما نمی‌توانید پول خردی از کسی بگیرید و آن را برای ارضای حواس خود خرج کنید.

**باب:** من به کسانی که می‌شناسم و کریشنا آگاه نیستند فکر می‌کنم.

**شریلا پرابهوپاد:** کریشنا یعنی خداوند.

**باب:** آنها فقط کمی خدا آگاه هستند، اما با این حال این انسان‌ها تا حدی که هرگز از دیگران چیزی نمی‌گیرند صادق هستند. آنها تلاش می‌کنند با دیگران صادق باشند. آیا آنها ...

**شریلا پرابهوپاد:** او از دیگران نمی‌گیرد، اما از خداوند می‌گیرد.

**باب:** پس آنها انسان‌های نیمه خوب هستند؟

**شریلا پرابهوپاد:** هوم؟

**باب:** پس آنها انسان‌های نیمه خوب هستند؟

**شریلا پرابهوپاد:** خوب نه. اگر او این اصول را یاد نگیرد که خداوند مالک است و ...

چیزهای دیگران؟ منظورت از چیزهای دیگران چیست؟

**باب:** مثلاً، کسانی که من به آنها فکر می‌کنم، انسان‌های فقیری هستند که به پول نیاز دارند و غذا، اما ...

**شریلا پرابهوپاد:** همه به پول نیاز دارند. همه به آن نیاز دارند. کی فقیر نیست؟

نجیب‌زادگان بسیاری در این‌جا نشسته‌اند. کی به غذا و پول احتیاج ندارد؟ تو نیز به پول احتیاج داری. پس چگونه فقیر را از غنی تشخیص می‌دهی؟ همه به آن نیاز دارند. اگر این تعریف توست. اگر کسی به پول و غذا نیاز دارد، آنگاه همه به پول و غذا نیاز دارند. پس همه فقیرند.

**باب:** خوب، ولی، خوب من به کسانی فکر می‌کردم که نسبتاً فقیر هستند.

**شریلا پرابهوپاد:** نسبتاً، نسبتاً، ممکن است. تو گرسنه‌تر از من هستی. این بدان معنی

نیست که تو گرسنه نیستی یا من گرسنه نیستم. من الان احساس گرسنگی نمی‌کنم. این بدان معنی نیست که من هیچ وقت حس گرسنگی نمی‌کنم یا من گرسنه نیستم. الان ممکن است گرسنه نباشی. اما فردا گرسنه خواهی شد.



**باب:** چیزی که من حس می‌کنم، به هر حال این انسان‌ها، که ... همه‌ی اطرفیان آنها دزدی می‌کنند، اما آنها همچنان پایداری می‌کنند و دزدی نمی‌کنند. این انسان‌ها شایستگی این را دارند که اتفاق خوبی برای آنها بیافتد.

**شریلا پرابهوپاد:** اما کسی که می‌پندارد دزدی نمی‌کند باز هم دزد است. چون نمی‌داند همه چیز متعلق به کریشناست. بنابراین چه قبول کند یا نه او دزدی می‌کند.

**باب:** آیا کمتر از دزد نیست؟

**شریلا پرابهوپاد:** ممکن است ندانید که این بالاپوش متعلق به من است، اما اگر آن را بردارید آیا دزدی نمی‌کنید؟

**باب:** اما شاید اگر بدانم این مال شماسست و آن را بردارم دزد بدتری باشم تا اینکه ندانم مال کیست. ممکن است فکر کرده باشم مال هیچ کس نیست و آن را برداشته باشم.

**شریلا پرابهوپاد:** این نیز دزدی است. چون باید متعلق به کسی باشد. و تو آن را بدون اجازه برداشته‌ای. ممکن است دقیقاً ندانی مالک آن کیست اما می‌دانی که باید متعلق به کسی باشد. این دانش است. گاهی ما در خیابان چیزهای با ارزش بسیار می‌بینیم، وسایل دولت برای تعمیر خیابان‌ها یا کارهای الکتریکی. فردی ممکن است فکر کند: "آه خوشبختانه این چیزها این‌جا افتاده‌اند پس می‌توانم آنها را بردارم." آیا این دزدی نیست؟

**باب:** دزدی است.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. او نمی‌داند که همه اینها متعلق به دولت است. او آنها را برمی‌دارد. این دزدی است. آنگاه دستگیر و تنبیه می‌شود. هر آنچه که شما جمع می‌کنید نیز - مثلاً یک لیوان آب از رودخانه می‌نوشید - آیا رودخانه متعلق به شماسست؟

**باب:** نه.

**شریلا پرابهوپاد:** پس چی؟ این دزدی است. شما رودخانه را نیافریده‌اید. شما نمی‌دانید مالک آن کیست. بنابراین مال شما نیست. پس حتی اگر یک لیوان آب بنوشید بدون آنکه بدانید مالک آن کیست شما دزد هستید. پس ممکن است فکر کنید: "من صادق هستم"، اما در واقع شما دزد هستید. شما باید کریشنا را به یاد آورید. "آه کریشنا، این آفریده‌ی توست، پس لطفاً به من اجازه بده آن را بنوشم." این صداقت است. بنابراین یک عابد همیشه به کریشنا فکر می‌کند. در تمام اعمال: "آه، این مال کریشناست". این صداقت است. پس بدون کریشنا آگاهی همه رذل هستند، همه دزدند، همه پستند، همه غارتگرند. این کیفیات. بنابراین نتیجه

این است که هرکس کریشنا را نمی‌شناسد، هیچ ویژگی خوبی ندارد. نه دانش دارد و نه صادق است. بنابراین از انسان‌های درجه‌ی سوم است. آیا درست است؟ تو چه فکر می‌کنی گیریراج؟

**گیریراجا** [یکی از شاگردان]: بله.

**شریلا پرابهوپاد:** این تعصب نیست. واقعیت است. [زمانی می‌گذرد] پس متوجه شدی دانش و صداقت چیست؟

**باب:** به صورتی. به صورتی.

**شریلا پرابهوپاد:** و آیا راه دیگری هست؟ [باب می‌خندد] آیا راه دیگری هست؟ آن را تعریف کن! [باب دوباره می‌خندد. شریلا پرابهوپاد نیز می‌خندند.] راه دیگری؟ گیریراج؟

**گیریراج:** نه.

**شریلا پرابهوپاد:** آیا جایگزینی هست؟ ما هیچ حرفی که بتوان بر آن عیبی وارد کرد نگفتیم. این تجربه را داریم. در عوض ما همه را به مبارزه می‌طلبیم: "سؤالی هست؟" تاکنون کریشنا از ما محافظت کرده است. در جلسات بزرگ، کشورهای بزرگ، بعد از صحبت می‌پرسم: "سؤالی هست؟"

**باب:** الان سؤالی ندارم.

**شریلا پرابهوپاد:** در لندن، ما چند روز سخنرانی در آن، چی بود؟ سالن کانوی؟

**یک عابد:** دوازده روز. سالن کانوی.

**شریلا پرابهوپاد:** سالن کانوی.

**یک عابد:** دوازده روز.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. من بعد از هر جلسه می‌پرسیدم: "سؤالی هست؟"

**باب:** آیا سؤالات زیادی می‌پرسیدند؟

**شریلا پرابهوپاد:** اوه. بله. سؤالات احمقانه‌ی بسیار. [همه می‌خندند]

**باب:** اجازه دهید من یک سؤال دیگر بپرسم. احمق بودن یعنی چه؟

**شریلا پرابهوپاد:** کسی که دانش ندارد احمق در نظر گرفته می‌شود.

<sup>1</sup> Girirāja

<sup>2</sup> Conway Hall

**یک مرد هندی:** پرابهوپاد، من یک سؤال شخصی دارم می‌توانم بپرسم؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**مرد هندی:** چندی پیش در کلکته یک هفته‌ای را نام‌گذاری کرده بودند به نام "هفته‌ی

جلوگیری از خشونت علیه حیوانات".

**شریلا پرابهوپاد:** امم. [خنده کوتاه] این یک حماقت دیگر است. آنها تبلیغ جلوگیری از

خشونت می‌کنند، در حالی که هزاران کشتارگاه دارند. می‌بینید؟ این یک حماقت دیگر است.

**مرد هندی:** من فقط می‌خواستم بپرسم.

**شریلا پرابهوپاد:** پیرس، قبل از اینکه پیرسی من پاسخت را می‌دهم. [همه می‌خندند]

این یک حماقت دیگر است. آنها معمولاً با حیوانات بی‌رحم هستند و جامعه‌ای می‌سازند که ...

**باب:** شاید این.

**شریلا پرابهوپاد:** فرض کنید گروهی از دزدان تابلوی اعلانیه داشته باشند "گودمن<sup>۱</sup> و

شرکا" گاهی چنین تابلوهایی به چشمتان می‌خورد.

**شیاماسوندارا:** نام مالک معبد سان‌فرانسیسکو گودمن بود.

**شریلا پرابهوپاد:** فلسفه این است که اگر حیوانی به طور مناسب تغذیه نشود، این

خشونت به حساب می‌آید. پس به جای اینکه بگذاریم گرسنگی بکشند بهتر است آنها را

بکشیم. این نظریه‌ی آنهاست. این طور نیست؟

**باب:** بله.

**شریلا پرابهوپاد:** آنها می‌گویند "آه بهتر است آنها را بکشیم به جای اینکه کلی زجرش

بدهیم." این نظریه در کشورهای کمونیست پدید آمد. مرد پیری، یک پدر بزرگ رنج می‌کشد،

پس بهتر است او را بکشیم. و در آفریقا گروهی از انسان‌ها هستند که برای کشتن جدشان

جشن می‌گیرند. این طور نیست؟ بله.

**شیاماسوندارا:** آنها را می‌خورند؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله. [شیاماسوندارا می‌خندد] بله؟

<sup>1</sup> گودمن (goodman) به معنای مرد خوب

**یک عابد:** من یک عمه و شوهرعمه داشتم. آنها در ارتش بودند. زمانی که سفر می‌کردند، نمی‌توانستند سگشان را با خود ببرند. می‌گفتند "سگ بیچاره. قلبش می‌شکند که نمی‌تواند با ما باشد." پس او را بی هوش کردند و کشتند.

**شریلا پرابهوپاد:** گاندی نیز، او یک بار گوساله یا گاوی را کشت. او بسیار رنج می‌کشید. پس گاندی دستور داد: "به جای اینکه بگذارید رنج بکشد او را بکشید."

**گیریراج:** دیروز شما گفتید پیر روحانی ممکن است به دلیل گناهان مریدانش رنج کند. منظور شما از اعمال گناه‌آلود چه بود؟

**شریلا پرابهوپاد:** اعمال گناه‌آلود یعنی شما سوگند خورده‌اید: "من اصول تنظیم‌کننده را دنبال می‌کنم." اگر دنبال نکنید گناه است. این سوگند است. خیلی ساده. شما سوگند خود را می‌شکنید و اعمال ناشایست انجام می‌دهید. پس گناه‌کارید؟ این طور نیست؟

**گیریراج:** بله. [مکث] اما کارهایی نیز هستند که به ما تعلیم داده شده‌اند که انجام دهیم

...

**شریلا پرابهوپاد:** هوم؟

**گیریراج:** کارهای دیگری هستند که به ما آموزش داده شده انجام دهیم، اما با اینکه تلاش می‌کنیم نمی‌توانیم آنها را کامل انجام دهیم.

**شریلا پرابهوپاد:** چطور ممکن است؟ تلاش می‌کنید که انجام دهید اما نمی‌شود؟ چطور؟

**گیریراج:** مثل ذکر با توجه. گاهی تلاش می‌کنیم اما ...

**شریلا پرابهوپاد:** خوب این اشتباه نیست. فرض کنید شما تلاش می‌کنید کاری را انجام دهید. اگر به دلیل بی‌تجربگی خود گاه شکست بخورید این اشتباه نیست. شما دارید تلاش می‌کنید. آیه‌ای در شریما-د-بهاگواتام آمده است که می‌گوید چنانچه عابدی نهایت تلاش خود را بکند، اما به دلیل ناتوانی خود گاه شکست بخورد کریشنا او را می‌بخشد. و در بهاگوادگیتا نیز آمده است:

*api cet su-durācāro*

*bhajate mām ananya-bhāk*

[ب.گ. ۳۹/۹]

گاه نه عمداً ولی به دلیل عادات بد گذشته - عادت طبیعت دوم است - فرد اعمال بیهوده و بی‌معنایی انجام می‌دهد. اما این بدان معنا نیست که او گناهکار است. اما او باید پشیمان باشد. "من این کار را کردم." اما او باید تا جایی که ممکن است از آن پرهیز کند. اما عادت طبیعت دوم است. گاه علی‌رغم تلاش سخت شما، مایای بسیار قدرتمند با دام‌های خود فشار می‌آورد. این قابل بخشش است. کریشنا می‌بخشد. اما کسانی که کار بدی را به اراده‌ی خود و با تکیه بر اینکه من عابد هستم، انجام می‌دهند قابل بخشش نیستند. اگر من فکر کنم: "چون من ذکر می‌کنم، پس می‌توانم این کارهای بیهوده را نیز انجام دهم و آنها بی‌اثر خواهند بود"، این بزرگ‌ترین گناه است.

# ۸

## پیشرفت در کریشنا آگاهی

(تبادل نامه)

اسپرینگ فیلد، نیوجرسی

۱۲ ژوئن ۱۹۷۲

پرابهوپاد عزیز،

سجده‌های متواضعانه‌ی خود را تقدیم می‌دارم.

من با عابدین معبد نیویورک معاشرت می‌کنم. امید دارم از طریق معاشرت با چنین عابدین عالی و پیشرفته‌ای، خود نیز در کریشنا آگاهی پیشرفت کنم. نامزد من به تازگی به معبد می‌آید و کمی ذکر می‌کند. او درباره‌ی کریشنا آگاهی چیزی نمی‌داندست تا اینکه از هند برای او نامه‌ای نوشتم. آتریا ریشی<sup>۱</sup> لطف کرد و ما را به خانه خود دعوت نمود تا بتوانیم زندگی متأهلی ایده‌آل را نظاره کنیم.

در اواخر آوریل برای اتمام کار از طرف پیس کرپس<sup>۲</sup> به بمبئی رفتم. خوش شانس بودم و کمی بیمار شدم و به ناچار دو هفته در بمبئی ماندم. با عابدینی پیشرفته و مهربان زمانی را سپری کردم. متأسفانه پنج روز قبل شما آن‌جا را ترک کرده بودید.

درک من بسیار کم است، اما به روند کریشنا آگاهی ایمان دارم و امیدوارم که بیشتر و بیشتر به آن بپردازم.

من در انتظار توضیحات آتریا ریشی پیرامون معبد لس‌آنجلس هستم و امیدوارم شخصاً صدای شما را در نیویورک بشنوم.

---

<sup>1</sup> Atreya R̥ṣi

<sup>2</sup> Peace Corps

از لطفی که در حق پسر ناشایستی چون من دارید، سپاسگزارم.

ارادتمند

باب کوهن

آ. ج. بهاکتی ودانتا سوامی

ایسکان، لس آنجلس

۱۶ ژوئن ۱۹۷۲

باب عزیزم،

لطفاً دعاهای خیر مرا بپذیر. برای نامه‌ی مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۲ از تو بسیار متشکرم. من با خوشحالی به احساساتی که در آن بیان شده بود توجه کردم. از اینکه با ما معاشرت می‌کنی بسیار خوشحالم. می‌دانم که تو پسر بسیار خوب و بسیار باهوشی هستی و رفتارت بسیار نجیبانه است. بنابراین ایمان کامل دارم که به زودی کریشنا تمام الطاف خود را بر تو ارزانی خواهد داشت و خود حس خواهی کرد که در کریشنا آگاهی بسیار شاد خواهی بود. پیشرفت در کریشنا آگاهی برای فرد با رها کردن داوطلبانه‌ی دلبستگی‌های مادی یا مایا حاصل می‌شود. چنین انقطاعی تاپاسیا<sup>۱</sup> خوانده می‌شود. اما ما نمی‌خواهیم بدون دلایل مناسب ریاضت بکشیم. به همین دلیل هر انسانی با ذهن علمی و فیلسوفانه، مانند شخص تو، می‌باید ابتدا دانش روحانی را تحسین کند. چنانچه تو دانش کسب کنی تاپاسیا خود به خود به دنبالش خواهد آمد و آنگاه در زندگی روحانی خود پیشرفت خواهی کرد. بنابراین کسب دانش برای فردی که می‌خواهد به کمال زندگی دست یابد، نخستین گام است. بنابراین من به تو پیشنهاد می‌کنم که کتاب‌های ما را روزانه تا جایی که ممکن است مطالعه کرده و تلاش کنی تا موضوعات راه از طریق بحث درباره آنها با عابدین در معبد نیویورک، از زوایای گوناگون درک کنی. بدین ترتیب بالاخره قانع خواهی شد و با رفتار صمیمیانه و خدمت عابدانه خود پیشرفت خواهی کرد.

بله، کمی ایمان به من و به این روند کریشنا آگاهی اولین لازمه‌ی کسب خرد واقعی است. اگر ایمان باشد آنگاه درک به دنبال آن خواهد آمد. و درک شما که افزایش یابد، نفرت

شما از انرژی توهمی افزایش می‌یابد. و هنگامی که به میل خود گرفتاری‌های خود در دنیای مادی را رها کنید پیشرفت حتمی خواهد بود.

فکر می‌کنم که ما هم اکنون در حال تایپ نوارهای مکالماتی که در مایاپور با هم داشتیم، هستیم و باید آنها را به صورت کتاب چاپ کنیم. نام آن خواهد شد: پرسش‌های کامل، پاسخ‌های کامل<sup>۱</sup>. من یک نسخه از آن را به محض آماده‌ی پخش شدن برایت می‌فرستم. در ضمن من در راه خود به لندن برای جشن راتهایاترا دو یا سه روز در نیویورک خواهم بود. هنوز مطمئن نیستم چه زمانی وارد نیویورک خواهم شد، اما در اوایل جولای خواهد بود. تو می‌توانی با بالی ماردانا<sup>۲</sup> درباره‌ی تاریخ ورود من در تماس باشی و من از دیدن تو در نیویورک بسیار خوشحال خواهم شد. چنانچه باز هم سؤالاتی داشته باشی، دوباره می‌توانیم بحث کنیم. امیدوارم این نامه را در سلامت و شادمانی دریافت کنی.

خیرخواه همیشگی تو

آ. ج. بهاکتی ودانتا سوامی

<sup>1</sup> Perfect Questions, Perfect Answers

<sup>2</sup> Bali Mardana



## تصمیم‌گیری برای آینده

نیویورک، ۴ جولای ۱۹۷۲

**باب:** نامه‌ی بسیار پرلطف شما را دریافت کردم.

**شریلا پرابهوپاد:** اوه.

**باب:** تقریباً یک هفته پیش.

**شریلا پرابهوپاد:** تو پسر بسیار باهوشی هستی. با کمی تلاش قادر به درک این فلسفه خواهی بود. این بسیار مهم است. انسان‌ها برای ارضای حواس بسیار انرژی صرف می‌کنند. آنها از آنچه که در زندگی بعد پیش خواهد آمد، آگاه نیستند. زندگی بعدی وجود دارد. انسان‌های احمق از آن بی‌خبرند. این زندگی آمادگی است برای زندگی بعد. آنها این را نمی‌دانند. آموزش و پرورش مدرن و دانشگاه‌های آن نسبت به این دانش ساده در جهل هستند. بدن‌های ما هر لحظه تغییر می‌کنند؛ این یک واقعیت پزشکی است. پس از ترک این بدن ما باید بدن دیگری بگیریم. چگونه ما آن بدن را خواهیم گرفت؟ چه نوع بدنی را؟ این نیز قابل دانستن است. برای مثال، کسی که در حال تحصیل است، می‌داند که اگر امتحانات را بگذراند مهندس یا پزشک یا وکیل می‌شود. به طور مشابه، در این زندگی شما را خود را برای زندگی بعد آماده می‌کنید.

**باربارا:** [همسر باب] آیا می‌توانیم تصمیم بگیریم که در زندگی بعدی خود چه شویم؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، می‌توانید تصمیم بگیرید. ما تصمیم گرفته‌ایم که در زندگی بعدی پیش کریشنا برویم. این تصمیم ماست: بازگشت به خانه، بازگشت به منزلگاه خداوند. فرض کنید شما می‌خواهید تحصیل کنید. پس از آنکه تصمیم خود را گرفتید که می‌خواهید پزشک یا مهندس یا وکیل شوید، بر اساس آن تحصیل می‌کنید. به طور مشابه، می‌توانید تصمیم بگیرید در زندگی بعد خود چه شوید. اما اگر شما تصمیم نگیرید آنگاه طبیعت مادی برای شما تصمیم خواهد گرفت.

**باربارا:** آیا ممکن است من در زندگی قبل خود کریشنا آگاه بوده باشم؟  
**شریلا پرابهوپاد:** مهم نیست. ولی می‌توانی بشوی. از جنبش کریشنا آگاهی ما بهره  
 ببر.

**یک عابد:** سؤال او این است که آیا ممکن است در زندگی قبلی خود عابد کریشنا بوده  
 باشد و دوباره بازگشته باشد.

**شریلا پرابهوپاد:** اگر فردی عابد کامل کریشنا باشد، دوباره باز نخواهد گشت. اما اگر  
 کمی نقص داشته باشد، امکان بازگشت هست.

### *Sucinām śrīmatām gehe yoga-bhraṣṭo 'bhijāyate*

"یک یوگی ناموفق در یک خانواده‌ی مذهبی یا اشرافی به دنیا خواهد آمد." [ب.گ. ۴۱/۶]  
 خرد انسان قادر است برای آینده تصمیم بگیرد. این خرد انسانی است. حیوانات نمی‌توانند  
 تصمیم بگیرند. ما قدرت تشخیص داریم. اگر این کار را انجام دهم به سود من است، اگر آن  
 کار را انجام دهم به سود من نیست. این در زندگی انسانی وجود دارد. پس باید به طور مناسب  
 از آن استفاده کنید. شما باید بدانید هدف زندگی ما چیست و در راستای آن تصمیم بگیرید.  
 این تمدن انسانی است ...

**باربارا:** آیا شما تاکنون کریشنا را دیده‌اید؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**باربارا:** دیده‌اید؟

**شریلا پرابهوپاد:** هر روز. لحظه به لحظه.

**باربارا:** اما نه در بدن مادی؟

**شریلا پرابهوپاد:** او بدن مادی ندارد.

**باربارا:** خوب، در معبد این‌جا عکس‌هایی از کریشنا هست ...

**شریلا پرابهوپاد:** آن بدن مادی نیست. شما آن را مادی می‌بینید، چون دیدگان مادی  
 دارید. چون چشمان مادی دارید نمی‌توانید فرم روحانی را ببینید. بنابراین او با لطف خود در  
 بدن مادی ظاهر شده است تا شما بتوانید او را ببینید. اما چون او از روی لطف، خود را مناسب  
 دید شما کرده است دلیل بر این نیست که او بدن مادی دارد. فرض کنید رئیس جمهور ایالت  
 متحده به خانه‌ی شما بیاید. این بدان معنا نیست که موقعیت شما و موقعیت او یکی است.

این لطف اوست. او ممکن است به دلیل عشق خود به منزل شما بیاید، اما این بدان معنا نیست که او هم سطح شماست. به همین صورت، چون ما نمی‌توانیم کریشنا را با چشمان فلی خود ببینیم، کریشنا به صورت نقاشی، سنگ یا چوب در برابر ما ظاهر می‌شود. و کریشنا متفاوت از این نقاشی‌ها و چوب نیست. زیرا که همه چیز کریشناست.

**باربارا:** پس از مرگ برای روح ما چه اتفاقی می‌افتد؟

**شریلا پرابهوپاد:** بدن دیگری می‌گیرید.

**باربارا:** بلافاصله.

**شریلا پرابهوپاد:** بله. درست مانند زمانی که آپارتمان خود را تعویض می‌کنید، ابتدا آپارتمان جدید خود را آماده می‌سازید، آنگاه این آپارتمان را ترک می‌کنید و به آن یکی می‌روید.

**باربارا:** پس آیا ما می‌دانیم چه نوع بدنی خواهیم گرفت؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، آنچه که شایسته آن هستید آماده شده است، در غیر این صورت طبیعت ترتیب آن را می‌دهد. آنها که می‌دانند - می‌دانند چه چیز در انتظارشان است. اما برای آنها که نمی‌دانند، طبیعت ترتیب همه چیز را می‌دهد. اگر ندانید به این معناست که زندگی خود را آماده نکرده‌اید، پس به هنگام مرگ به طور تصادفی ذهنیت شما بدن دیگری خواهد ساخت و طبیعت آن را فراهم می‌کند.

**باربارا:** و ذکر - ذکر چه کار می‌کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** این را می‌توانی از این پسرها بپرسی. آنها می‌دانند.

**باب:** اگر کریشنا همه چیز را کنترل می‌کند، چگونه کریشنا غیرعابدین را نیز کنترل می‌کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** توسط مایا. همان طور که دولت همه چیز را کنترل می‌کند. قلمرو پادشاهی توسط ادارات پادشاهی کنترل می‌شوند.

**باب:** و کریشنا چگونه عابدی را کنترل می‌کند؟

**شریلا پرابهوپاد:** همان طور که شما معشوق خود را کنترل می‌کنید. برای مثال، چنانچه کودکی داشته باشید که او را دوست دارید او را برای نفع خودش کنترل می‌کنید. اگر او بخواهد به آتش دست بزند بلافاصله می‌گویید: "نه، نه، کودک عزیزم، دست نزن." پس فرد

کریشنا آگاه هرگز گمراه نمی‌شود. کریشنا همواره او را هدایت می‌کند درحالی که کسانی که کریشنا آگاه نیستند در خدمت مایا می‌باشند و همان طور که دیده‌اید مایا اقدامات لازم را انجام می‌دهد.

**باب:** آیا زمان تولد و مرگ ما از پیش تعیین شده است؟

**شریلا پرابهوپاد:** چی؟

**باب:** آیا زمان مرگ من و دیگران پیش از آنکه متولد شویم مشخص شده است؟ آیا زندگی من پیش از تولدم مشخص است؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله.

**یک عابد:** و آن را نمی‌توان تغییر داد؟

**شریلا پرابهوپاد:** نه، فرد نمی‌تواند آن را تغییر دهد، اما کریشنا می‌تواند آن را تغییر دهد.

**عابد:** آیا اگر او خودکشی کند، آن هم از پیش تعیین شده است؟

**شریلا پرابهوپاد:** از پیش تعیین شده نیست. این کار را می‌توانید انجام دهید، چون تا

حدی مستقل هستید. خودکشی طبیعی نیست. غیرطبیعی است. چون استقلال داریم می‌توانیم از روند طبیعی به غیرطبیعی پیش رویم. زندانی به طور طبیعی نمی‌تواند از زندان خارج شود، اما به هر ترتیبی که شده از روی دیوار می‌پرد و فرار می‌کند. آنگاه محکوم به زندان بیشتری می‌شود. دوباره دستگیر شده و برای مدت بیشتری زندانی می‌شود یا بیشتر تنبیه می‌شود. پس ما به طور غیرطبیعی نمی‌توانیم با سرنوشت بجنگیم. ولی اگر این کار را انجام دهیم، آنگاه رنج خواهیم برد. اما زمانی که کریشنا آگاه می‌شویم، سرنوشت ما می‌تواند توسط کریشنا تغییر کند. ما این کار را نمی‌کنیم، اما کریشنا می‌کند. کریشنا می‌فرماید:

*aham tvām sarva-pāpēbhyo mokṣayiṣyāmi*

"من شما را حفظ خواهم کرد." [ب.گ. ۶۶/۱۸] این تغییر برای حفاظت من است.

دو سطح وجود دارد عابد و غیرعابد. غیرعابد تحت کنترل طبیعت مادی است و عابد تحت کنترل مستقیم کریشنا. در دفتر یک مرد بزرگ، مدیر اجرایی یک شرکت بزرگ، کارمندان زیادی وجود دارند و ناظرین بخش‌های مختلف، این کارمندان را کنترل می‌کنند. اما با آنکه آن مرد در خارج از خانه به طور غیرمستقیم کارمندان را کنترل می‌کند، همان مرد در خانه

فرزندانش را مستقیم کنترل می‌کند. اما او همیشه کنترل‌کننده است. خداوند نیز به همین صورت کنترل‌کننده است. او همیشه کنترل‌کننده است. زمانی که فردی عابد می‌شود توسط کریشنا کنترل می‌شود، اما زمانی که عابد نیست توسط نماینده‌ی کریشنا، مایا، کنترل می‌شود. اما او باید کنترل شود. برای مثال، هر شهروند امریکایی توسط دولت کنترل می‌شود. زمانی که درست عمل می‌کند، بخش شهروندان او را کنترل می‌کند. زمانی که درست عمل نمی‌کند، بخش جنایی او را کنترل می‌کند. اما او نمی‌تواند بگوید "من کنترل نمی‌شوم." این ممکن نیست. همه کنترل می‌شوند. اگر کسی بگوید: "من کنترل نمی‌شوم"، عاقل نیست. او دیوانه است. همه کنترل می‌شوند. پس یا شما مستقیماً توسط خداوند کنترل می‌شوید یا توسط نماینده‌ی او مایا کنترل می‌شوید. اگر توسط مایا کنترل شوید، زندگی خود را به تباهی کشانده‌اید و زندگی پس از زندگی در دنیای مادی باقی خواهید ماند، بدن‌های خود را عوض می‌کنید. اما چنانچه انتخاب کنید که توسط خداوند کنترل شوید، آنگاه پس از ترک بدن به خانه باز می‌گردید. به منزلگاه خداوند. آنگاه زندگی شما موفق بوده است. شما نمی‌توانید بدون آنکه کنترل شوید وجود داشته باشید. این خرد است. و این در بهاگاواد-گیتا آمده است: باهوانام جانمانام آنته گیاناوان مام پراپادایته:<sup>۱</sup> "پس از تولدها، سفرها و تعمق‌های بسیار، فرد به من تسلیم می‌شود" [ب.گ. ۱۹/۷] واسودوا ساروام ایتی:<sup>۲</sup> "کریشنا، همه چیز تویی. پس من آمدم. مرا بپذیر. من کاملاً به تو تسلیم شده‌ام و تو مرا کنترل کن. من کنترل می‌شوم. مدت زمان زیادی است که توسط این نادانان کنترل شده‌ام. هیچ سودی در آن نبود. من توسط حواس خود کنترل می‌شده‌ام. تحت کنترل حواس خود به اصطلاح به خانواده، جامعه، کشور، ملت و حتی سگ‌ها خدمت کرده‌ام. اما هیچ چیز به من رضایت نداده است. به همین دلیل حال عقل سلیم خود را تحت کنترل تو قرار می‌دهم. باشد که به جای اینکه توسط سگ‌ها کنترل شوم، توسط خداوند کنترل شوم." این کریشنا آگاهی است. آیا ندیده‌اید چگونه انسان توسط یک سگ کنترل می‌شود؟ سگ در خیابان می‌ایستد، ادرار می‌کند و صاحبش منتظر او می‌شود. این طور نیست؟ او دارد ادرار می‌کند و صاحبش فکر می‌کند: "من ارباب هستم"، اما او تحت کنترل است. این مایاست. او خادم سگ شده است و با خود فکر می‌کند: "من ارباب هستم." پس تا زمانی که فرد کریشنا آگاه نباشد نمی‌تواند درک کند. ما می‌توانیم بفهمیم که این نادان

<sup>1</sup> Bahūnām janmanām ante jñānavān mām prapadyate:

<sup>2</sup> Vāsudevaḥ sarvam iti

توسط سگش کنترل می‌شود، اما او فکر می‌کند که ارباب است. ما می‌توانیم بفهمیم. شما چه فکر می‌کنید؟ آیا او توسط سگ کنترل نمی‌شود؟

**باب:** همین طور است.

**شریلا پرابهوپادا:** اما او می‌پندارد: "من ارباب سگ هستم." مرد خانواده توسط همسرش، فرزندان، خدمانش و همه کنترل می‌شود. اما فکر می‌کند: "من ارباب هستم." رئیس جمهور نیکسون خود را ارباب کشورش می‌پندارد، اما او کنترل می‌شود. در یک لحظه عموم مردم، خدمانش می‌توانند او را عزل کنند. و او ادعا می‌کند: "من خدمت بسیار خوبی به شما خواهم کرد." و "من خادم درجه‌ی یک خواهم بود." به همین دلیل مردم به او رأی می‌دهند. "باشه، تو رئیس جمهور شو" و او تبلیغ می‌کند: "دوباره مرا انتخاب کنید! دوباره مرا انتخاب کنید!" این بدان معناست که او خادم است. اما او فکر می‌کند: "من ارباب هستم." این وضعیت مایاست. کسی که توسط مایا کنترل می‌شود خود را ارباب می‌پندارد، اما او خادم است. و یک عابد هرگز خود را ارباب نمی‌داند. فقط "من خادم هستم." این تفاوت مایا و حقیقت است. حداقل او می‌داند "من هرگز ارباب نیستم. من همیشه خادم هستم." زمانی که خادم خود را ارباب فرض می‌کند، این توهم نامیده می‌شود. اما زمانی که خادم خود را خادم می‌داند، این توهم نیست. این موکتی است، رهایی. چون او توسط افکار اشتباه کنترل نمی‌شود. سعی کنید به این موضوع بیندیشید. عابد هرگز توسط افکار اشتباه کنترل نمی‌شود. او موقعیت خود را می‌داند. سوآروپنا ویاواستیتی<sup>۱</sup> [ش.ب. ۶/۱۰/۲]. موکتی، رهایی یعنی قرار گرفتن در موقعیت اصلی خود. من خادم هستم. پس اگر من بدانم که خادم هستم این رهایی من است. و اگر من فکر کنم که ارباب هستم این اسارت است. این تفاوت بین اسارت و رهایی است. پس این عابدین کریشنا آگاه همواره به کریشنا می‌اندیشند و خادمین او هستند. به همین دلیل همه آنها ره‌اشده می‌باشند. آنها در صدد رسیدن به رهایی نیستند. آنها پیش از این رها شده‌اند، زیرا که در موقعیت اصلی خود واقع شده‌اند. آنها به طور مصنوعی خود را ارباب نمی‌دانند. در غیر این صورت، همه خود را ارباب می‌دانند. این توهم است. شما در هیچ مرحله‌ای از زندگی خود نخواهید توانست ارباب باشید، شما باید خادم باقی بمانید. این موقعیت شماست. زمانی که فردی به صورت مصنوعی خود را ارباب می‌داند، این زندگی مقید اوست. و زمانی که فرد به میل خود به برترین ارباب تسلیم می‌شود، این رهایی اوست. عابد برای

<sup>1</sup> Svarūpena vyavasthitīḥ

رهایی جداگانه تلاش نمی‌کند. به محض اینکه به کریشنا یا به نماینده‌ی او تسلیم شود رها شده است.

**باب:** پرابهوپاد، کسانی که پیرو مذهبی هستند، مانند پیروان این جنبش مسیحی<sup>۱</sup> و سایرین، ادعا می‌کنند که مسیح آنها را یاری می‌کند. آیا می‌تواند درست باشد؟

**شریلا پرابهوپاد:** بله، اما آنها هدایت را نمی‌گیرند. درست مانند مسیحیان. مسیح آنها را هدایت می‌کند: "شما نباید بکشید"، اما آنها می‌کشند. هدایت مسیح کجاست؟ تنها با گفتن "من توسط مسیح هدایت می‌شوم". آیا کار می‌کند؟ "اما به این عبارت توجه نمی‌کنم؟" آیا این هدایت است؟ هیچ کس توسط عیسی مسیح هدایت نمی‌شود. ادعای آنان دروغ است. یافتن فردی که به واقع توسط عیسی مسیح هدایت شود بسیار دشوار است. هدایت عیسی مسیح وجود دارد، اما کسی به آن اهمیتی نمی‌دهد. آنها عیسی مسیح را تبدیل کرده‌اند به فردی که با او قرارداد بسته‌اند تا گناهان آنها را بگیرد. این فلسفه‌ی آنان است. آنها همه‌ی انواع گناهان را مرتکب می‌شوند و عیسی مسیح بیچاره مسئول آن خواهد بود. این مذهب آنان است. برای همین آنها می‌گویند: "ما مذهب بسیار خوبی داریم. برای همه‌ی اعمال گناه‌آلود ما عیسی مسیح خواهد مرد." پس آیا این مذهب خوبی است؟ آنها هیچ دلسوزی برای عیسی مسیح ندارند. او به خاطر گناهان ما مرد. چرا باید دوباره مرتکب گناه شویم؟ چنین زندگی متعالی برای گناهان قربانی شد، پس ما باید توسط عیسی مسیح هدایت شویم. اما اگر آن را نوع دیگری بگیرید: "آه ما باید همه‌ی گناهان را مرتکب شویم و عیسی مسیح قرارداد بسته است که همه گناهان مرا بی اثر می‌کند. به راحتی می‌روم به کلیسا اعتراف می‌کنم و باز می‌گردم و دوباره همه‌ی کارهای بیهوده را انجام می‌دهم." آیا فکر می‌کنید این هوش خوبی را نشان می‌دهد؟

**باب:** خیر.

**شریلا پرابهوپاد:** در واقع کسی که توسط عیسی مسیح هدایت می‌شود قطعاً به رهایی دست می‌یابد. اما یافتن فردی که واقعاً توسط عیسی مسیح هدایت می‌شود بسیار دشوار است.

**باب:** این جنبش جدید مسیحی چه؟ جوانانی که به این جنبش پیوسته‌اند؟ آنها اغلب انجیل می‌خوانند و تلاش می‌کنند ...

<sup>۱</sup> Jesus Freaks: جنبشی مسیحی در اواخر دهه‌ی ۶۰ و اوایل دهه‌ی ۷۰

**شریلا پرابهوپاد:** اما خشونت ضد تعلیمات انجیل است. چنانچه آنها پیروان انجیل

هستند، چگونه می‌کشند؟

**باب:** من از یک نفر این را پرسیدم و او ادعا کرد که در انجیل آمده است که مسیح نیز

گوشت می‌خورده است.

**شریلا پرابهوپاد:** این درست است. او ممکن است هر چیزی خورده باشد. او قدرتمند

است. ولی او دستور داده است: "شما نباید بکشید. شما باید کشتار را متوقف کنید." او قدرتمند

است. او ممکن است همه‌ی جهان را بخورد. اما شما نمی‌توانید خود را با عیسی مسیح مقایسه

کنید. شما نمی‌توانید از او تقلید کنید. در ضمن باید پایبند به دستورات او بمانید. آنگاه شما

توسط عیسی مسیح هدایت می‌شوید. این فرمانبرداری است. آن در بهاگاواد-گیتا توضیح داده

شده است. فردی که ایشواراست، نیرومند شده است، می‌تواند هرکاری انجام دهد، اما ما

نمی‌توانیم تقلید کنیم. ما باید از دستورات او اطاعت کنیم: "هرآنچه که او به من گفته است

من همان کار را انجام می‌دهم." شما نمی‌توانید تقلید کنید. شما می‌گویید عیسی مسیح

گوشت می‌خورده است. تصدیق می‌کنید که نمی‌دانید او در چه شرایطی گوشت می‌خورده

است. او خود گوشت می‌خورده است، اما دیگران را توصیه کرده است که گوشت نخورند. آیا

فکر می‌کنید عیسی مسیح با خود در تناقض است؟

**باب:** نه.

**شریلا پرابهوپاد:** او نمی‌توانسته این کار را انجام دهد. این ایمان واقعی به اوست که

او می‌توانسته این کار را انجام دهد. پس چرا او گوشت می‌خورده است؟ او می‌داند، اما از من

خواسته است که نکشم. من باید پیروی کنم. این سیستم واقعی است. شما عیسی مسیح

نیستید و نمی‌توانید از او تقلید کنید. او زندگی خود را برای خداوند قربانی کرد. آیا شما

می‌توانید این کار را بکنید؟ پس چرا باید از او تقلید کنید؟ شما با خوردن گوشت از عیسی

مسیح تقلید می‌کنید. چرا از عیسی مسیح تقلید نمی‌کنید و زندگی خود را قربانی پخش خدا

آگاهی نمی‌کنید؟ چی فکر می‌کنید؟ بله زمانی که موعظه می‌کنید می‌توانید آنچه را که فکر

می‌کنید بیان کنید. آنها مسیحی نامیده می‌شوند، اما آنها برای خداوند چه می‌کنند؟ تنها

خورشید را در نظر بگیرید. خورشید ادرار را جذب می‌کند. آیا شما می‌توانید ادرار را بنوشید؟



چنانچه بخواهید از خورشید تقلید کنید: "اوه خورشید ادرار را جذب می‌کند، بگذارید من نیز ادرار را بنوشم"، آیا می‌توانید؟ عیسی مسیح قدرتمند است، او می‌تواند هرکاری انجام دهد. اما ما نمی‌توانیم تقلید کنیم. ما باید فقط از دستورات او اطاعت کنیم. این مسیحیت واقعی است. ما نمی‌توانیم از انسان قدرتمندی تقلید کنیم. این اشتباه است. در ادبیات ودایی ما اقیانوس زهری موجود بود که انسان‌ها نمی‌دانستند با آن چه کار کنند. آنگاه خداوندگار شیوا گفت: "بسیار خوب، من آن را می‌نوشم." پس او تمام اقیانوس زهر را نوشید و آن را در گلوی خود نگاه داشت. آیا شما می‌توانید زهر را بنوشید؟ نه اقیانوس، یک فنجان؟ پس ما چگونه می‌توانیم از خداوند شیوا تقلید کنیم؟ خداوند شیوا هرگز به ما توصیه نکرده است که زهر بنوشیم. پس شما باید از توصیه‌ها اطاعت کنید، نه اینکه تقلید کنید. این مصرف‌کنندگان ال.اس.دی و ماری‌جوآنا می‌گویند که خداوند شیوا گان‌جا<sup>۱</sup> دود می‌کرد. اما خداوند شیوا همه‌ی اقیانوس زهر را نوشید. آیا شما می‌توانید این کار را بکنید؟ دستورات خداوند شیوا باید اطاعت شود. او گفته است بهترین پرستش، پرستش ویشنوست. ویشنور آرادهانام پارام<sup>۲</sup>. زمانی که پارواتی<sup>۳</sup> از او درباره‌ی بهترین روش پرستش پرسید او گفت: "بهترین پرستش، پرستش خداوند ویشنو [کریشنا] است." خداوندگاران بسیاری وجود دارند، اما او پرستش ویشنو را به عنوان بهترین توصیه کرده است. و بهتر از پرستش ویشنو، پرستش وایشنا<sup>۴</sup> است. تادیانام<sup>۵</sup> - خادمین او یا کسانی که با او در رابطه هستند. برای مثال، ما این گیاه را می‌پرستیم، تولاسی<sup>۶</sup>. ما همه‌ی گیاهان را نمی‌پرستیم، اما چون این تولاسی ارتباط بسیار نزدیکی با کریشنا، ویشنو دارد، به این دلیل ما او را می‌پرستیم. به همین صورت، اگر هر چیزی در رابطه‌ی نزدیک با کریشنا باشد، پرستش آن از پرستش ویشنو بهتر است.

**باب:** چرا این طور است؟

**شریلا پرابهوپادا:** برای اینکه کریشنا خوشنود می‌شود؟ فرض کنید شما سگ دارید و دوستانتان می‌آیند و او را نوازش می‌کنند. [شریلا پرابهوپادا حرکت نوازش بزرگی را انجام

<sup>1</sup> gañja

<sup>2</sup> Viṣṇor ārādhanaṁ param

<sup>3</sup> Pārvatī

<sup>4</sup> Vaiṣṇava

<sup>5</sup> Tādīyānām

<sup>6</sup> tulasī

می‌دهند] شما خوشحال می‌شوید. شما خوشنود می‌شوید: "آه، او دوست خوب من است." می‌بینید آنها چطور فکر می‌کنند. ما این را می‌بینیم. برخی دوستان می‌آیند و می‌گویند: "اوه، چه سگ زیبایی دارید." [خنده] چند مهمان هندی وارد اتاق می‌شوند.

**شریلا پرابهوپادا:** خواهش می‌کنم مقداری پراساد بخورید.

[شریلا پرابهوپادا به صحبت با مهمانان خود گاه به انگلیسی و گاه به هندی ادامه می‌دهند. این روز آخر او در نیویورک است و پروازشان به لندن برای چند ساعت دیگر می‌باشد. باب ماشین آورده است تا شریلا پرابهوپادا را تا فرودگاه برساند. عابدین به سرعت حرکت می‌کنند، چمدان‌ها را داخل ماشین می‌گذرند، آخرین دست‌نوشته‌های ترجمه‌ی شریلا پرابهوپادا را مرتب می‌کنند و سایر ترتیبات آخرین دقایق را انجام می‌دهند.]

**شیاماسوندارا:** همه چیز آماده است، شریلا پرابهوپادا. ماشین منتظر ماست.

**شریلا پرابهوپادا:** خوب؟ پس می‌توانیم الان برویم؟ بسیار خوب. هاره کریشنا!

## کلام آخر

در ۱۹ جولای ۱۹۷۶، حضرت شریلاپرابهوپاد من و همسر من را به عنوان مریدان خود پذیرفتند و به نام‌های بهاکتی - دوی داسی و براهماتیرتها داس<sup>۱</sup> تشریف دادند. وقتی به آن روز باز می‌گردم، می‌توانم ببینم چقدر خوشبخت بودم که آن حضرت و برادران روحانی خود را در جنبش کریشنا آگاهی ملاقات کردم.

زمانی که تسبیح خود را در مراسم تشریف دریافت کردم، سوگند یاد نمودم که از اصول تنظیم‌کننده پیروی نمایم و روزانه نام‌های خداوند را ذکر کنم. چهار سال پیش از آن، شریلا پرابهوپاد به من توصیه کرده بودند این اصول را اجرا کنم و گفتند در طول شش ماه من نیز می‌توانم مانند سایر عابدین باشیم، همه چیزهای غیرلازم (آنارتاها) مانند فیلم‌های دنیوی و رستوران‌ها جذب مرا متوقف می‌کنند. گفتند: "تمام زندگی انسانی برای پاک شدن است." من به پاک شدن علاقمند بودم، بی‌آنکه واقعاً بدانم پاک شدن چیست. با گروه پیس کریس به امید یافتن آگاهی بالاتری به هند رفتم. نمی‌توانستم باور کنم که همه چیز ارضای حواس بود. با این حال خود من در قید حواسم بودم. بعدها فهمیدم یوگا یعنی رها شدن از حکمرانی حواس.

پس از بازگشت به آمریکا، تحصیلات فوق‌لیسانس در رشته‌ی جغرافیا را آغاز نمودم، ازدواج کردم و گرفتار مسئولیت‌های خانوادگی شدم، اما اغلب به مکالمات خود با شریلا پرابهوپاد و تعلیمات ایشان می‌اندیشیدم. یکی از نخستین آموزش‌های ایشان، صرفاً معاشرت با عابدین بود و من این کار را با خرسندی انجام می‌دادم. عابدین متفاوتند: با درک این موضوع که خدمت عاشقانه به خداوند متعال هدف زندگی است، از درگیر شدن در امور جزئی ارضای حواس و منیت کاذب اجتناب می‌کنند. دیدار معبد بهترین نیرودهنده بود. به تدریج من و همسر من با بسیاری از عابدین دوست شدیم و خواستیم به نوعی به این جنبش خدمت کنیم. من باشگاه بهاکتی یوگا را در دانشگاه پشتیبانی کردم و آپارتمان ما به عنوان ایستگاهی برای گروه‌های عابدین در سفر به خدمت گرفته شد.

---

<sup>1</sup> *Bhakti-devī dāsī and Brahma-tīrtha dāsa*

با دنبال نمودن تعلیمات شریلا پرابهوپادا حتی خوراک ما پاک شد. در هند به شریلا پرابهوپاد گفته بودم نمی‌توانم غذای خود را مانند عابدین تقدیم کنم، چون نمی‌فهمم که کریشنا خداوند است. و ایشان به من گفتند فقط پیش از خوردن غذا از خداوند شکرگزاری کنیم. ما این کار را کردیم و در نهایت عبودیت ما بالغ شد و شروع کردیم به تقدیم غذای خود به خداوند متعال. آسپزی کردن برای خداوند متعال احساس بی‌نظیری است. این امر ما را از کنترل زبان رها می‌سازد.

سرانجام آماده شدیم که کاملاً در معبد زندگی کنیم. با لطف کریشنا من در نزدیکی معبد تگزاس شغلی یافتیم و شرکت در تمام برنامه‌های معبد را آغاز نمودم. به این صورت همه آنارتاها (آلودگی‌ها) ناپدید شدند، همان طور که شریلا پرابهوپاد پیشگویی کرده بودند. مانند این بود که باری را از دوش ما برداشته باشند. دیگر خدمتگزاران حواس خود نبودیم، بلکه خادمین خداوند و عابدین او بودیم. ارزش تعالیم شریلا پرابهوپادا آشکار شد. انسان برای این نیست که مانند خر بار بکشد و مانند سگ لذت ببرد. پاک شدن یعنی رسیدن به سطح آگاهی بالاتر.

با اینکه تشرف یافته بودم، همچنان آگاهی روحانی براردان روحانی خود را می‌ستودم و آرزوی پیشرفت داشتم. در واقع تشرف آغاز راه است.

براهماتیرتها داس آدهیکاری

(باب کوهن)

هیوستون، تگزاس

۱۶ اکتبر ۱۹۷۶

## درباره‌ی نویسنده

۱. چ. بهاکتی‌ودانتا سوامی پرابهوپاد<sup>۱</sup> با شهرت جهانی "شریلا پرابهوپاد"<sup>۲</sup> در ۱۸۹۶ در کلکته‌ی هندوستان چشم بر این جهان گشود. در ۱۹۲۲، در نخستین ملاقات با پیر روحانی خود، "شریلا بهاکتی سیدهانتا ساراسواتی گوسوامی"<sup>۳</sup>، وی از شریلا پرابهوپاد خواست تا نسبت به اشاعه‌ی دانش ودایی در جهان غرب اقدام کند. شریلا پرابهوپاد شاگردی او را پذیرفت و یازده سال بعد در الله‌آباد مرید تشریف‌یافته‌ی وی شد. در سال‌های بعد وی شرحی بر بهاگاواد-گیتا نگاشت و در ۱۹۴۴ بدون هیچ کمکی، انتشار مجله‌ی "بازگشت به نزد خدا"<sup>۴</sup> را به زبان انگلیسی، هر دو هفته یک بار، آغاز کرد. انتشار این مجله پس از آغاز هیچ گاه قطع نشد و هم‌اکنون نیز توسط مریدان ایشان به بیش از سی زبان منتشر می‌شود.

به منظور قدردانی از دانش فلسفی و عبودیت شریلا پرابهوپاد، انجمن "گودیا وایشناوا"<sup>۵</sup> در ۱۹۴۷ او را به لقب "بهاکتی‌ودانتا"<sup>۶</sup> مفتخر ساخت. در ۱۹۵۰ شریلا پرابهوپاد در سن پنجاه و چهار سالگی از زندگی خانوادگی کناره گرفت و چهار سال بعد مرحله‌ی "واناپراستها"<sup>۷</sup> (بازنشستگی) را اختیار نمود تا زمان بیشتری را وقف مطالعات و نگارش کند. شریلا پرابهوپاد به شهر مقدس ورینداون عزیمت کرد و در معبدی تاریخی و متعلق به قرون وسطی به نام "رادها دامودارا"<sup>۸</sup> سکنا گزید. او در آن جا چند سالی را به مطالعه‌ی عمیق و نگارش سپری کرد. شریلا پرابهوپاد در رادها دامودارا شاهکار زندگی خود یعنی ترجمه و شرح چندین جلدی هجده‌هزار آیه‌ی شریماد-بهاگاواتام<sup>۹</sup> را آغاز نمود و سرانجام در ۱۹۵۹ مرحله‌ی انقطاع از زندگی (سانیاسا<sup>۱۰</sup>) را پذیرا گردید.

---

<sup>1</sup> A.C. Bhaktivedanta Swami Prabhupada

<sup>2</sup> Srilla Prabhupada

<sup>3</sup> Srila Bhaktisidhanta Sarasvati Gosvami

<sup>4</sup> Back to Godhead

<sup>5</sup> Gaudya Vaisnava

<sup>6</sup> Bhaktivedanta

<sup>7</sup> vanaprastha

<sup>8</sup> Radha Damodara

<sup>9</sup> Srimad-Bhagavatam

<sup>10</sup> sannyasa

شریلا پرابهوپاد در ۱۹۶۵ با کشتی باری و عملاً دست خالی به آمریکا رسید. یک سال بعد انجمن بین‌المللی کریشنا آگاهی را بنیان نهاد. او تا پیش از ترک این دنیا (۱۴ نوامبر ۱۹۷۷) هدایت این انجمن را بر عهده داشت و انجمن تحت هدایت دقیق وی در مدت ده سال به یک انجمن جهانی با حدود یکصد "آشراما"<sup>۱۱</sup>، مدرسه، معبد، مؤسسه و مجتمع کشاورزی تبدیل و توسعه یافت. اما مهم‌ترین هدیه‌ی شریلا پرابهوپاد به جهان، کتاب‌های وی است. این کتاب‌ها از طرف جوامع علمی به دلیل اعتبار، عمق و روشنی مورد احترام بسیار است و در دروس متعدد دانشگاهی به عنوان کتب درسی استاندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوشته‌های وی به بیش از هفتاد و هشت زبان رایج ترجمه شده است. "انتشارات بهاکتی ودانتا"<sup>۱۲</sup> که در ۱۹۷۲ به طور اختصاصی برای چاپ آثار شریلا پرابهوپاد تأسیس شد، به عنوان بزرگ‌ترین ناشر جهان در زمینه‌ی کتاب‌های دینی و فلسفی هند محسوب می‌گردد.

به‌رغم سن زیاد، شریلا پرابهوپاد در عرض فقط دوازده سال، برای ایراد سخنرانی در شش قاره‌ی جهان، چهارده بار به گرد جهان سفر نمود و با وجود چنین برنامه‌ی سنگینی، تا پایان عمر، فعالانه به نگارش ادامه داد. وی بیش از شصت جلد ترجمه، شرح و خلاصه‌های معتبر و موثق بر ادبیات فلسفی و مذهبی هند نگاشت. نوشته‌های وی تشکیل‌دهنده‌ی کتابخانه‌ای پُر بار از فرهنگ، ادبیات، مذهب و فلسفه‌ی ودایی است.

---

<sup>11</sup> āśramas

<sup>12</sup> Bhaktivedanta Book Trust

## قاعده‌ی ارجاع به منابع در متن

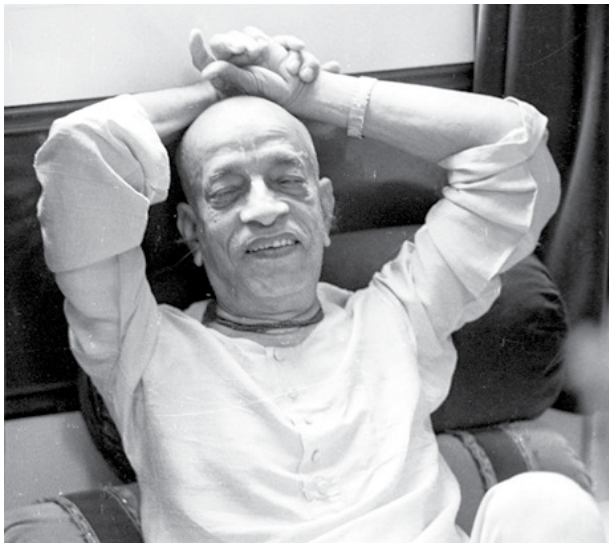
۱. ب. گ. مخفف "بهاگاواد-گیتا" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی فصل و سپس شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: [ب. گ. ۲/۱۶] یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۶، آیه ۲؛ [ب. گ. ۱۲-۸/۱۳] یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۱۳، آیات ۸ الی ۱۲؛ [ب. گ. ۷/۵، ۴] یعنی بهاگاواد-گیتا فصل ۵، آیات ۴ و ۷.

۲. ش. ب. مخفف "شریماد-بهاگاواتام" و در ارجاع به آن، از راست به چپ، ابتدا شماره‌ی کنتو و سپس شماره‌ی فصل و آن‌گاه شماره‌ی آیه یا آیات نوشته شده است. مانند: [ش. ب. ۵/۲/۴] یعنی شریماد-بهاگاواتام، کنتوی ۴، فصل ۲، آیه ۵. سایر موارد نیز مشابه مثال بالاست.

۳. در ارجاع به سایر آثار ودایی نیز همین قاعده رعایت شده است.







## پرسش‌های کامل، پاسخ‌های کامل

جستجو برای معنای زندگی، یک معلم جوان  
آمریکایی را به آن سوی دنیا، به شهری باستانی در قلب  
بنگال غربی می‌کشاند. آن‌جا در کلبه‌ای کوچک در  
سرزمین مقدس مایاپور، وی خود را در محضر یکی از  
بزرگ‌ترین معلمان قدیس هند می‌یابد؛ معلمی که به  
نظر می‌رسد قادر به پاسخ‌گویی به هر آن چیزی است  
که وی می‌خواهد بداند...